

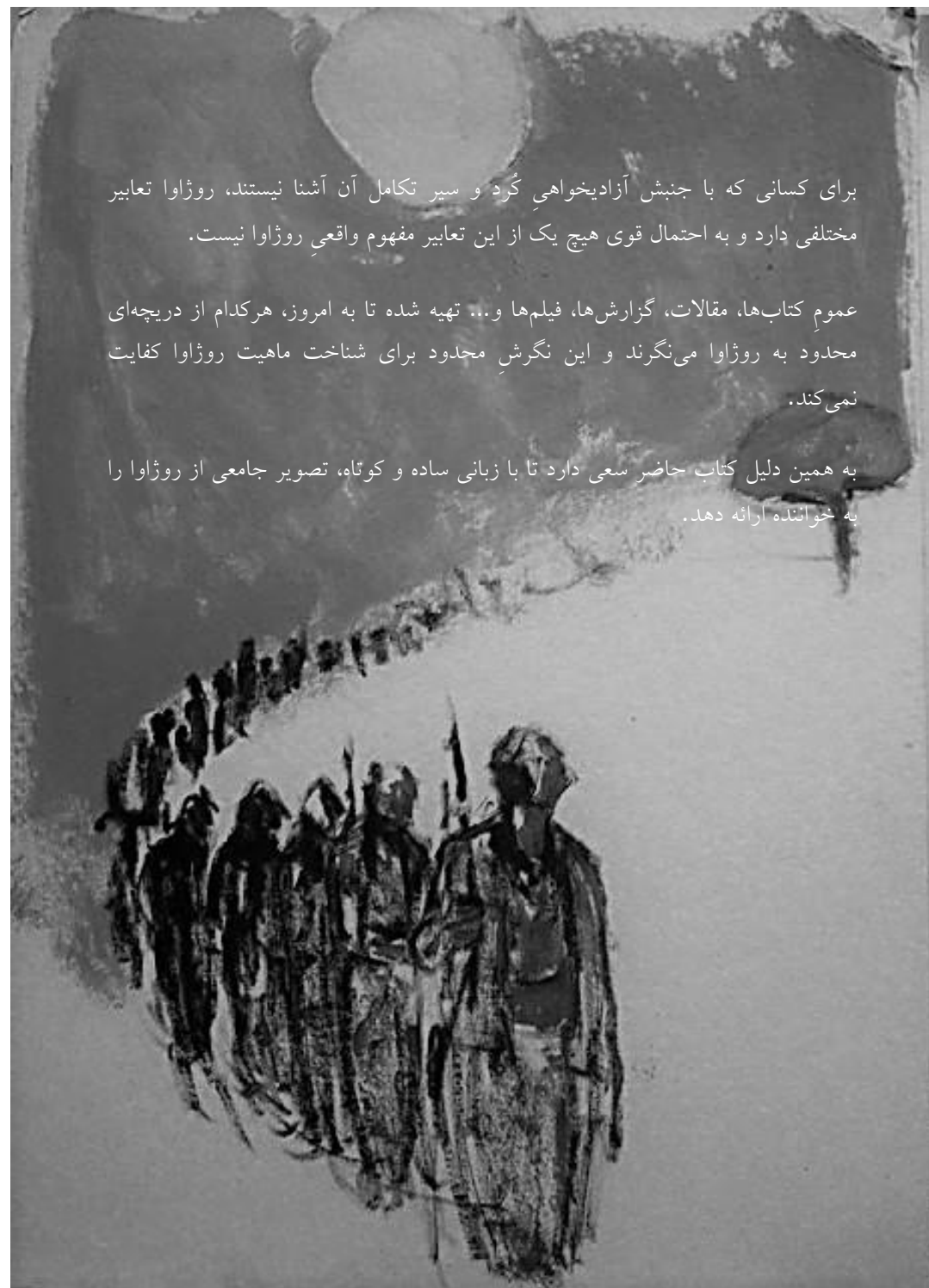


روژاوا

سرزمین
زرد. سرخ. سبز

روژاوا

سرزمین
زرد. سرخ. سبز



برای کسانی که با جنبش آزادیخواهی کرد و سیر تکامل آن آشنا نیستند، روژاوا تعابیر مختلفی دارد و به احتمال قوی هیچ یک از این تعابیر مفهوم واقعی روژاوا نیست.

عموم کتاب‌ها، مقالات، گزارش‌ها، فیلم‌ها و... تهیه شده تا به امروز، هرکدام از دریچه‌ای محدود به روژاوا می‌نگرند و این نگرش محدود برای شناخت ماهیت روژاوا کفایت نمی‌کند.

به همین دلیل کتاب حاضر سعی دارد تا با زبانی ساده و کوتاه، تصویر جامعی از روژاوا را به خواننده ارائه دهد.

بابک مه‌باد

بابک مه‌باد

روژاوا

سرزمینِ

زرد . سرخ . سبز

بابک مهاباد

سرشناسه	: مهاباد، بابک، ۱۹۷۴-
عنوان و نام پدیدآور	: روژاوا سرزمین زرد، سرخ، سبز / بابک مهاباد
مشخصات نشر	: وب: فدراسیون عصر آنارشیزم، ۲۰۲۳.
مشخصات ظاهری	: قطع رقی. ۲۰۷ ص.
شابک	: ۲-۱۱-۱۱۱۱-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: روژاوا
موضوع	: Rojava
موضوع	: خودمدیریتی دمکراتیک
موضوع	: Democratic Self-Governing
موضوع	: کنفدرالیسم دمکراتیک
موضوع	: Democratic Confederalism
رده‌بندی کنگره	: ۱۴۰۱ / ۹۹م / ۹۷۰۹-۸۲۱ HX
رده‌بندی دیویی	: ۳۲۱

عنوان کتاب:	روژاوا سرزمین زرد، سرخ، سبز
مؤلف:	بابک مهاباد
ناشر:	فدراسیون عصر آنارشیزم
ویراستار:	بابک مهاباد
صفحه‌آرایی و طراحی جلد:	بابک مهاباد
نوبت چاپ:	چاپ سوم
شمارگان:	دیجیتال
شابک:	ISBN 978 600 1111 11 2
قیمت:	ندارد
پایگاه اینترنتی:	https://asranarshism.com/fa
پست الکترونیکی:	babek.mehabad@gmail.com

تقدیم به زینب جلالیان

و

تمام زندانیان آزاداندیش که در اسارت مقاومت می‌کنند.

فهرست

مقدمه مؤلف

فصل اول. خاورمیانه

آسیب‌شناسی

یک راهکار متفاوت

از ایده تا عمل

فصل دوم. طرح روژاوا

ماهیت و ساختار

مشکلات و دستاوردها

موانع طرح

فصل سوم. مقایسه جنبش‌ها

کاتالونیای انقلابی

چیپاس

سخن پایانی

پیوست‌ها

پیوست ۱. نقشه‌ها

پیوست ۲. نمودار تقریبی شکل‌گیری احزاب روژاوا

پیوست ۳. شماتیک ساختار شورایی روژاوا

پیوست ۴. روند سازماندهی زنان در جنبش آزادی خواهی کُرد

پیوست ۵. جداول مقایسه خبررسانی‌ها

پیوست ۶. قرارداد اجتماعی فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه

سرواژه‌ها

پی نوشت‌ها و مراجع

"حتی در تاریک‌ترین دوران، می‌توان چشم به راه روشنایی بود. و... این روشنایی بیش از آنکه از تئوری‌ها و مفاهیم ساطع شود، از فانوسی لرزان و غالباً کم‌سو نشأت می‌گیرد که اندک مردان و زنانی در طول زندگی خویش و در آثارشان، تقریباً تحت هر شرایطی و در مجالی که به آن‌ها بر روی زمین عطا شده، برمی‌افروزند."

هانا آرنت، ۱۹۷۰، انسان‌ها در عصر ظلمت



مقدمه مؤلف

برای کسانی که با جنبش آزادیخواهیِ کُرد و سیر تکامل آن آشنا نیستند، روزاوا تعابیر مختلفی دارد و به احتمال قوی هیچ یک از این تعابیر مفهوم واقعیِ روزاوا نیست. عموم کتاب‌ها، مقالات، گزارش‌ها، فیلم‌ها و... تهیه شده تا به امروز، هرکدام از دریچه‌ای محدود به روزاوا می‌نگرند و این نگرشِ محدود برای شناخت ماهیت روزاوا کفایت نمی‌کند. به همین دلیل کتاب حاضر سعی دارد تا با زبانی ساده و کوتاه، تصویر جامعی از روزاوا را به خواننده ارائه دهد.

برای پرهیز از درج مطالب بلند در متن اصلی، توضیحات بیشتر را در پی نوشت‌ها آورده‌ام. علاوه بر این، تمامی اسامی، مراجع و منابع مورد استفاده نیز با وسواس بسیار، تا حد توان، از سرچشمه‌های معتبر استخراج و در پی نوشت‌ها ارائه شده‌اند تا ضمن حفظ ارزش علمی کتاب و اعتبار مؤلف، مسیر مطالعات بعدیِ خوانندگان علاقمند را هموار سازد.

در مسیر تألیف کتاب، همراهانِ صادقی داشته‌ام که لازم می‌دانم از ایشان قدردانی کنم؛

تلویزیون آرین و آژانس خبری فرات، که علیرغم تمام محدودیت‌ها، دسترسی به اخبار روزاوا و کردستان را برای فارسی‌زبانان فراهم ساخته‌اند، سازمان هلال احمر کردستان، که با وجود شرایط جنگی، به من در تهیه و تکمیل مطالب مرتبط با بهداشت و درمان روزاوا کمک کردند،

انتشارات مزوپوتامین در آلمان که منابع ارزشمندی را در خصوص روزاوا به من معرفی نموده و موجبات تشویق و دلگرمی جهت ادامه کار را فراهم ساخت.

رفقای خوبم در کمون اینترناسیونالیست‌های روزاوا، که مرا در تکمیل بخش‌های مرتبط با محیط زیست، یاری دادند،

وبسایت عصر آنارشویست که در آخرین تلاش‌ها برای یافتن ناشر فارسی زبان، همراه بود،

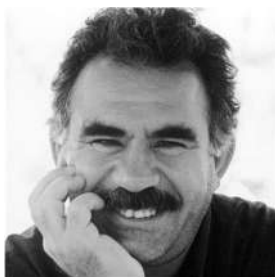
و

جنبش آزادیخواهی کُرد در شرق کردستان.

خاورمیانه

"در شرایط خاورمیانه، جنگ خلق گُرد مقابل نیروهای امحاگر و مرتجع داخلی و خارجی، به منظور جدایی از سایر خلق‌های همسایه و جنگی علیه آنان نیست. بلکه جنگ برای ایجاد جمهوری دموکراتیک و اتحاد آزاد است که در عین حال به سایر خلق‌های خاورمیانه نیز حیثیت و غنا می‌بخشد."

عبدالله اوجالان، ۲۰۰۱، از دولت کاهنی سومر بسوی تمدن دموکراتیک



آسیب‌شناسی

منطقه‌ای که اروپاییان آن را خاورمیانه نامیده‌اند، و اتفاقاً نه در میانه خاور، که تقریباً در مرکز خشکی‌های زمین و نقشه سیاسی جهان واقع شده است، از نخستین خاستگاه‌های تمدن بشری به شمار می‌رود. بنا بر نظریات متکی به یافته‌های علمی، قدمت زراعت و اهلی کردن دام در بخشی از خاورمیانه شامل بین‌النهرین (مزوپوتامیا)، مصر، و سواحل شرقی مدیترانه موسوم به هلال حاصلخیز، کهن‌تر از سایر زیستگاه‌های بشر بوده و وضع نخستین قوانین شناخته شده جهان تحت عنوان قانون حمورابی، در این جغرافیا رخ داده است. لوحه‌های گلی قدیمی‌ترین داستان مکتوب جهان، حماسه گیلگمش، در بین‌النهرین کشف شده‌اند و چهار دین فراگیر جهان، یعنی میترائیسم، یهودیت، مسیحیت، و اسلام نیز از این منطقه نشأت گرفته‌اند.

محدوده جغرافیایی خاورمیانه در منابع مختلف متفاوت است و آنچه در این بحث ملاک عمل واقع شده، دربرگیرنده کشورهای اردن، اسرائیل، امارات متحده عربی، ایران، بحرین، ترکیه، فلسطین، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، قبرس، قطر، کویت، لبنان، مصر، و یمن است. (پیوست ۱)

با این حساب، خاورمیانه مسکن بیش از چهل گروه قومی^۱ گوناگون است که پیرو بیش از هشتاد باور مختلف بوده و به بیش از بیست زبان^۲ مختلف صحبت می‌کنند. وجود اقوام و عقاید گوناگون، در کنار هزاران سال تبعید،

مهاجرت، اعمال سیاست‌های استحاله نژادی یا فرهنگی از جانب گروه‌های سلطه جو و غیره، دموگرافی منطقه خاورمیانه را بسیار پیچیده و رنگارنگ ساخته است. لیکن در این ساختار متنوع به ظاهر ناهمگون نیز می‌توان نقاط مشترک بسیاری مشاهده نمود.

علاوه بر این، وجود ۴۹ درصد از منابع نفت خام^۳، ۴۳ درصد از منابع گاز طبیعی^۴ و میانگین ۱۱ درصد فلزات و معادن صنعتی شناخته شده جهان^۵ در مساحتی معادل ۴.۸ درصد خشکی‌های کره زمین، با جمعیتی بالغ بر ۵.۷ درصد جمعیت کل بشر،^۶ خاورمیانه را به لحاظ اقتصادی، و سیاسی، در زمره آسیب پذیرترین مناطق استراتژیک جهان قرار داده و این سرزمین را به عرصه رقابت قدرت‌های بین‌المللی بدل ساخته است.

جنگ و آشوب

حدود ۱۵ درصد از انقلاب‌ها و بیش از ۱۶ درصد از نبردهای ثبت شده تاریخ بشر در این مساحت^۴. ۸ درصدی به وقوع پیوسته‌اند.^۷ خاورمیانه از لحاظ تعداد انقلاب‌ها (یا نبردها) نسبت به مساحت، پس از اروپا، در رتبه دوم را جای دارد.

بررسی مناقشات خاورمیانه، در قرن بیست و یکم^۸ نشان می‌دهد که حدود ۳۸ درصد منازعات خاورمیانه به منظور تغییر جهت ایدئولوژیکی، مذهبی، اجتماعی - اقتصادی یا قانونی نظام سیاسی رخ داده‌اند. تمسک به ایدئولوگ،

قومیت، ملیت، طبقه و هر آنچه باعث ایجاد نظام خودی-غیر خودی شود، همواره بهانه‌ای بوده است برای سلطه جویی که هیچگاه نتوانسته و نمی‌تواند به قدرت یا صلح پایدار منجر شود. چراکه سلطه جویی یک قوم، طبقه، ایدئولوگ و...، سایر هویت‌های تحت سلطه را به بروز عکس‌العمل‌های قومی، طبقاتی، ایدئولوژیک و غیره واداشته و این دور باطل به مرور زمان شدت می‌گیرد تا منجر به جنگ شود. لذا برای پرهیز از این گونه منازعات، ساختار خاورمیانه باید برابری کلبه افراد، اقوام و عقاید را تضمین نموده و رنگین کمان فرهنگی آنرا تمام و کمال نمایش دهد.

بنا بر مطالعات مذکور، سایر منازعات خاورمیانه دلایل دیگری داشته است که برترتیب عبارتند از؛ کنترل کشور یا بدست گرفتن حکومت (۲۰٪)، تفوق محلی (۹٪)، خودمختاری (۸٪)، تغییر روابط قدرت در سیستم بین‌المللی (۷٪)، تصاحب منابع (۷٪)، افزایش قلمرو (۶٪)، و جدایی طلبی (۵٪).^۹ این الگو در مناطق دیگر جهان متفاوت است. چنانکه دلیل غالب مناقشات در اروپا جدایی طلبی، در مرکز و جنوب آفریقا کنترل حکومت، در قاره آمریکا تصاحب منابع، و در آسیا-اقیانوسیه تغییر نظام سیاسی یا ایدئولوژیک (نه بشدت خاورمیانه) بوده است.

یکی از دلایل تفاوت در الگوها، تفاوت در سرعت و نحوه دگردیسی جوامع در مناطق مختلف این کره خاکست است. همچنین باید توجه داشت که بر اساس دینامیک جوامع و تغییر شرایط اقلیمی، در طول زمان این الگوها به هم

نزدیک یا از هم دور می‌شوند. بعنوان مثال، پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که با ادامه وضع موجود، بزودی عامل "تصاحب منابع" و بطور اخص منابع آبی، به مهمترین دلیل بروز مناقشات در منطقه خاورمیانه (و شمال آفریقا) تبدیل خواهد شد.

تغییرات اقلیمی

کمتر از یک درصد منابع آبی تجدیدپذیر^{۱۰} در اختیار ساکنین خاورمیانه قرار دارد، لیکن آن‌ها در صدر جدول مصرف‌کنندگان آب بوده و حدود ۷ درصد از برداشت سالیانه آب جهان را به نام خود ثبت کرده‌اند.^{۱۱} خاورمیانه (و شمال آفریقا) در نیم قرن اخیر دارای بیشترین نرخ رشد جمعیت در بین دیگر مناطق دنیا بوده است و این رشد جمعیت (هرچند با نرخ کمتر) حداقل تا سال ۲۰۵۰ ادامه خواهد داشت.^{۱۲} جمعیت بیشتر، به معنی نیاز به آب و خوراک بیشتر است ولی متأسفانه پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تغییرات اقلیمی و گرمایش زمین منجر به بارش‌های کمتر، نابودی کشاورزی، کمبود آب و کاهش منابع غذایی در این منطقه خواهد شد و نتیجه‌ای جز ناامنی، جنگ، و مهاجرت در پی نخواهد داشت.

کارشناسان بر این باورند که تداوم افزایش دمای زمین، تا پایان قرن، احتمالاً باعث کاهش ۳۰ درصدی آب رود فرات شده و آب رود اردن را تا ۸۰ درصد کاهش دهد. کاهش جریان آب رودهای بزرگ می‌تواند منجر به از

بین رفتن باروریِ خاک در هلال حاصلخیز شود.^{۱۳} طبق پیش‌بینی‌های "مؤسسه بین‌المللی تحقیقات سیاست غذایی" انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ در منطقه خاورمیانه (و شمال آفریقا) تولید محصول برنج ۳۰ درصد، ذرت ۴۷ درصد، و گندم ۲۰ درصد تنزل یابد.^{۱۴}

ین در حالست که شاخص عملکرد زیست محیطی^{۱۵} کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۸ بطور متوسط حدود میانگین جهانی بوده است.^{۱۶} در این بین تنها اسرائیل (رتبه ۱۹)، قبرس (رتبه ۲۴) و قطر (رتبه ۳۲) که مساحت بسیار کمی از خاورمیانه را در بر می‌گیرند، وضعیت نسبتاً بهتری دارند. وجود منابع بزرگ نفت و گاز در اکثر مناطق خاورمیانه و به تبع آن وجود پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌های حرارتی، اعمال سوبسید بر سوخت‌های فسیلی بجای سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و غیره اثر نامطلوب بر عملکرد زیست محیطی مناطق مذکور داشته است.

از آنجا که تغییرات اقلیمی با فعالیت‌های انسانی همچون توسعه شهرنشینی، افزایش جمعیت، بهره‌برداری بیش از اندازه از منابع آبی و خاکی، صنایع آلاینده، ساخت گسترده سدها، سیستم‌های آبیاری ناپایدار، استفاده از سوخت‌های فسیلی، تولید فزاینده گازهای گلخانه‌ای، تخریب جنگل‌ها، نابودی مراتع، بیابان‌زایی و غیره تشدید می‌شود، مقابله با آن نیازمند جنبش‌های چابک، رادیکال و دور از کاغذ بازیست که لزوماً باید در بدنه سیستم جدید خاورمیانه نهادینه شود.

فساد و بی‌عدالتی اقتصادی

بر اساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۶ سازمان ملل^{۱۷} شاخص توسعه انسانی دوازده کشور از هفده کشور خاورمیانه، در سطح بالا یا بسیار بالا بوده و تنها پنج کشور شاخص متوسط به پایین دارند. یعنی در مجموع، متوسط شاخص توسعه انسانی خاورمیانه، در محدوده بالا قرار می‌گیرد. لیکن چون شاخص مذکور متأثر از سرانه تولید ناخالص داخلی است، برخی از پارامترهای مهم توسعه، از جمله توزیع عادلانه ثروت را نادیده می‌گیرد. چنانچه در گزارشی که بنیاد هریتج در سال ۲۰۱۸ ارائه داده است، به این نکته اشاره شده که؛ به رغم دارا بودن منابع معدنی فراوان، مشخصات دموگرافیک اکثر کشورهای خاورمیانه (و شمال آفریقا) باعث تمرکز ثروت و فقر گسترده می‌شود.^{۱۸}

مراجعه به پایگاه داده‌های سازمان ملل یا بانک جهانی، جهت بررسی شاخص جینی^{۱۹} برای درک عدم توزیع عادلانه ثروت در خاورمیانه، نیز چندان مفید فایده نخواهد بود. چرا که مثلاً در جدول داده‌های سال ۲۰۱۶، فقط می‌توان شاخص کشور ترکیه را یافت که آن هم چندان قابل اعتماد نیست.

طبق داده‌های حاصل از برآورد مؤسسه آمار ترکیه، در سال ۲۰۱۳، حدود ۱۵ میلیون نفر زیر خط فقر بسر برده‌اند، در حالیکه پژوهشگری بنام اوزجان چاغلار از طریق محاسبه افراد تحت پوشش برنامه کمک‌های اجتماعی دولت، این عدد را حدود ۲۳ میلیون برآورد می‌کند.^{۲۰}

عدم توازن اقتصادی مرتبط با شرایط دموگرافیک، ناشی از سیاست دولت‌ها، نیز در اینگونه شاخص‌ها منعکس نمی‌شود.

بعنوان نمونه، طبق برآورد سازمان ملل، در عربستان سعودی ۷۰ هزار نفر از افراد قبایل عشایری فاقد ملیت وجود دارند که وضعیت نامشخص قانونی آن‌ها، عملاً دریافت مزایای دولتی را ناممکن می‌سازد.^{۲۱} همچنین برآورد می‌شود که استان‌های شیعه (اقلیت) نشین شرقی، نسبت به سایر مناطق دارای بالاترین نرخ فقر هستند.^{۲۲}

در سوریه نیز وضعیت به همین منوال بوده است. چنانچه طبق برآورد مرکز مطالعات استراتژیک، سال ۲۰۱۰، مناطق کردنشین و سنی نشین شمال شرقی، شدیدترین نرخ فقر را تجربه کرده‌اند.^{۲۳}

اما یافته‌های مرکز آمار ایران در خصوص فقر چند بُعدی بسیار دقیق‌تر و البته تأمل برانگیزتر است.^{۲۴} طبق آمار بدست آمده، استان‌های سنی نشین سیستان و بلوچستان و کردستان درگیر بدترین سطح فقر چندبُعدی هستند در صورتیکه استان قم بعنوان مرکز عقیدتی حکومت (شیعه)، در صدر بهترین‌ها قرار دارد. در حالیکه آمار میانگین خانوارهای شهری درگیر فقر چند بُعدی در سطح کشور ۱۷ درصد است، ارقام مذکور در سطح استان سیستان و بلوچستان به ۴۵ درصد، و در کردستان به ۴۳ درصد می‌رسد. همچنین در بخش روستایی که بطور میانگین ۴۰ درصد خانوارها به فقر چند بُعدی دچار هستند، در سیستان و بلوچستان ۸۲ درصد، و در کردستان ۶۱

درصد خانوارهای روستایی درگیر فقر چند بعدی‌اند. این ارقام در قم به ۱۹ درصد کاهش می‌یابد.^{۲۵}

عربستان نظام اقتصادی کاملاً باز دارد. سوریه، اقتصاد دولتی و ایران، اقتصاد اسلامی. این واقعیت در عموم کشورهای خاورمیانه مشترک است که فارغ از نوع نظام اقتصادی، دولت هم نیروی سیاسی و هم نیروی اقتصادی است و این باعث ایجاد دیوانسالاری مستعد فساد می‌شود.

در سال ۲۰۱۷، متوسط شاخص احساس فساد کشورهای خاورمیانه حدود ۴۰ بوده است.^{۲۶} در این بین، فقط چهار کشور از هفده کشور خاورمیانه شاخص بالای ۵۰ داشته و تنها امارات متحده عربی حداکثر به شاخص ۷۱ رسیده است.

بدلیل همین فساد ناشی از سایه سیاسی و امنیتی دولت بر اقتصاد، خاورمیانه به نسبت منابع و پتانسیل‌ها در مقایسه با سایر مناطق در حال رشد، روند توسعه کُندتری دارد. مطابق گزارش بنیاد هریتج، شاخص آزادی اقتصادی کشورهای خاورمیانه، بطور متوسط بالاتر از میانگین جهانیست،^{۲۷} با این حال تنها قبرس اقتصاد توسعه یافته داشته و اقتصاد شانزده کشور دیگر خاورمیانه هنوز در حال توسعه است.^{۲۸}

حقوق انسانی و دموکراسی

گزارش سالانه سازمان عفو بین‌الملل^{۲۹} حقایق ناخوشایندی از وضعیت نامطلوب حقوق بشر در خاورمیانه را آشکار می‌سازد. در این گزارش به سرکوب‌های متعدد روزنامه نگاران و مدافعان حقوق بشر توسط نیروهای دولتی، کنترل ابراز عقیده در فضای مجازی توسط دولت، تهدید آزادی عقیده و مذهب از طریق حمله گروه‌های دولتی و شبه نظامی، تبعیض جنسیتی سازمان یافته، عدم حمایت از زنان در برابر خشونت‌های جنسیتی، اعمال محدودیت‌های شدید دولتی در خصوص فعالیت اتحادیه‌های کارگری، بدرفتاری و استعمار کارگران مهاجر، جنایات جنگی همچون استفاده از سلاح‌های ممنوعه، محاصره غیرقانونی و حمله مستقیم به غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی، صدور و اجرای احکام اعدام در تعدادی از کشورهای منطقه، سرکوب فعالیت‌های جامعه مدنی در فضای مجازی و غیرمجازی توسط دولت‌ها به بهانه مقابله با تهدید علیه امنیت ملی یا فساد، توسل بیش از حد به نیروی قهریه برای سرکوب حرکت‌های اعتراضی خیابانی و... اشاره شده است.

در گزارش سال ۲۰۱۷ مجمع جهانی اقتصاد^{۳۰} شاخص شکاف جنسیتی پانزده کشور خاورمیانه به طرز وحشتناکی پایین‌تر از میانگین جهانیست. در این بین شاخص قبرس دو رتبه بالاتر از متوسط جهانی بوده و اسرائیل نیز در رتبه‌ای بالاتر ولی نه چندان رضایتبخش قرار دارد.

گزارش واحد اطلاعات اقتصادی اکونومیست^{۳۱} نیز نشان می‌دهد که شاخص دمکراسی هفده کشور خاورمیانه بطور متوسط، ۳.۷۷ یعنی ۳۱ درصد پایین‌تر از میانگین جهانیست. عبارتی، فقط شاخص کشورهای اسرائیل و قبرس بالاتر از میانگین جهانی قرار دارد. در بخش دیگری از گزارش مذکور که به آزادی رسانه‌ها می‌پردازد، رسانه‌های کشورهای خاورمیانه عموماً "غیر آزاد" برآورد شده‌اند، به نحویکه این گزارش تنها رسانه‌های اسرائیل و قبرس را بترتیب "آزاد" و "تا حدی آزاد" برآورد می‌کند.

به همین ترتیب در رتبه‌بندی سال ۲۰۱۸ سازمان گزارشگران بدون مرز، پیرامون آزادی مطبوعات،^{۳۲} وضعیت مطبوعات عموم کشورهای خاورمیانه "بغرنج" یا "بسیار بغرنج" طبقه‌بندی شده است و تنها قبرس در "وضعیت رضایتبخش" قرار دارد.

از آنجا که مکانیسم فعلی خاورمیانه بصورت پیش فرض، ظلم و بی‌عدالتی را به شهروندان عادی تحمیل می‌کند، بدیهی است که اقلیت‌ها و شهروندان درجه دو را تحت ستم مضاعف قرار دهد. "گروه بین‌المللی حقوق اقلیت‌ها" در گزارش سال ۲۰۱۸ تحت عنوان "اقوام در معرض خطر"^{۳۳} به بررسی وضعیت اقلیت‌های قومی یا عقیدتی تحت تهدید در کشورهای مختلف پرداخته است. طبق این گزارش، در میان هفتاد کشور، هشت کشور از خاورمیانه قرار دارند که در رتبه یک تا بیست و هفت برآورد شده‌اند.^{۳۴} بنا بر گزارش مذکور، در این هشت کشور اقلیت‌های قومی / عقیدتی گرد، بلوچ،

۲۲ . روژاوا سرزمینِ زرد، سرخ، سبز

عرب، آذری، ترکمن، بادیه نشین، نویی، کولی، مسیحی، شیعه، سنی، بهایی،
علوی، ایزدی، قبطی، فلسطینی، فیلی، شَبَّک، مندائی، دروزی و مارونی در
معرض خطر قرار دارند.

یک راهکار متفاوت

امروز جامعه خاورمیانه یکی از دگردیسی‌های بزرگ تاریخ را تجربه می‌کند. این موجود رنگارنگِ پویا در دگردیسی‌های قبلی، کالبد امپراتوری، خلافت، و ملوک الطوایفی را پوست انداخته است و اکنون در حال جدا شدن از کالبد سیاه و سفید دولت-ملت است.

در طول تاریخ، سلطه جویی و خشونت، جامعه خاورمیانه را به دور باطلی کشانده که نتیجه‌ای جز فرسایش منابع مادی و معنوی آن نداشته است. اکنون زمان آن فرا رسیده که جامعه خاورمیانه با انتخاب قالبی مناسب، خود را از این دور باطل برهاند. خاورمیانه باید وارد کالبد نوینی شود که متضمن بقا و تعالی مادی و معنوی همه ساکنان آن باشد، ساختاری که پایایی اجتماعی، اکولوژیک، و اقتصادی را تضمین کند، سیستمی با المان‌های عملی آزادی بیان، آزادی اندیشه، برابری، عدالت، احترام به کرامت انسانی، بهره برداری پایا از منابع، توزیع عادلانه منابع و...

با این حال، دولت-ملت‌های انحصار طلب منطقه هنوز سعی در حفظ قالبی دارند که طی قرن بیستم ناکارآمدی خود را به اثبات رسانده است. بعنوان نمونه‌ای بارز از اینگونه تلاش‌ها می‌توان به تصویب قانون "دولت-ملت خلق یهود" در جولای ۲۰۱۸ توسط پارلمان اسرائیل اشاره کرد. این اقدام، به باور مؤلف، تلاش برای پیشروی در یک مسیر اشتباه است که به مرور زمان می‌تواند روند دمکراسی در اسرائیل را تحت تأثیر منفی قرار دهد.

مؤلف بعنوان یک کُرد به بزرگترین ملت بدون دولت تعلق دار و لذا بیم‌ها و آرزوهای خلقِ یهود را کاملاً درک می‌کند. همچنانکه کُردها را محق‌ترین مردم برای داشتن یک دولت-ملت می‌داند. لیکن حقِ انتخابِ یک اشتباه، دلیل بر ارتکابِ آن اشتباه نیست. وضعیتِ امروزِ خاورمیانه، ثابت می‌کند که الگوی دولت-ملت نمی‌تواند پاسخگوی دموگرافیِ پیچیدهٔ منطقه باشد.

به همین دلیل، عبدالله اوجالان^{۳۵} با نگاهِ سیستمی به مسئلهٔ کردها در خاورمیانه، الگوی نوینی از دموکراسیِ بدون دولت، تحت عنوان "کنفدرالیسم دموکراتیک" را ارائه می‌دهد و باور دارد که این الگو می‌تواند راه حل مشکلات بنیادین تمامی خلق‌های خاورمیانه باشد.

بنا به تعریفِ وی،^{۳۶} کنفدرالیسم دموکراتیک، یک پارادایم اجتماعی غیردولتی و در آن واحد، طرح کلیِ سازماندهیِ فرهنگیِ یک ملتِ دموکراتیک است، که توسط دولت کنترل نمی‌شود. سیستم مذکور، یک مدل خودمدیریتی در تقابل با حکومت دولت-ملت است، لیکن تا زمانیکه دولت-ملت در اصل خودمدیریتی مداخله نکند، امکان همزیستی صلح‌آمیز این دو بموازات هم امکان‌پذیر خواهد بود. کنفدرالیسم دموکراتیک یک سیستم انعطاف‌پذیر، چند فرهنگی، ضد انحصار طلبی، و اجماع محور است که با دیگر گروه‌ها و جناح‌های سیاسی تعامل دارد. در چهارچوب چنین سیستمی، با محوریتِ پاسداری از محیط زیست و برابریِ جنسیتی، یک اقتصاد جایگزین که بجای

بهره کشی از منابع، منابع جامعه را ارتقاء داده و پاسخگوی نیازهای مختلف جامعه باشد، تعریف می‌شود.

ملت دمکراتیک

بر خلاف نظام دولت-ملت، که مبتنی بر همسان سازی جامعه تحت یک وطن، پرچم، زبان، ایدئولوژی یا... بوده و تنوعات اجتماعی را پس می‌زند، کنفدرالیسم دمکراتیک، هویتی بنام ملت دمکراتیک تعریف می‌کند که به تفاوت‌ها احترام گذاشته، و جنسیت‌ها، زبان‌ها، اقوام، ادیان، و فرهنگ‌های گوناگون را می‌پذیرد. لذا از تشکلهای، گروه‌ها و افراد بسیار، با منافع متفاوت، تشکیل شده است.

ملت دمکراتیک، جامعه را به پاک و نجس، اقلیت و اکثریت، خودی و غیر خودی، فرادست و فرودست... تقسیم نمی‌کند. در این ساختار، حذف و انکار جایی ندارد و حتی خردترین هویت نیز می‌تواند بر مبنای اراده ذاتی خود مشارکت داشته باشد. نظام کنفدرال دمکراتیک مکانیسمی را مهیا می‌سازد تا بواسطه آن هر هویتی از گروه‌های زبانی، قومی، دینی... گرفته تا جوامع مدنی و سازماندهی‌های گوناگون اقتصادی، بتواند در راستای خواسته‌های خویش گام بردارد.

تصمیم‌گیری‌های ملت دمکراتیک در سطح واحدهای بومی انجام می‌پذیرد. لذا نسبت به فرایند تصمیم‌گیری و عملی شدن تصمیم دولت، که بواسطه

محافظه کاری، بروکراسی، مقررات دست و پا گیر و غیره، همواره با تأخیر چندین ساله روبروست، بسیار سریعتر به نتیجه می‌رسد.

چون نظام‌های قدرت طلب، از جمله دمکراسی موجود (دولتی)، با گذشت زمان منجر به سلطه قشر فرادست (در رأس دولت) می‌شوند، نظام کنفدرال دمکراتیک، غیردولتی و غیر قدرت طلب طراحی شده است تا همواره بعنوان مکانیسم اجرایی مدیریت ذاتی اجزای ملت دمکراتیک عمل کند.

از آنجا که برابری جنسیتی، یکی از دو رکن اساسی کنفدرالیسم دمکراتیک است، ملت دمکراتیک، نه در حد شعار، بلکه عملاً به تنوع جنسیتی احترام می‌گذارد. در چنین سیستمی، زن پا به پای مرد نهادهای ویژه خود را سازماندهی نموده و در کلیه امور و در همه سطوح مشارکت می‌کند. این موضوع بدون در نظر گرفتن سایر پارامترها و تنها با لحاظ نمودن اصل هم افزایی، پتانسیل ملت دمکراتیک را به بیش از دو برابر افزایش می‌دهد.

همچنین بواسطه ارتباط معنادار بین برابری جنسیتی و توسعه پایدار در بخش‌های مختلف صنعت^{۳۷} ملت دمکراتیک آمادگی بیشتری برای حل مشکلات موجود در زمینه‌های انرژی، بهداشت، آموزش، امنیت غذایی، تغییرات اقلیمی، حقوق بشر، روش‌های تولید، الگوهای مصرف و شهر نشینی خواهد داشت.

وطن مشترک دمکراتیک

اگر خاورمیانه را به یک بوم نقاشی رنگارنگ تشبیه کنیم، مرزهای سیاسی موجود، که بر اساس نظام دولت-ملت ترسیم شده‌اند، را می‌توان به سان تکه شیشه‌های دودیِ نا منظمی دانست که بر سطح بوم نشست‌اند و رنگارنگی بوم زیر خود را تحت الشعاع قرار می‌دهند. این مرزهای مصنوعی، به حاکمیت موجود حق می‌دهند که خواسته‌های خود را به ساکنین درون مرز تحمیل نموده و از تعامل آن‌ها با خلق‌های مجاور نیز جلوگیری کند.

کنفدرالیسم دمکراتیک، نظامی فراتر از مرزها و محدودیت‌های جغرافیای سیاسی است. این سیستم بدون نیاز به تغییر مرزهای موجود، امکان تعامل خلق‌های همجوار و ایجاد تشکیلات اجتماعی غیر دولتی گسترده‌تر را فراهم می‌کند. اجتماعات مذکور، ضمن حفظ هویت و موجودیت خود، در یک اتحادیه نامتمرکز غیر ناسیونالیست و غیر قدرت طلب تحت عنوان کنفدراسیون دمکراتیک گرد می‌آیند.

ملت دمکراتیک، با دید وطن مشترک دمکراتیک به جغرافیا می‌نگرد. در این دیدگاه دیگر ترکیه، کشوری مختص ملت تُرک، یا ایران کشوری متعلق به ملت فارس نیست. همچنانکه عراق را نمی‌توان کشوری عرب نامید. چون در آن جغرافیا هویت‌های گوناگونی سکونت دارند.

همانگونه که کلیت فرهنگی اروپایی منجر به شکل‌گیری یک ساختار دمکراتیک لیبرال به نام اتحادیه اروپا شد، خاورمیانه نیز بعنوان یک کلیت فرهنگی، می‌تواند ساختار کنفدراسیون دمکراتیک را ایجاد کند.^{۳۸}

صنعت و اقتصاد

اکولوژی، یکی دیگر از ارکان بنیادی نظام کنفدرالیسم دمکراتیک به شمار می‌رود. در این سیستم، هر گونه فعالیت، از جمله فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی بر مبنای احترام به طبیعت صورت می‌گیرد. لذا صنعت در کنفدراسیون دمکراتیک، لزوماً باید اکولوژیک باشد.

صنعت اکولوژیک بر خلاف صنایع خطی سنتی که طبق مدل (استخراج منابع - تولید - توزیع - مصرف - ضایعات) منجر به کاهش و اتمام منابع و افزایش آلودگی می‌شوند، با توجه به چرخه مواد در طبیعت و توسعه هماهنگ بین اقتصاد و محیط زیست، با برقراری یک مدل اقتصادی چرخه‌ای (تولید - توزیع - مصرف - بازیافت - تولید)، هم مشکلات زیست محیطی را حل می‌کند و هم با استفاده کارآمد از منابع و دفع صحیح مواد زائد حاصل از فرایند تولید تا مصرف، مشکلات مربوط به کمبود منابع را بر طرف می‌سازد.

در حوزه اقتصاد هم، ملت دمکراتیک از شیوه خودمدیریتی غیر دولتی بهره می‌برد. به نظر اوجالان^{۳۹} خودمختاری اقتصادی کمترین شرط توافق ملت

دمکراتیک با دولت-ملت خواهد بود. مدل اقتصادی ملت دمکراتیک، نه سرمایه داری خصوصی بوده و نه دولتی، بلکه مدلی مبتنی بر صنعت اکولوژیک و اقتصاد جمعی (گُمونال) است. در این مدل، صنعت، توسعه، تکنولوژی، و مالکیت تا جایی قابل قبول است که به محیط زیست و جامعه دمکراتیک آسیب نزند و منجر به انباشت سود و سرمایه نشود. همچنین بازار، داد و ستد، تنوع تولید، رقابت و بهره وری رد نمی شود، لیکن سلطه سود و انباشت سرمایه پذیرفتنی نیست. چنین سیستمی به پدیده‌هایی همچون اشتغال کاذب، احتکار، انحصار، رانت، اختلاس، بیکاری، بیگاری، تنفروشی و مافیاجری پایان می دهد.

در خاورمیانه امروز، بواسطه فساد و بی عدالتی، شرکت‌های عظیم دولتی یا خصوصی می توانند صنایع آلوده کننده، طرح‌های غیر اصولی یا پروژه‌های مخرب محیط زیست را کمابیش بی دردسر و بدون نگرانی در هر کجا، بخصوص مناطق حاشیه و غیر خودی، اجرا کنند. افراد محلی نیز عموماً از عواقب زیانبار چنین پروژه‌هایی بی اطلاعند و حتی اگر اطلاع داشته باشند، جرأت اعتراض و قدرت اقدام بر علیه آن را ندارند. اگر اقتصاد (و صنعت) در دست واحدهای بومی خودمختار باشد، اجرای پروژه‌های اکولوژیک تضمین خواهد شد. چراکه واحدهای بومی قبل از اجرای طرح، عواقب کار را می‌سنجند تا خطری متوجه زاد و بوم و خانواده آن‌ها نباشد.

۳۰ . روژاوا سرزمینِ زرد، سرخ، سبز

از ایده تا عمل

به نظر اوجالان^{۴۰} غلبه بر سیستم دولت، و بخصوص دولت-ملت، فرایندی تدریجی و بلند مدت است. آنچه وی تعریف می‌کند، یک پروژه اجتماعی بزرگ در سطح خاورمیانه بوده، که اجرای آن از ایده تا عمل، مستلزم صرف زمان و انرژی زیاد است و همچون هر پروژه دیگری در عمل با موانعی از قبیل محدودیت منابع، ریسک‌های پیش‌بینی نشده، مقاومت در برابر تغییر و غیره روبرو خواهد شد.

در پروژه‌های بزرگ، مجریان و مدیران پروژه، طرحی مقدماتی از پروژه اصلی در مقیاس کوچک، تحت عنوان طرح پایلوت را تعریف می‌کنند. طرح پایلوت پیش از پروژه اصلی اجرا می‌شود و مجری را قادر می‌سازد که با حداقل هزینه و ریسک، امکان سنجی پروژه را مورد ارزیابی قرار داده، فرآیند اجرای طرح را با دقت بررسی نموده، با موانع احتمالی پیشرفت پروژه آشنا شده و نهایتاً بتواند نحوه اجرای پروژه اصلی در ابعاد وسیع را بهبود بخشد. در طرح پایلوت می‌توان به نتایج ملموس رسید و بر مزایای پروژه، که قبلاً بصورت تئوری تعریف شده بود، صحنه گذارد. در نتیجه، زمینه پذیرش پروژه مهیا شده و این امر به کاهش مقاومت در برابر تغییر میانجامد.

گُردها بر خلاف اعراب، تُرک‌ها و فارس‌ها، بزرگترین ملت بدون دولت هستند که وسعت و سابقه مبارزه سیاسی آنها بشکل احزاب خارج از چهارچوب دولت تقریباً در دنیا بی‌نظیر است. از طرفی کردستان به لحاظ

تنوع فرهنگی، اتنیکی و عقیدتی همچون خاورمیانه‌ای کوچک است. لذا بنظر می‌رسد که مناطق کردنشین، عموماً، می‌تواند بستر مناسبی برای اجرای طرح پایلوت پروژه کنفدرالیسم دمکراتیک باشد.^{۴۱}

کنفدراسیون جوامع کردستان (ک.ج.ک) که در تداوم جنبش‌های بخش کردستان، توسط اوجالان برای پیاده‌سازی پروژه کنفدرالیسم دمکراتیک سازماندهی شد، بعنوان مجری پروژه از سال ۲۰۰۷ اجرای طرح پایلوت را در محلات شهری استان‌های گردنشین جولمرگ (حکاری)، شرناخ (شرناک)، سرت، مردین (ماردین)، نامد (دیاربکر)، باتمان و وان آغاز نمود. مجالس و شوراهای مدیریت مردمی شکل گرفت و در برابر نهادهای دولتی قد علم کرد. طرح مذکور بخصوص در جولمرگ و شرناخ نتایج بسیار مثبتی در پی داشت. کنفدرالیسم دمکراتیک به آرامی در میان کردهای بیشتری پذیرفته می‌شد. حتی در برخی از شوراها اقلیت‌های آذری و سریانی نیز مشارکت داشتند.

دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه (آ.ک.پ) از سال ۲۰۰۹، با بهانه غیرقانونی و تروریستی بودن ک.ج.ک، سیاست‌های سرکوبگرانه خود در قبال شوراها و مجامع دمکراتیک را تشدید کرد و طی دو سال و نیم حدود سه هزار و پانصد فعال مرتبط با این پروژه را بازداشت و روانه زندان نمود. با این وجود، طرح کاملاً متوقف نشد و در مناطقی که جنبش‌های بخش کردستان نفوذ بیشتری داشت به راه خود ادامه داد. چنانکه در سال

۲۰۱۰ چندین روستای استان جولمرگ تصمیم گرفتند که نوعی اقتصاد مشارکتی (تعاونی) را ایجاد کنند و ساخت یک روستای جدید بر اساس ایده روستای صلح^{۴۲} در نزدیکی ویرانشهر استان مذکور آغاز شد. بر همین منوال در سال ۲۰۱۱ گروهی از فعالین استان وان، ساخت روستای اکولوژیکی زنان را برنامه‌ریزی کردند که در نوع خود بی‌نظیر بود.^{۴۳}

دولت وقت ترکیه بجای گفتمان و کمک به حل مسائل، گزینه حذف صورت مسأله را برگزید و به جنگ داخلی دامن زد. دولت-ملت از تقسیم قدرت با نهادهای مردمی غیر دولتی، واهمه دارد و برای دفاع از کیان خود، براحتی ملت را فدا می‌کند. دولت-ملت، از طریق دستگاه تبلیغاتی خود، ملت دموکراتیک را (بر خلاف واقع) هرج و مرج طلب، مرتجع، تروریست، تجزیه طلب و... معرفی می‌کند تا با ایجاد ترس در ملت دولتی، آن‌ها را رو در روی ملت دموکراتیک قرار دهد. به همین دلیل کنفدرالیسم دموکراتیک هنوز در ترکیه، میان جوامع تُرک مورد بحث و تردید است. وقتی اعراب عراق هنوز حتی از دموکراسی در حد فدرالیسم نیز واهمه دارند، می‌توان پیش‌بینی نمود که اوضاع در خصوص جوامع فارس ایران نیز بهتر از این نباشد.

ز سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳، که دولت ترکیه کماکان درحال اعمال تروریسم دولتی، تشدید اختناق و سرکوب فعالین مدنی و اجتماعی بود و می‌رفت تا عنوان بزرگترین زندان خبرنگاران^{۴۴} را بخود اختصاص دهد، و دیگر شرایط مطلوب برای ادامه طرح پایلوت مهیا نبود، خلاء قدرت در مناطق کردنشین

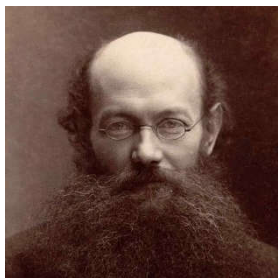
۳۴ . روژاوا سرزمینِ زرد، سرخ، سبز

شمال سوریه، معروف به روژاوا، بستر مناسب برای پیاده سازی طرح مذکور
را فراهم ساخت.

طرح روزاوا

"دولت تنها یکی از اشکال مفروض جامعه در طول تاریخ است. پس چرا
بین آنچه دائمی و اتفاقی است تمایز قائل نمی‌شویم؟"

پیتر کروپوتکین، ۱۸۹۷، دولت: نقش تاریخی آن



ماهیت و ساختار

درحالی‌که خاورمیانه مرکز خشکی‌های زمین است، بین‌النهرین را می‌توان قلب خاورمیانه نامید. از هزاران سال پیش که اقوام ساکن صحاری خشک شبه جزیره عربستان، در جستجوی آب و مراتع، بسوی سرزمین‌های حاصلخیز شمالی مهاجرت کرده و با اقوام بومی آنجا روبرو شدند، بین‌النهرین محل برخورد تمدن‌ها بوده است. به نحویکه در طول تاریخ، مدام بین امپراتوری‌های بزرگ دست بدست شده و مورد تاخت و تاز لشکریان مهاجم قرار گرفته است.

سرزمین مادری کُردها یا همان کردستان (بزرگ) نیز که در نواحی شمالی بین‌النهرین واقع شده است، تاریخی بر این منوال دارد. این سرزمین، از شرق تا آنسوی رشته کوه‌های زاگرس، و از شمال تا سلسله جبال توروس ادامه می‌یابد. ارتفاعات مذکور، سرچشمه رودهای دجله و فرات و منشأ تولد بین‌النهرین است.^{۴۵}

کردستان حدود ۵٪ از خاک خاورمیانه را تشکیل می‌دهد. با این حال، تقریباً ۳۴٪ از انقلاب‌ها و ۱۲٪ از نبردهای تاریخ خاورمیانه در این منطقه رخ داده است. از آنجا که پیش‌بینی می‌شود عمده جنگ‌های آینده، بر سر تصاحب منابع آبی باشد، بدون تغییر در ساختار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاورمیانه، کردستان باز هم شرایط بدتری را تجربه خواهد کرد.

بر اساس تاریخ مکتوب، جغرافیای کردستان امروز، از چند هزار سال پیش، جز در مقاطعی کوتاه، همواره جبههٔ میان دو یا چند امپراتوری بود، تا نهایتاً در قرن هفدهم میلادی، امپراتوری‌های صفوی و عثمانی، در این خطه با هم رویارو شدند. با شکست صفویان و عقد عهدنامهٔ زهاب، مرز میان دو امپراتوری، در موقعیتی تثبیت شد که کردستان را بین ایران و عثمانی تقسیم می‌کرد. کمتر از دو قرن بعد، یعنی اوایل سدهٔ نوزدهم، پس از شکست پادشاهی قاجار ایران از روسیهٔ تزاری و عقد عهدنامهٔ ترکمانچای، بخشی از نواحی کردنشین به روسیه واگذار شد.^{۴۶} متعاقب شکست عثمانی‌ها در جنگ جهانی اول و فروپاشی آن امپراتوری در اوایل قرن بیستم، آن بخش از کردستان که در قلمرو عثمانی قرار داشت نیز، با مرزبندی جدید کشورهای تازه تأسیس عراق، سوریه و ترکیه، توسط قدرت‌های پیروز جنگ جهانی اول، سه پاره شد.^{۴۷}

تقسیم کردستان در ابتدای قرن بیستم، مقارن بود با بروز ملی‌گرایی عربی، ترکی و فارسی. به همین دلیل گردها در هرکدام از این کشورها تبدیل به اقلیتی شدند که مورد سیاست‌های تبعیض نژادی و آسیمیلیسیون قرار می‌گرفت و از آن زمان جنبش‌های گُرد، همواره برای کسب حقوق برابر و یا تأسیس یک دولت گُرد در تلاش بوده‌اند. چنانکه در صد سال اخیر بیش از سی قیام بزرگ در مناطق مختلف کردنشین رخ داده است.^{۴۸}

از آنجا که، کردستان (بزرگ) توسط مرزهای سیاسی کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه، به چهار بخش تقسیم شده است، (پیوست شماره ۱) بخش باختری آن را که درون مرز سوریه قرار دارد، غرب کردستان یا *روژاوا*^{۴۹} مینامند. به همین ترتیب، بخش خاوری که در مرزهای ایران واقع شده، شرق کردستان یا *روژهلات*،^{۵۰} بخش شمالی که تحت سلطه ترکیه است، شمال کردستان یا *باکور*،^{۵۱} و بخش دیگر، جنوب کردستان یا *باشور*^{۵۲} نامیده می‌شود.

جغرافیا و جمعیت‌شناسی

اگر تقسیمات اداری جمهوری عربی سوریه را در نظر بگیریم، روزاوا، در ادبیات سیاسیِ گُردها، سرزمینی شامل بیش از بیست شهر و دو هزار روستای عمدتاً گُردنشینِ استان‌های حَسَکَه، رَقَه و حَلَب، به مساحتی معادل ۱۸۳۰۰ کیلومتر مربع در شمال سوریه، بوده است.

بر خلاف باکور، باشور، یا روزهلات که غالباً سرزمین‌هایی مرتفع و کوهستانی با ارتفاع بیش از ۱۵۰۰ متر از سطح دریا هستند، قسمت عمده روزاوا در ارتفاعات ۳۰۰ تا ۶۰۰ متر از سطح دریا واقع شده است. بلندترین عارضه طبیعی این بخش از کردستان، با ارتفاع ۱۲۶۹ متر، کوه کورد^{۵۳} (یا کورمانج) نام دارد که در متنها الیه غربی روزاوا قرار گرفته است. کوه کُروان^{۵۴} به ارتفاع ۹۲۰ متر نیز مرتفع‌ترین بلندیِ شرق روزاواست.

رودخانه‌های دجله، خابور، بلیخ، فرات، ساجور، آفرین، و شاخه‌های فرعی آنها، که عموماً از کوه‌های باکور سرچشمه می‌گیرند، هزاران سال، روزاوا را سیراب کرده و باعث رونق کشت و کار آن شده‌اند. ولی سوء مدیریت منابع آبی، سیاست‌های دولت ترکیه در خصوص کنترل آب،^{۵۵} جنگ و کاهش بارندگی ناشی از تغییرات اقلیمی، در دهه‌های اخیر، تأثیرات منفی بر صنعت کشاورزی منطقه گذاشته است.

به لحاظ دموگرافیکی، روزاوا مسکن اقوام گُرد، عرب، آشوری، کلدانی، آرامی، ترکمن، ارمنی، چرکس، چچن و مأمَن مذاهب شافعی، حنبلی،

ایزدی، علوی، زردشتی، ارتدکس، کاتولیک و... به شمار می‌رود. سیاست‌های امپراتوری عثمانی در قبال مسیحیان و کُردها، برخورد پادشاهی عراق با آشوری‌ها، حضور استعمار فرانسه و سپس قدرت گرفتن اعراب شوونیست، و نهایتاً جنگ اخیر، ترکیب جمعیتی منطقه را مدام دستخوش تغییر کرده است.

بنا به برآورد مقامات محلی در سال ۲۰۱۴، جمعیت روژاوا حدود ۴.۶ میلیون نفر بوده است،^{۵۶} که حدود ۶۰ تا ۶۵٪ آن را کُردها تشکیل می‌دهند.^{۵۷}

روژاوا بخصوص پس از استقلال سوریه و بروز ناسیونالیسم عربی، مورد سیاست‌های سیستماتیک تند نژاد پرستانه قرار گرفت. چنانچه اسامی جغرافیایی تاریخی به واژگان عربی تغییر نام یافت، کُردها اخراج یا سلب تابعیت شدند، عرب‌ها را در مناطق کُردنشین اسکان دادند، مزارع کُردها به نام اعراب مصادره شد و...^{۵۸}

حقوق کُردها بعنوان بزرگترین اقلیت غیر عرب سوریه، هیچگاه از سوی رژیم بعث،^{۵۹} به رسمیت شناخته نشده است و کُردها همواره مورد سیاست‌های تبعیض، تعریب، فقر زایی و کوچ اجباری قرار گرفته‌اند.^{۶۰} حتی در زمان نگارش این کتاب، که دولت ترکیه، اقدام به اشغال بخش غربی روژاوا، کشتار کُردها و متعاقب آن، اسکان ترکمنها و اعراب تندرو در مناطق اشغال شده می‌کند تا دموگرافی منطقه را به ضرر کُردها تغییر دهد،

با هیچگونه اعتراض یا مقاومتی از سوی دولت سوریه مواجه نبوده و اقدامات مذکور در هماهنگی با رژیم بعث صورت می‌گیرد.^{۶۱}

تاریخچه مبارزه تشکیلاتی

مبارزه برای آزادی و دفاع از هویت، همواره در روزاوا جریان داشته است. این جریان، با شدت و ضعف، گاهی متأثر از مناطق همجوار بوده و گاهی نیز تأثیرگذار. شاید تأثیر گذارترین اتفاق، در این خصوص، که نه تنها روزاوا، بلکه تمام کردستان را عمیقاً تحت تأثیر قرار داد، تأسیس اتحادیه ملی گرد؛ خویبون^{۶۲} توسط جمعی از روشنفکران تبعیدی گرد، در لبنان تحت قیمومت فرانسه، به سال ۱۹۲۷، و گشایش دفتر اصلی آن در حلب بود.

خویبون بعنوان اولین حرکت مدرن کردها در جهت ایجاد یک دولت-ملت، مبارزه مسلحانه را مد نظر قرار داد و قیام تاریخی ناگری^{۶۳} را سازماندهی کرد، لیکن به مرور زمان متوجه نقاط ضعف ناشی از عوامل فرهنگی شد و میدان مبارزه را به عرصه قلم کشید. خویبون در این عرصه پیروزی‌های زیادی کسب نمود و به یکی از موفق‌ترین جنبش‌های نوین گرد مبدل شد. در سال ۱۹۲۸ استعمار فرانسه از تداوم فعالیت قانونی خویبون در سوریه ممانعت بعمل آورد. لیکن جمعیت به فعالیت در مناطق دیگر ادامه داد^{۶۴} و تأثیرات فکری و فرهنگی زیادی در جامعه روزاوا بر جای گزارد.^{۶۵}

در سال ۱۹۵۷، یکی از اعضای سابق جمعیت خویبون،^{۶۶} و چند تن دیگر، با تأثیر از حزب دمکرات کردستان عراق (پ.د.ک)، حزب دمکرات کردستان سوریه،^{۶۷} موسوم به آلپارتی، را بنیاد نهادند. در حدود سال ۱۹۶۵ حزب مذکور به دو جناح راست و چپ تقسیم شد و به مرور زمان احزاب مختلفی از دو جناح آن منشعب شدند. اگرچه ریشه حدود ده حزب از احزاب کنونیِ روزاوا به آلپارتی می رسد و این حزب تا به امروز موجودیت خود را حفظ کرده است، لیکن انشعابات متعدد، از قدرت و کارایی آن بشدت کاست. (پیوست ۲)

ورود حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) به سوریه، در دهه ۱۹۸۰، و ایجاد پایگاه سیاسی در روزاوا، جریان تازه‌ای در بستر سیاسی این خطه بود که باعث شد افکار اوجالان بر روی کردهای سوریه تأثیر بگذارد. چنانچه از سال ۱۹۸۴ به بعد هزاران تن از زنان و مردانِ روزاوا به صفوف مبارزان پ.ک.ک پیوستند تا دوش به دوش هم‌زمان خود در بخش‌های دیگر کردستان مبارزه کنند.^{۶۸}

متعاقب توافق آنکارا و دمشق، در سال ۱۹۹۸، فعالیت پ.ک.ک در سوریه ممنوع و اوجالان مجبور به ترک سوریه شد. فشار بر کسانی که با حزب در ارتباط بودند نیز افزایش یافت و دولت سوریه بسیاری از مبارزین را تحویل ترکیه داد. لیکن بیست سال حضور مثبتِ حزب، اثرات ماندگار خود را در این سرزمین بر جای نهاد. چنانچه پنج سال بعد، حزب اتحاد دمکراتیک

(پ.ی.د) که متأثر از ایدئولوژی اوجالان بود، تأسیس شد و مشابه سایر تشکیلات کُردی بصورت مخفیانه (غیر قانونی) فعالیت خود را آغاز کرد. بسیاری از خانواده‌های روزاوا در پ.ک.ک فعالیت داشتند و جوانانشان در این راه شهید شده بود. لذا پیوند عمیقی بین مردم و پ.ی.د ایجاد شد و پ.ی.د توانست به جایگاه مردمی قابل قبولی برسد.^{۶۹}

حوادث قامشلو، در سال ۲۰۰۴، ضرورت وجود واحدهای دفاع مردمی را آشکار ساخت و در همان سال پ.ی.د به سازماندهی (غیر رسمی) یگان‌های مدافع خلق (ی.پ.گ) پرداخت.

با آغاز فرایند انقلاب^{۷۰} در سال ۲۰۱۱، تأسیس یگان‌های مدافع خلق، رسماً اعلام شد^{۷۱} و پ.ی.د با داشتن یک برنامه سیاسی جامعه محور، قدم به خیابان‌های روزاوا گذارد. در حالیکه برخی احزاب روزاوا سیاست "انفعال و انتظار" را در پیش گرفته، و برخی دیگر به اپوزسیون سوری پیوستند، پ.ی.د موضع "نه رژیم، نه اپوزسیون" را اتخاذ کرد^{۷۲} و با تمرکز بر اصل "دفاع از خود" و یافتن راه حل‌های مسالمت‌آمیز، ضمن احتراز از جنگ با رژیم یا پیوستن به اپوزسیون، به سازماندهی جامعه روزاوا و تقویت نیروهای دفاعی پرداخت و در تابستان همان سال، مجلس خلق غرب کردستان را تشکیل داد.

در اکتبر سال ۲۰۱۱، یازده حزب روزاواایی متأثر از دو جریان سیاسی باشور، یعنی پ.د.ک و اتحادیه میهنی کردستان (ی.ن.ک)، زیر چتری با عنوان

انجمن میهنی کردهای سوریه (ا.ن.ک.س)، گرد آمدند. این انجمن که تحت نظارت حکومت اقلیم کردستان در هَولیر^{۷۳} (اربیل) شکل گرفته بود بعداً به اپوزسیون سوریه پیوست.

جولای سال ۲۰۱۲، در هَولیر و با حضور مسعود بارزانی، رئیس وقت اقلیم کردستان، موافقتنامه همکاری میان مجلس خلق^{۷۴} و انجمن میهنی کردهای سوریه، امضا شد تا از تشدید اختلافات میان دو گروه مذکور جلوگیری کند. ماحصل این موافقتنامه، تأسیس هیئت عالی^{۷۵} گرد، بعنوان هیئت حاکمه روزاوا و معرفی یگان‌های مدافع خلق بعنوان بازوی نظامی آن بود.

با گسترش مناطق تحت کنترل پ.ی.د و کم‌رنگ شدن نقش سایر جناح‌ها، انجمن میهنی کردهای سوریه، مجلس خلق را به اعمال نظر در شورا متهم نموده و در نوامبر ۲۰۱۳، موافقت نامه را بطور یکجانبه فسخ کرد. این در حالی بود که مجلس خلق نیز، طرف مقابل را به اقدام برای ایجاد نیروی مسلح دیگری بموازات یگان‌های مدافع خلق، تلاش برای تقسیم روزاوا به دو منطقه، و همکاری با اپوزسیون تحت حمایت دولت ترکیه بر علیه روزاوا، متهم می‌ساخت.

زمانیکه هیئت عالی^{۷۶} گرد، عملاً کارایی خود را از دست داد، جنبش جامعه دمکراتیک (تَوَدَم) که از ارکان اجرایی مجلس خلق محسوب می‌شد، اجرای طرح پایلوت پروژه کنفدرالیسم دمکراتیک در روزاوا را بعهدہ گرفت.

ساختار شورایی

با کمرنگ شدن نقش دولت، مجلس خلق، مسئولیت امنیت و سامان دهی جامعه را عهده دار شد. بدین ترتیب تو-دم به سازماندهی و توسعه کمیته‌ها، شوراها و مجالس مردمی در سطوح مختلف جامعه مدنی پرداخت، تا هر هویتی بتواند در یک ساختار شورایی که مشارکت در آن برای تمامی گروه‌های اجتماعی، سیاسی، و مذهبی سوریه آزاد باشد، جای گیرد.

ساختار شورایی روزاوا متشکل از شوراهایی در چهار سطح، با رویکرد دمکراسی مستقیم است. در دمکراسی مستقیم، بر خلاف دمکراسی پارلمانی (مبتنی بر نمایندگی)، افراد بدون واسطه و بصورت مستقیم در تصمیم‌گیری‌های عمومی شرکت می‌کنند. این سیستم بگونه‌ای طراحی شده است که جریان تصمیم‌گیری‌ها از قاعده جامعه یعنی عموم مردم آغاز شود. کمون^{۷۵} ها، شوراهای سطح اول، یا عبارتی سنگ زیر بنای کنفدرالیسم دمکراتیک را شکل می‌دهند. انتظار می‌رود کمون‌ها به مشکلات زندگی روزمره رسیدگی نموده و نیازهای اساسی مردم را برآورده سازند. یک کمون روستایی می‌تواند تمام خانوارهای روستا را در بر گیرد، لیکن در شهرها که به نسبت، جمعیت بیشتری دارند، هر کمون می‌تواند شامل حداقل ۳۰ تا حداکثر ۵۰۰ خانوار باشد.

شوراهای سطح دوم را شورای محله (یا روستا) مینامند. هر شورای محله شامل ۷ الی ۳۰ کمون و هر شورای روستا شامل ۷ الی ۱۰ کمون روستا

است. شورای محله عموماً به حل و فصل آن دسته از مسائل می‌پردازد که در سطح کمون قابل رسیدگی نیست.

شوراهای سطح سوم یا شورای ناحیه، در بر گیرنده تمام شوراهای محلات یک شهر و توابع آن است. پنج کرسی در این شورا به تو-دم اختصاص دارد و نمایندگان احزاب سیاسی، سازمان‌های مردم نهاد (غیردولتی) و... نیز می‌توانند در این سطح وارد فرآیند تصمیم‌گیری شوند. بدین ترتیب در شورای ناحیه می‌توان مسائل کلان اجتماع را بررسی نمود.

مجلس خلق، شورای سطح چهارم است که تمام شوراهای نواحی را در بر می‌گیرد. در این مجلس، برای هر کانتون^{۷۶} یازده کرسی در نظر گرفته شده است که به همراه افراد دیگر در هشت کمیته فعالیت می‌کنند، و پنج کرسی به تو-دم اختصاص دارد تا هماهنگ کننده بین شوراهای سطح سوم و چهارم باشد.

برای اینکه شوراها بتوانند در تمام زمینه‌ها پاسخگوی جامعه باشند، هشت کمیته در تمام سطوح تعریف شده است که عبارتند از؛ کمیته زنان، کمیته دفاع، کمیته اقتصادی، کمیته سیاسی، کمیته جامعه مدنی، کمیته جامعه آزاد، کمیته عدالت، و کمیته ایدئولوژی.^{۷۷}

وجود کمیته زنان، در همه شوراهای ضرورت دارد، لیکن وجود هفت کمیته دیگر تنها در سطوح سوم و چهارم ضروریست. لزوم یا عدم لزوم تشکیل سایر کمیته‌ها در سطوح اول و دوم، بستگی به نظر اعضا دارد.

هر شورا در هر سطحی که باشد، توسط یک هیئت اجرایی اداره می‌شود که شامل ریاست مشترک یک مرد و یک زن، و نمایندگان کمیته‌های مختلف آن شورا است. انتخاب رؤسای مشترک (برای یک یا دو سال) و تشکیل کمیته‌ها از طریق انتخابات مستقیم، بین اعضای شورا صورت می‌گیرد و رؤسای مذکور بعنوان نمایندگان کمون یا شورای خود در شورای سطح بعدی حضور دارند.

در پیوست ۳ شماتیک ساختار شورایی روزاوا نشان داده شده است.

ساختار اداری پارلمانی

تا سال ۲۰۱۳، اقلیت‌های غیر کُرد زیادی به مجلس خلق پیوستند و ساختار شورایی هر روز بیش از پیش تثبیت می‌شد. لیکن هنوز اکثر آن‌ها برای پیوستن به مجلس خلق مردد بودند و نهادهای دموکراسی مستقیم را به دیده تردید می‌نگریستند. چراکه آن‌ها سیاست را در قالب احزاب تصور می‌کردند و تا آن زمان در سوریه، تمام احزاب و سازمان‌های سیاسی بر اساس هویت‌های قومی و مذهبی شکل گرفته بود. تردید برخی احزاب کُرد هم از عدم شناخت و ترس از انحلال در ساختار شورایی نشأت می‌گرفت. در منطقه نیز، با وجود محاصره اقتصادی دولت ترکیه، عدم همکاری حکومت اقلیم کردستان، و فشار گروه‌های مسلح سوری، روزاوا تنها از همبستگی کُردهای باکور، روزهلات و تا حدودی باشور برخوردار بود و تقریباً هیچ حمایت بین‌المللی نداشت.

علیرغم موفقیت‌های کسب شده در محدودهٔ روژاوا، توّدم با بی‌اعتمادیِ نهادهای سوری، منطقه‌ای و جامعهٔ بین‌المللی نسبت به ایدهٔ انقلابیِ دمکراسیِ مستقیم مبتنی بر ساختار شورایی، مواجه شد و برآورد نمود که یک ساختار سیاسی سنتی، احتمالاً بیشتر مورد قبول نهادهای مذکور واقع شود، لذا تصمیم گرفت که سیستم دمکراسیِ پارلمانی (مبتنی بر نمایندگی) با مشارکت احزاب را بعنوان یک دورهٔ انتقالی بموازات سیستم موجود پیاده کند تا ضمن حفاظت از دستاوردهای انقلاب روژاوا، زمان لازم برای شناخت و اعتماد به سیستم دمکراسیِ مستقیم فراهم شود.

بدین ترتیب در روز بیست و یکم ژانویه سال ۲۰۱۴، تأسیس کانتونِ خودگردانِ جزیره^{۷۸} اعلام شد و بلافاصله تشکیل دولت انتقالی کانتونِ مذکور تحت عنوان "ادارهٔ خودمدیریتیِ دمکراتیک" کانتون جزیره، با اطلاع عموم رسید. بر همین منوال در روزهای بیست و هفتم و بیست و نهم ژانویه، بترتیب تأسیس کانتون‌های کوبانی^{۷۹} و آفرین^{۸۰} و دولت انتقالی دو کانتون مذکور نیز اعلام گردید.

چهار چوب ساختار خودمدیریتیِ دمکراتیک در "منشور" یا قرارداد اجتماعی^{۸۱} که به نوعی قانون اساسی روژاوا به شمار می‌رود، مشخص شده است. پیش‌نویس قرارداد اجتماعی در اکتبر ۲۰۱۳ برای دریافت نظرات عموم منتشر شد و پس از اخذ نظرات و برگزاری جلسات بسیار با نهادهای دیگر (جدای از مجلس خلق)، در ژانویه ۲۰۱۴، مورد توافق و تأیید بیش

از پنجاه سازمان گُرد، عرب، آشوری و... قرار گرفت. این قرارداد، برابری جنسیتی، دموکراسی، حقوق اجتماعی، حقوق اقلیت‌های قومی یا عقیدتی، حقوق مرتبط با محیط زیست و غیره را تضمین نموده و از ایجاد دولت-ملت یا سیستم حکومتی متمرکز جلوگیری می‌کند.

خودمدیریتی دموکراتیک هر کانتون، شامل یک شورای قانونگذاری^{۸۲} یا همان پارلمان محلی است که اعضای آن، هر چهار سال یکبار، از طریق رأی‌گیری عموم مردم انتخاب می‌شوند. تمام گروه‌های اجتماعی و سیاسی که قرارداد اجتماعی را امضا کرده‌اند در پارلمان کرسی دارند. اختصاص ۴۰٪ کرسی‌های پارلمان به نمایندگان مجلس خلق، حلقهٔ اتصال میان دو ساختار شورایی و پارلمانی است.

شورای قانونگذاری به نوبهٔ خود، بر اساس رأی اکثریت اعضا، فرماندار کانتون و شورای اجرایی را که در حکم دولت محلی است انتخاب می‌کند. انتصاب رؤسای مشترک (یک زن، یک مرد) شورای اجرایی یا همان نخست وزیران، به عهدهٔ فرماندار است. بیست و دو وزارتخانه زیر مجموعهٔ شورای اجرایی می‌باشند. این شورا، وزیران را از میان اعضای حزب‌های مختلف انتخاب می‌کند.^{۸۳}

هر کانتون به لحاظ اداری متشکل از شهرداری‌های مختلف است. شوراهای شهرداری توسط شورای اجرایی کانتون مربوطه اداره شده و اعضای آن‌ها از طریق انتخابات عمومی تعیین می‌شوند.

دیوان عالی قانون اساسی نیز نهاد دیگری است که هفت نفر عضو دارد و اعضای آن هر چهار سال یکبار توسط شورای قانونگذاری کاندید می‌شوند. دیوان عالی در کنار شورای قانونگذاری و شورای اجرایی، بدنه خودمدیریتی دموکراتیک را شکل می‌دهند.

نهاد دیگری که در کنار بدنه اصلی، فعالیت می‌کند. کمیسیون عالی انتخابات^{۸۴} است. کمیسیون مذکور هجده عضو دارد که توسط شورای قانونگذاری منصوب می‌شوند. این امکان فراهم شده که کمیسیون تحت نظارت نمایندگان دیوان عالی قانون اساسی، سازمان ملل متحد یا سازمان‌های مدنی دیگر قرار گیرد.

شورای قضایی نیز از جمله نهادهای مکمل سیستم پارلمانی است که قرارداد اجتماعی به آن اشاره نموده و بر استقلال آن تأکید می‌کند. لیکن چگونگی ساختار شوراهای قضایی را به قوانین مربوطه ارجاع می‌دهد.

طبق قرارداد اجتماعی، یگان‌های مدافع خلق، تنها ارتش سرزمین‌های آزاد شده هستند و نهاد موسوم به "آسایش"^{۸۵} نقش نیروهای امنیتی مرکزی را ایفا می‌کند.

گسترش قلمرو

رویاریوی یگان‌های مدافع خلق با ستیزه جویان جهادگرای سلفی، از سال ۲۰۱۳ در شهر سریکانی^{۸۶} (رأس العین) کانتون جزیره، آغاز شد. در طول روند آزادسازی سریکانی و بدنبال آن نبردهای آزادسازی کوبانی، حسیچه^{۸۷}

(حسکه)، گُری سپی^{۸۸} (تل‌ابیض) و صَرین، اتحادهای جدیدی میان نیروهای مختلف و یگان‌های مدافع خلق، شکل گرفت و مساحت مناطق تحت کنترل این نیروها گسترش یافت. بدین ترتیب در اکتبر ۲۰۱۵، ائتلافی از نیروهای سیاسی و نظامی گُرد، عرب، آشوری، ارمنی و ترکمن، تحت عنوان نیروهای دمکراتیک سوریه تأسیس شد.^{۸۹} دو ماه بعد، بازوی سیاسی ائتلاف مذکور، یعنی مجلس دمکراتیک سوریه با هدف استقرار خودمدیریتی دمکراتیک در مناطق آزاد شده، پا به عرصه سیاسی سوریه گذاشت.

کسب پیروزی‌های پیاپی و گسترش مناطق تحت اختیار نیروهای دمکراتیک سوریه در سرزمین‌های خارج از محدوده سه کانتون، ایجاد یک اتحادیه مشترک قوی‌تر که هویت جامع‌تری نسبت به کانتون‌ها داشته و قابل تعمیم به کل سوریه باشد، را ضروری ساخت. بدین منظور، در ماه مارس ۲۰۱۶، خودمدیریتی کانتون‌ها، مجلس دمکراتیک سوریه، و گروه‌های اجتماعی مناطق تازه آزاد شده، در شهر رمیلان^{۹۰} کانتون جزیره گرد هم آمدند و تأسیس فدراسیون دمکراتیک روژاوا- شمال سوریه، را اعلام کردند.^{۹۱}

قرارداد اجتماعی فدراسیون با عنوان "قرارداد اجتماعی فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه" در دسامبر ۲۰۱۶ تصویب شد که در آن، ساختار سیستم فدرال نیز، مشخص شده است. ساختار مذکور را می‌توان به نوعی تلفیق هوشمندانه سیستم شورایی و پارلمانی دانست؛

زیربنای این ساختار، بترتیب با کمون‌ها، شوراهای محله/روستا، و شوراهای ناحیه شکل می‌گیرد. شورای ناحیه یک نظام قانونگذاری در سطح ناحیه است که خود یک هیئت اجرایی متشکل از کمیته‌های مختلف دارد. در سطح بالاتر، مجلس خلقِ هر اقلیم، همان پارلمان محلی یا شورای قانونگذاری بوده و یک شورای اجرایی نیز وظیفه اجرای قوانین در سطح اقلیم را بر عهده دارد.

در این سیستم، عالی‌ترین نهاد قانونگذاری، "مجمع خلق‌های دمکرات" است، که نماینده همه مردم ساکن در فدراسیون بوده و اعضای آن هر چهار سال یکبار از طریق رأی مردم انتخاب می‌شوند. این مجمع را دفتر ریاست (جمهوری) که شامل دو رئیس (جمهور) مشترک و چهار معاون است، اداره می‌کند.

نهادهای دیگری که در کنار مجمع خلق‌های دمکرات، تعریف شده‌اند، عبارتند از شورای اجرایی فدرال، شورای قرارداد اجتماعی، کمیسیون عالی انتخابات، و سیستم قضایی.

یک نسخه از قرارداد اجتماعی در پیوست ۶ ارائه شده است.

طبق قرارداد اجتماعی، نیروهای دمکراتیک سوریه، نیروهای دفاعی مسلح فدراسیون شمال سوریه می‌باشند. این نیروها همچنین وظیفه دفاع از سوریه فدرال دمکراتیک در برابر تهدیدات خارجی را بر عهده خواهند داشت.

نیروهای سوریه دمکراتیک تحت نظارت مجمع خلق‌های دمکرات، و هیئت دفاع، قرار دارند.

فدراسیون شمال سوریه به سه منطقه اداری اقلیم^{۹۲} جزیره (شامل کانتون‌های تابعه حسیچه و قامشلو)، اقلیم فرات (شامل کانتون‌های تابعه کوبانی گری‌سپی)، و اقلیم آفرین (شامل کانتون‌های تابعه آفرین و شهبان) تقسیم می‌شود^{۹۳} که مساحتی بالغ بر ۲۸۰۰۰ کیلومتر مربع، یعنی بیش از ۱۵٪ خاک سوریه را در بر می‌گیرد.^{۹۴} علاوه بر این مناطق بسیاری در استان‌های دیرالزور، رقه و حلب سوریه تحت کنترل فدراسیون قرار دارد که مناطق اداری دیگری برای آن‌ها مشخص شده است. به این ترتیب، در مجموع بیش از ۲۵٪ سوریه در اختیار فدراسیون شمال سوریه است.^{۹۵}

نیروهای دفاعی و امنیتی

یگان‌های مدافع خلق، در سال ۲۰۰۴، بصورت واحدهای کوچک و به منظور حفاظت از مردم در مقابل حملات رژیم بعث سوریه، سازماندهی شد. به مرور زمان، تعداد و تجارب جنگی این واحدها افزایش یافت و در سال ۲۰۱۱ ارتش رسمی روژاوا را شکل داد. امروز، ی.پ.گ بر مبنای پارادایم جامعه دمکراتیک، اکولوژی، و آزادی زنان، بدون تبعیض، ترجیح، یا تعلق به هرگونه دین، زبان، ملیت، جنسیت، یا حزب سیاسی، از دستاوردها و ارزش‌های مردم روژاوا دفاع می‌کند. ی.پ.گ نیروی دفاعی

ملت دمکراتیک بوده و تمام ماموریت‌های خود را در چهارچوب دفاع مشروع و در راستای دفاع از منافع مردم روژاوا به انجام می‌رساند. ی.پ.گ بعنوان یک ارتش مردمی، از افراد داوطلب تشکیل شده است و داوطلبان صرفنظر از نژاد و مذهب می‌توانند به آن ملحق شوند. چنین است که امروزه عرب‌ها، آشوری‌ها، ترکمنها، ارمنی‌ها، گُردها و سایر گروه‌های ساکن در شمال و شرق سوریه، پا به پای هم در دفاع از روژاوا مشارکت دارند.

شورای نظامی سریانی وابسته به حزب اتحاد سریانی^{۹۶} سوریه و نیروهای الصنادید، متشکل از قبایل عربی شَمَر، در سال ۲۰۱۳، و نیروهای ترکمنِ گردان سلاجقه، در سال ۲۰۱۵ به ی.پ.گ ملحق شدند. ی.پ.گ از پاییز ۲۰۱۴ با ائتلاف بین‌المللی ضد داعش همکاری داشته و در سال ۲۰۱۵، بعنوان ستون اصلی نیروهای دمکراتیک سوریه (ق.س.د)، عمل کرده است.

بر اساس فلسفهٔ کنفدرالیسم دمکراتیک، ی.پ.گ بعنوان یک نیروی دفاعی مردمی، فارغ از سلسله مراتب متداول ارتشی است. بدین ترتیب، بر خلاف معمول، فرماندهان، نه از طریق انتصاب، که با رای‌گیری افراد تحت فرمانشان انتخاب می‌شوند و عملکردشان نیز در جلسات خود-انتقادی، توسط سایرین مورد نقد قرار می‌گیرد. در ی.پ.گ درجات نظامی وجود ندارد و افراد همدیگر را "رفیق"^{۹۷} خطاب می‌کنند.

از سال ۲۰۱۱ تا کنون، صدها داوطلب خارجی خود را به روژاوا رسانده و به دفاع از انقلاب پرداخته‌اند. در سال ۲۰۱۵، گردان آزادی بین‌المللی شکل گرفت تا چندین گروه چپ‌گرای بین‌المللی را که در کنار ی.پ.گ می‌جنگیدند، زیر یک چتر گرد آورد. در سال ۲۰۱۶ نیز گردان بین‌المللی ضد فاشیست تشکیل شد، که در سال ۲۰۱۷ بعنوان بخشی از ی.پ.گ به گردان بین‌المللی ی.پ.گ، تغییر نام داد.

بدین ترتیب، اکنون، داوطلبان خارجی، یا عضو ی.پ.گ هستند و یا از اعضای زیر مجموعه‌های گردان آزادی می‌باشند. این داوطلبان برای پیوستن به ی.پ.گ، ابتدا از طریق یک فرآیند مشخص گزینش شده و پس از طی دوره‌های آموزشی، بر اساس توانمندی‌هایشان در پشت جبهه و یا عملیات نظامی، مشارکت می‌جویند.

واحدهای دفاع مدنی در راستای توزیع قدرت نظامی و افزایش توان خود-دفاعی اجتماعات مدنی، در قالب "نیروهای دفاع ذاتی" و "نیروی دفاع مدنی" تشکیل شده‌اند؛

نیروهای دفاع ذاتی بر اساس اصل دفاع از خود، بعنوان حق طبیعی هر انسان، در سال ۲۰۱۴ شکل گرفت. خدمت (سربازی) در این نیروها برای تمامی مردان ۱۸ تا ۴۰ سال، فارغ از قومیت، نژاد و عقیده، اجباری بوده و ثبت نام از زنان داوطلب آزاد است.

خدمت در نیروهای دفاع ذاتی، با احتساب دوره آموزشی، مجموعاً نه ماه طول می کشد. دوره آموزشی که توسط ی.پ.گ ارائه می شود، در بر گیرنده دروس نظامی و تاکتیک های جنگی بوده و علاوه بر آن دروس مرتبط با حقوق بشر و تعامل صحیح با غیر نظامیان نیز آموزش داده می شود. پس از اتمام دوره، افراد می توانند به ی.پ.گ ملحق شده و یا به خانه بازگردند. نیروی دفاع مدنی مسئول پاسداری از محله ها در برابر هر نوع حمله یا تهدید امنیتی و محافظت از دارایی ها و اموال عمومی است. رسیدگی به جرائم خفیف و اختلافات محلی نیز، ابتدا توسط نیروهای دفاع مدنی (در همکاری مستقیم با کمیته های صلح و آشتی کمون ها) انجام می گیرد.

این نیرو که شامل داوطلبانی از تمام اقشار جامعه است، در سال ۲۰۱۵ شکل گرفت تا بعنوان اولین خط دفاعی جامعه، نقش نیروی پلیس در سطح محلات شهری را ایفا کند. اعضای این نیرو در هر منطقه، از داوطلبان گروه های اجتماعی ساکن در همان منطقه و با تأیید مردم منطقه مذکور انتخاب می شوند. این افراد قبل از آموزش استفاده از سلاح و دریافت اسلحه، دوره های فشرده کنفدرالیسم دمکراتیک، فمینیسم، و حل مسالمت آمیز منازعات را می گذرانند.^{۹۸}

آسایش بعنوان نیروی امنیت داخلی، در سال ۲۰۱۲ رسماً آغاز بکار کرد. این نیرو که نقش پلیس روزاوا در سطح فدراسیون را بر عهده دارد، هماهنگ با مجلس دمکراتیک سوریه و کمیته قانونگذاری خودمدیریتی، عمل

می‌نماید. نیروهای آسایش، از میان داوطلبان ۱۸ تا ۴۰ ساله ساکن در شمال سوریه، فارغ از قومیت، جنسیت، و عقیده انتخاب می‌شوند. آسایش با استقرار در نقاط ایست و بازرسی شکل گرفت و به مرور زمان کاملتر شد. به نحویکه هم اکنون این نیروها در شش شاخه اصلی؛ پلیس ترافیک (راهنمایی و رانندگی)، نیروهای ضد ترور،^{۹۹} نیروهای ویژه زنان، ایست و بازرسی، امنیت عمومی، و مقابله با جرائم سازمان یافته، انجام وظیفه می‌کنند.

حفاظت از امنیت مناطق و محلات آشوری اقلیم جزیره، بر عهده پلیس سوتورو^{۱۰۰} وابسته به حزب اتحاد سریانی، است. سوتورو از نظر سازمانی زیر مجموعه آسایش محسوب می‌شود ولی این موضوع خللی به استقلال عمل آن (در چهارچوب قوانین)، وارد نمی‌سازد.

زنان آزاد

یکی از تأثیر گذارترین ویژگی‌های منحصر بفرد روزاوا، حضور و مشارکت بی‌نظیر زنان در همه ابعاد اجتماع است. حضور زن، در انقلاب روزاوا بحدی برجسته بوده، که آن را "انقلاب زنان" لقب داده‌اند. جدای از پتانسیل فرهنگی جوامع کردستان، تأکید اوجالان بر بازآفرینی نقش زن در جامعه و ارائه برنامه عملی در راستای تحقق چنین امری بعنوان جزء لاینفک کنفدرالیسم دمکراتیک، را می‌توان مهمترین عامل پدیده مذکور دانست.

اوجالان هواره بر این باور بوده است که بدون آزادیِ زنان، رسیدن به یک جامعه واقعاً آزاد غیر ممکن است. نتیجه عملی گسترش چنین تفکری، باعث شد تا در دهه ۱۹۸۰ میلادی حضور زنان در عرصه مبارزات سیاسی کردستان افزایش یافته و سازماندهی شود. بیست و پنج سال مبارزه سازماندهی شده زنان کردستان (پیوست ۴) در روزاوا بصورت تأسیس اتحادیه ستار^{۱۱} در سال ۲۰۰۵ نمود یافت.^{۱۲}

این جنبش نیز همچون سایر تشکیلاتِ منتسب به کردها از سوی حکومت دمشق، غیر قانونی تلقی می‌شد و لذا فعالیت خود را بصورت زیر زمینی آغاز کرد. علیرغم اختناق و سرکوب و حشیانۀ رژیم بعث، زنان مخفیانه در شهرها و روستاها گرد هم آمدند و خود را سازماندهی کردند. با آغاز انقلاب روزاوا، فعالیت اتحادیه ستار علنی شد، گسترش یافت و مجموعه‌های دیگری را نیز در بر گرفت تا نهایتاً در فوریه سال ۲۰۱۶ بعنوان کنفدراسیونی از جنبش‌های مختلف زنان در مناطق گوناگون روزاوا، به کنگره ستار^{۱۳} تغییر نام داد و اکنون در زمره یکی از جنبش‌های اصلی شمال سوریه به شمار می‌رود.

کنگره ستار از طریق ده کمیته به سازماندهی زنان در زمینه‌های آموزشی، فرهنگی هنری، اقتصادی، دفاع از خود، اجتماعی، قضایی، سیاسی، اکولوژی، رسانه‌ای،... و حل مشکلات آنها می‌پردازد.

عرصه‌های اصلی فعالیت این تشکیلات عبارتند از سازماندهی کمون‌های مختص زنان، ایجاد سیستم اقتصادی کمونال همچون تعاونی‌های زنان، آموزش و ارتقای آگاهی، سازماندهی برای "دفاع از خود" و توسعه دانش ژنولوژی^{۱۰۴} همراه با ارتقای فرهنگ و هنر.

از جمله اقدامات کنگره، تأسیس آکادمی ستار بوده است. این آکادمی دوره‌هایی از قبیل تاریخ خاورمیانه، تاریخ کردستان، تاریخ زنان، ژنولوژی، اقتصاد، قانون و عدالت، دیپلماسی، برابری جنسیتی، فلسفه، جنسیت زدگی در جامعه و برابری در روابط را برگزار می‌کند و علاوه بر آن سرفصل‌هایی همچون برابری جنسیتی، جنسیت گرایی اجتماعی، تاریخ زنان و ژنولوژی را در آکادمی‌ها و دانشگاه‌های دیگر ارائه می‌دهد.^{۱۰۵}

تأسیس مرجعی به نام سرای زن^{۱۰۶} و خانه‌های محافظت از زنان^{۱۰۷} که صد در صد توسط بانوان اداره می‌شود را می‌توان جزء اقدامات مثبت روزاوا در حمایت از زنان برشمرد. سرای زن، مرجعی برای حمایت حقوقی از زنان در برابر خشونت است و در صورت نیاز به رسیدگی قضایی، نقش وکیل آن‌ها را در فرایند دادرسی بعهد می‌گیرد.^{۱۰۸} اگر زنی بواسطه بد رفتاری همسرش از او جدا شود، به همراه فرزندان، برای مدتی معین در خانه‌های محافظت از زنان، اسکان می‌یابد. در این خانه‌ها از زن و فرزندان در مقابل تهدیدات احتمالی همسر سابق محافظت می‌شود. در عین حال کودکان

خدمات آموزشی دریافت نموده و زنان مهارت‌هایی را می‌آموزند که به آن‌ها در یافتن کار و ایجاد زندگی مستقل کمک کند.

در زمینه‌های دفاعی و نظامی هم، حفظ استقلال زنان مورد توجه قرار گرفته و بدین منظور سه نیروی مختلف برای دفاع و محافظت از زنان پیش‌بینی شده است:

نیروی دفاع مدنی ویژه زنان، یک واحد مجزا در نیروی دفاعی مدنی هر منطقه بوده، که مسئول رسیدگی به مسائل و مشکلات زنان (در حد وظایف نیروهای دفاع مدنی) است. زنان داوطلب از طریق کمون یا شورای محله به این نیروها پیوسته و سازماندهی می‌شوند. اولین مرکز نیروهای دفاعی مدنی ویژه زنان در ژوئن ۲۰۱۶ افتتاح شد و اولین گروهان با حمایت کنگره سنّار در فوریه ۲۰۱۷ اعلام وجود کرد.

نیروهای "آسایش" ویژه زنان^{۱۰۹} بعنوان بخشی از نیروهای آسایش، در اکتبر سال ۲۰۱۶ آغاز به کار کرد. تمرکز بر مسائل امنیتی مرتبط با زنان از قبیل ازدواج زیر سن قانونی، فحشا، تجاوز جنسی، آدم ربایی، خودکشی، جرایم بر علیه اخلاق و عفت عمومی و... از وظایف اصلی آن‌ها به شمار می‌روند.

در مناطق و محلات آشوری اقلیم جزیره، نیز نیروهای پلیس زنان بت نهرین (زیرمجموعه شورای نظامی سریانی) وظیفه تأمین امنیت را بعهدہ دارند و در ارتباط با نیروهای آسایش کانتون عمل می‌کنند.

یگان‌های مدافع زن، (ی.پ.ژ) نیرویی موازی با ی.پ.گ است که بدنبال افزایش شمار زنان مبارز ی.پ.گ، در چهارم آوریل سال ۲۰۱۳ تأسیس شد. وظایف ی.پ.ژ و ی.پ.گ یکسان بوده و بصورت موازی ولی مستقل از هم عمل می‌کنند.

علاوه بر این، در سال ۲۰۱۵، شورای نظامی سریانی، نیروهای دفاع از زنان بت نهرین را ایجاد نمود که متشکل از زنان سریانی است و در برخی عملیات از جمله آزادسازی رقه مشارکت داشته است. در سال ۲۰۱۷ نیز اولین نیروی نظامی زنان عرب، زیر چتر نیروهای دموکراتیک سوریه در دیرالزور، با نام گردان زنان عرب شهید امارا، شکل گرفت.

حقوق زنان در قرارداد اجتماعی فدراسیون شمال سوریه، با تأکید بسیار، مورد توجه واقع شده است. چنانکه در مواد ۲، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۵، ۲۶، ۶۷ و ۶۸ به اشکال مختلف، حق آزادی و برابری جنسیتی زنان تضمین شده و ماده ۱۱ نگاه ابزاری به زن را غیر قابل قبول می‌داند. همچنین مطابق ماده ۲۵، اعمال هرگونه خشونت، سوء استفاده و تبعیض علیه زنان جرم محسوب می‌شود و مجازات قانونی در پی خواهد داشت.

اقتصاد

اقتصاد روزاوا بر کشاورزی، نفت، دامداری، و تجارت مرزی استوار است، به نحویکه کشاورزی سهم بسزایی در شکل‌گیری اقتصاد منطقه دارد. در اقلیم جزیره که میان دجله و فرات واقع شده است، گندم، پنبه، و میوه‌هایی

از قبیل سیب و انگور تولید می‌شود. کشاورزی اقلیم فرات عمدتاً متکی به دیم است و محصولات همچون گندم، جو، زیتون، پسته، سبزیجات و میوه می‌دهد. در آفرین نیز گندم، جو، تخم آفتابگردان، عدس، ذرت، پنبه، چغندر قند، زیتون، انگور و تنباکو کشت می‌شود.

میدان نفتی قره چوخ^{۱۱۰} در زیر خاک جزیره نهفته است. با حفر اولین چاه در سال ۱۹۵۶ بهره‌برداری از این میدان آغاز شد و امروز در این اقلیم چند هزار دکل حفاری، حدود ۱۳۰۰ چاه نفت و ۲۵ چاه گاز طبیعی وجود دارد. روژاوا همواره تأمین‌کننده مواد خام و محصولات زراعی سوریه بوده است و تا پیش از جنگ، ۳٪ گندم،^{۱۱۱} ۸۰٪ پنبه^{۱۱۲} و دو سوم نفت^{۱۱۳} سوریه از استان حسکه تأمین می‌شد. لیکن رژیم حاکم همیشه با اتخاذ سیاست‌های برنامه‌ریزی شده در منطقه از ایجاد صنایع پایین دستی که عموماً نسبت به صنایع تولید مواد خام، پایدارتر بوده و حاشیه سود بیشتری دارند، جلوگیری نموده و فقر سیستماتیک فزاینده را بر مردم گرد تحمیل کرده است. چنانچه در رده‌بندی استانی سوریه به لحاظ فقر چند بُعدی (در سال ۲۰۰۹) استان‌های حسکه، رقه و حلب، با اختلاف فاحش از سایر استان‌ها (بجز دیر الزور) در انتهای جدول قرار دارند.^{۱۱۴} با توجه باینکه آمارگیری مذکور از مراکز استان صورت گرفته، می‌توان فهمید که وضعیت اکثر مناطق روژاوا بسیار بدتر بوده است.

با آغاز انقلاب، و اتخاذ استراتژی "خط سوم" توسط کردها، پ.ی.د طرح اقتصاد مردمی^{۱۱۵} را به منظور پیاده سازی سیستم اقتصاد جمعی (کمونال) در سال ۲۰۱۲ ارائه داد. اقتصاد جمعی، یک اقتصاد اکولوژیک و اخلاقی است که بر مبنای اجتماع خود-پایا، در چهار چوب کنفدرالیسم دمکراتیک بنا می‌شود. بدین ترتیب کانتون‌ها بودجه لازم را به تأسیس تعاونی‌های جدید تخصیص دادند و اولین تعاونی‌ها، توسط کشاورزان برای تولید محصولات لبنی، تشکیل شد. در اواخر همان سال مالکیت خصوصی بر ساختمان‌ها، زمین، و زیر ساخت‌ها، ملغی شد و اموال مذکور تحت کنترل شوراهای شهر قرار گرفت.

از آنجا که تشکیل تعاونی‌ها و مشارکت تمام افراد جامعه در تولید، یکی از ارکان اقتصاد جمعی است، آکادمی اقتصاد، در سال ۲۰۱۳، ارائه دوره‌های مربوطه را آغاز نمود تا دانش عموم مردم در این خصوص افزایش یابد.

چهار چوب سیستم اقتصادی روزاوا در قرارداد اجتماعی فدراسیون شمال سوریه نیز انعکاس یافته است. چنانچه بر اساس ماده ۱۱، زمین، آب، و منابع طبیعی جزء اموال عمومی به شمار می‌آیند و [تولید، توزیع، تجارت، مصرف کالاها و خدمات] باید مبتنی بر صنعت اکولوژیک و اقتصاد اجتماعی باشد. در عین حال، استثمار، انحصار و نگاه ابزاری به زنان، مجاز نیست و همه افراد جامعه شامل بیمه درمانی و اجتماعی می‌شوند. در ماده ۴۱ قید شده که ثروت و منابع طبیعی جزء اموال عمومی هستند و

سرمایه‌گذاری، مدیریت و شرایط توزیع منصفانه آن‌ها توسط قانون تنظیم می‌شود. طبق ماده ۴۲، باید در پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری کرد که ملاحظات زیست محیطی را در نظر می‌گیرند و خدمات لازم برای توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورند، و با هدف رفع نیازهای اجتماعی و کمک به فعال‌سازی و ایجاد فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی تعریف می‌شوند. با این حال در ماده ۴۳ حق مالکیت خصوصی به شرط عدم تضاد با منافع مشترک، نیز تضمین شده است.

برای تبیین انواع مالکیت در اقتصاد جمعی، سه نوع دارایی تعریف می‌شود: **دارایی‌ها یا اموال عمومی**، شامل منابع طبیعی، زمین، ساختمان‌ها، برخی شرکت‌های بزرگ و... که مدیریت آن‌ها بعهده شوراهاست.

دارایی‌های خصوصی، که خود به دو بخش تقسیم می‌شود؛ "اموال شخصی" از قبیل اتومبیل، کالاهای الکترونیکی و... و "اموال با استفاده مستقیم" (مالکیت انتفاعی) همچون خانه محل سکونت، که در تصاحب ساکن خانه است ولی قابل خرید و فروش در بازار آزاد نیست.

دارایی‌های اشتراکی، همچون ماشین آلات و ابزاری که در اختیار تعاونی‌ها بوده و اعضای تعاونی بصورت اشتراکی از آن‌ها استفاده می‌کنند.

اگرچه بدلیل شرایط جنگی، سیستم خودمدیریتی تنها توانسته با حرکت‌های تاکتیکی کوتاه مدت، به توانمندسازی دفاعی و تأمین نیازهای اولیه مردم بپردازد، لیکن از توجه به جزئیات و ارائه برنامه‌های بلند مدت غافل نبوده

است. چنانچه، در اکتبر ۲۰۱۵، کنفرانس اقتصادی روژاوا در شهر رمیلان به تبیین جزئیات برنامه اقتصادی کمونال اختصاص یافت و نهایتاً در بهار ۲۰۱۶، طی یک همایش بزرگ، برنامه پنج ساله اقتصادی در شش بخش آموزش، سازماندهی، خاک و زمین، کشاورزی، آب، و دامداری اعلام شد.

بهداشت و درمان

تا پیش از انقلاب، نظام خدمات درمانی، رایگان و تحت کنترل دولت بود. لیکن در مناطق روستایی خدمات مطلوب ارائه نمی‌شد. از دهه ۱۹۹۰ کیفیت بیمارستان‌های دولتی نیز رو به افول نهاد و تنها ثروتمندان می‌توانستند از خدمات درمانی مناسب در کلینیک‌های خصوصی بهره‌مند شوند.

پس از شروع انقلاب در اوایل سال ۲۰۱۲ کمیته‌های سلامت در سطح شوراهای ناحیه ایجاد، و اداره مراکز درمانی بجامانده از دولت به آنها واگذار شد. متعاقباً شورای سلامت^{۱۱۶} توسط کمیته‌های هر ناحیه، شکل گرفت. این شوراها که اکنون بخشی از وزارت بهداشت و درمان خودمدیریتی می‌باشند، متشکل از پزشکان بیمارستان‌ها، داروسازها، تکنسین‌های آزمایشگاه، نمایندگان سازمان‌های ارائه دهنده خدمات بشر دوستانه همچون هلال احمر گردستان و... بوده و در خصوص سیاست‌های مربوط به دارو و درمان تصمیم‌گیری می‌کنند.

از آنجا که سیستم بهداشتی-درمانیِ روژاوا، اکیداً نیاز به بازسازی و توسعه داشت، پروژه‌ای برای ایجاد و یا تکمیل واحدهای ارائه دهنده خدمات درمانی در پنج سطح، بشرح زیر تعریف شد؛

مراقبت‌های اضطراری؛ برای پاسخ به نیازهای اورژانسی با استفاده از تمهیداتی شامل کلینیک‌های سیار، پست‌های احیاء و تثبیت وضعیت مجروحان، بیمارستان صحرایی، پست‌های موقت واکسیناسیون، و سیستم مخابرات اورژانس و آمبولانس، مراکز اورژانس، پست‌های توزیع دارو، واکسن و اقلام حیاتی، و مراکز درمان بیماری‌های همه گیر.

مراقبت‌های اساسی اولیه؛ شامل انجام امور پزشکیِ عمومیِ زنان، اطفال، و واکسیناسیون کودکان، که باید در پلی کلینیک‌های روستایی (با حداکثر جمعیت بیست هزار نفر) مجهز به بخش‌های تشخیص طبی، آزمایشگاه، و داروخانه ارائه شود.

مراقبت‌های جامع اولیه؛ شامل انجام امور پزشکیِ تخصصیِ زنان (بجز جراحی)، کودکان، داخلی بزرگسالان، تغذیه، سلامت روان، بهداشت دهان و دندان، ارتقاء و پیشگیری، و پزشکیِ اجتماعی، که می‌بایست توسط مراکز درمانیِ ناحیه (با حداکثر جمعیت پنجاه هزار نفر) مجهز به بخش‌های اورژانس شبانه روزی و آمبولانس، تشخیص طبی، عکسبرداری با اشعه ایکس، آزمایشگاه، ارتقاء و پیشگیری، ارائه شود.

مراقبت‌های بیمارستانی یکپارچه؛ شامل خدمات جراحی، خدمات کلینیکی، خدمات اورژانس و زنان و زایمان که باید در بیمارستان‌هایی به ظرفیت بیست تا پنجاه تخت عمل، در مراکز شهری با جمعیت بیست تا پنجاه هزار نفر ارائه شود. برای شهرهای بالای پنجاه هزار نفر جمعیت، خدمات کامل درمانی باید در بیمارستان‌های ناحیه بظرفیت یکصد تا سیصد تخت بستری، مجهز به تجهیزات سی.تی.اسکن، ام.آر.آی، ماموگرافی، سونوگرافی... بخش مراقبت‌های ویژه، اتاق عمل ۲۴ ساعته، دیالیز، شیمی درمانی، بانک خون و... ارائه شود.

مراکز تخصصی؛ همچون بیمارستان چشم، بیمارستان قلب، مرکز تولید اکسیژن، کارخانه داروسازی، کارگاه‌های تجهیزات ارتوپدی و پروتز، مرکز روان درمانی، بانک خون مرکزی، آزمایشگاه تحقیقات ژنتیک، و مرکز مداوای سرطان، که باید در نقاط مختلف کانتون احداث شده و خدمات مربوطه را ارائه دهند.

هدف از پروژه مذکور ارتقاء سیستم بهداشت و درمان بوده است. به نحویکه علاوه بر رفع نیازهای روزمزه و اساسی مردم، بتواند هنگام بروز فاجعه، شیوع بیماری و... نیز عملکرد مطلوب داشته باشد.

بموازات ایجاد و تجهیز مراکز درمانی، برنامه‌ریزی برای ارتقاء دانش عمومی در زمینه بهداشت نیز مورد توجه قرار گرفت. چنانچه پس از برگزاری کنگره سلامتی جزیره در سپتامبر ۲۰۱۵ تصمیم گرفته شد تا "آکادمی

تندرستی" تأسیس، و کمیته‌های آموزشی در بخش‌های مختلف بهداشتی-درمانی ایجاد شود. چنین بود که در اوایل سال ۲۰۱۶ اولین آکادمی تندرستی در کوبانی افتتاح شد.^{۱۱۷} همچنین برای جبران کمبود نیروی متخصص، آکادمی پزشکی مزوپوتامیا در سال ۲۰۱۷ در سریکانی افتتاح شد که به تربیت کادر درمانی مورد نیاز می‌پردازد.

آموزش و پرورش

تا پیش از انقلاب، آموزش و پرورش تماماً تحت کنترل دولت بود و دولت از یک سیاست انحصارگرایانه در مدارس پیروی می‌کرد. در سیستم تحصیلات دولتی، تنها یک برنامه درسی به مدارس ابلاغ می‌شد و آموزش فقط به زبان عربی صورت می‌گرفت. به همین دلیل تو-دم از همان ابتدای جنبش آزادیخواهی، تدوین یک سیستم نوین آموزشی که بیش و پیش از هر چیز بر حق آموزش به زبان مادری تأکید داشته باشد، را در برنامه کار خود قرار داد. خطوط کلی سیستم آموزشی جدید و برنامه درسی مرتبط با آن، در سومین کنفرانس انستیتو زبان گُردی تو-دم در سال ۲۰۱۲ ترسیم شد.

سیستم آموزشی جدید بر اساس یک چهارچوب مشترک مبتنی بر دمکراسی، اقتصاد اکولوژیک، و رهایی بخشی جنسیتی بنا شده و در هر کانتون مطابق ساختار اجتماعی همان کانتون شکل می‌گیرد. مثلاً در مدارس جزیره تدریس به زبان‌های گُردی، عربی و سریانی پیش‌بینی شده است.

ولی در آفرین تنها به زبان‌های کُردی و عربی تدریس می‌شود، چون در آن کانتون اجتماعات سریانی حضور ندارند. مطابق سیستم مذکور، هر کودک تا سال سوم مدرسه، به زبان مادری درس می‌خواند و در سال چهارم یکی دیگر از زبان‌های کانتون را فرا می‌گیرد. بعنوان نمونه، برنامه درسی مدرسه‌ای در کوبانی بشرح زیر است:

کلاس اول تا سوم: زبان (کُردی؛ برای کودکان کُرد / عربی؛ برای کودکان عرب)، ریاضیات، موسیقی، نقاشی و ورزش
کلاس چهارم و پنجم: زبان (عربی؛ برای کودکان کُرد / کُردی؛ برای کودکان عرب)، علوم، اجتماعی، ریاضیات، نقاشی، موسیقی و ورزش
کلاس ششم به بعد: زبان (کُردی؛ برای کودکان کُرد / عربی؛ برای کودکان عرب)، ریاضیات، علوم، فیزیک، شیمی، ملت دمکراتیک، جغرافیا، نقاشی، موسیقی، ورزش و زبان خارجی (انگلیسی یا فرانسه)

بر این اساس، در سال ۲۰۱۴ کتاب‌هایی برای پیش دبستانی، مهد کودک‌ها و کلاس اولی‌ها آماده شد و در سال تحصیلی ۲۰۱۵-۲۰۱۶ سیستم نوین آموزشی و تدریس به زبان‌های کُردی، عربی و سریانی در مقاطع ابتدایی کانتون جزیره به اجرا درآمد. شورای آموزش ناحیه جزیره، با همکاری انستیتو زبان کُردی توانست در سال تحصیلی ۲۰۱۶-۲۰۱۷ مواد درسی سیستم جدید برای کلیه مقاطع تحصیلی مدارس را تهیه نماید. در

کانتون‌های کوبانی و آفرین نیز مواد درسی به زبان کُردی برای مدارس ابتدایی و راهنمایی آماده شد.

هرچند معدودی از مدارس دولتی کماکان فعال هستند و برخی خانواده‌ها (بدلیل عدم اطمینان از عملکرد سیستم جدید) ترجیح می‌دهند کودکان خود را در مدارس دولتی ثبت نام کنند، سیستم جدید در حال توسعه است و در مناطق منضم به فدراسیون شمال سوریه نیز اجرا می‌شود.

آکادمی‌ها بخش مهمی از سیستم آموزشی روژاوا را تشکیل می‌دهند. آنچه در آکادمی‌ها ارائه می‌شود عبارتست از آموزش در جهت ساختن زندگی اجتماعی، تغییر و تحول اجتماعی، و تربیت مردم برای رهبری مؤسسات اجتماعی، که بر همان چهارچوب دموکراسی، اقتصاد اکولوژیک، و رهایی بخشی جنسیتی استوار است. این نوع آموزش، تلاشی در جهت تولید دانش بر مبنای فهم، توضیح و به اشتراک گذاردن تجربه‌های زندگیست. در آکادمی سعی می‌شود افراد به خویشتن خویش و جامعه خویش برسند و واقعیت اجتماعی را دریابند. در آکادمی، اجتماع، قدرت فکری خود را باز می‌یابد و بر اساس دینامیک جامعه، دانش تولید می‌کند. در یک چنین سیستم آموزشی، دولت رنگ می‌بازد و جامعه مدنی قدرت می‌گیرد.^{۱۱۸}

بر این اساس از سال ۲۰۱۳ به بعد آکادمی‌های مختلفی فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. چنانچه در آوریل ۲۰۱۳ آکادمی جامعه، علوم، حقوق و عدالت مزوپوتامیا در قامشلو ایجاد شد. آکادمی علم و روشنفکری نوری

در سیمی^{۱۱۹} در آگوست ۲۰۱۳ به منظور ارائه تحصیلات در زمینه ملت دمکراتیک در جزیره بنیان نهاده شد.^{۱۲۰} اولین آکادمی زبان و ادبیات کُردی، آگوست ۲۰۱۳ در آفرین تشکیل و به نام شهید فرزاد کمانگر^{۱۲۱} نامگذاری شد. در اکتبر همان سال، انستیتو زبان کُردی آفرین به همراه انجمن آموزگاران روزاوا، آکادمی شهید فیان امارا^{۱۲۲} دائر نمود تا به تربیت معلم زبان کُردی بپردازد. انستیتو زبان کُردی همزمان در قامشلو نیز آکادمی جلادت بدرخان^{۱۲۳} را تشکیل داد که دروس تاریخ، زبان و ادبیات کُردی را ارائه می‌دهد.

به همین ترتیب، بر اساس نیاز، آکادمی‌های متنوعی در زمینه‌های مربوط به زنان، جوانان، اقتصاد، جامعه‌شناسی، حفاظت و امنیت، تفکر و عقیده آزاد، دفاع از خود، مدیریت شهری، سیاست و دیپلماسی و... تشکیل شده و در حال توسعه‌اند.

آموزش عالی، حلقه تکمیل کننده سیستم آموزشی روزاواست. خودمدیریتی آفرین، اولین دانشگاه منطقه خودگردان روزاوا را در ژوئن ۲۰۱۵ افتتاح نمود. تقریباً یکسال بعد یعنی جولای ۲۰۱۶، "دانشگاه روزاوا" در کانتون جزیره گشایش یافت و دانشگاه کوبانی نیز در سپتامبر ۲۰۱۷ آغاز بکار کرد. از آنجا که سیستم آموزشی روزاوا طرحی نوین در خاورمیانه محسوب می‌شود، کمک‌های بین‌المللی چه در زمینه ساخت و بازسازی مراکز آموزشی و چه در خصوص مشاوره و ارائه راه حل بسیار مورد نیاز است.

لیکن شرایط جنگی و کمبود بودجه، مانع از ارتباط مؤثر و دریافت حمایت و کسب تجربه از نمونه‌های مشابه بین‌المللی می‌شود. با این حال سیستم، پیوسته در حال عارضه‌یابی و بهبود است. چنانکه مثلاً وقتی بروز مشکلات سیستمی در آموزش عالی و فعالیت‌های آکادمیکِ مناطق مختلف فدراسیون، نیاز به یک سیستم مشترک برای آموزش عالی را آشکار ساخت، در اکتبر ۲۰۱۸ کنفرانس دانشگاه‌ها و آکادمی‌های شمال و شرق سوریه، در پردیس دانشگاه روزاواای قامشلو برگزار شد، تا توسعهٔ سیستم مشترک دانشگاهی با هدف همکاری میان دانشگاه‌ها و آکادمی‌ها در سطح کلان، و خط مشی آن را مورد بحث و تبادل نظر قرار دهد.

انتقاد سازنده

نمایندگان، رؤسا، فرماندهان و... در ساختار مدنی یا نظامیِ روزاوا، توسط گروه‌های اجتماعیِ مربوطه انتخاب می‌شوند و این گزینش بازتاب دهندهٔ نظر مثبت مردم در خصوص شایستگی ایشان برای انجام امور محوله است. لیکن همواره این احتمال وجود دارد که فرد انتخاب شده، در عمل، وظیفه‌اش را بدرستی انجام ندهد یا در انجام وظیفه دچار فساد، تعصب و قدرت طلبی شود.

به منظور پرهیز از اینگونه مشکلات در سیستم، مکانیسم‌های مختلفِ پیشگیرانه و اصلاحی در نظر گرفته شده‌اند. یکی از مؤثرترین این مکانیسم‌ها، فراهم نمودن فضای نقد و تفکر انتقادی است که ریشه در

فلسفه کنفدرالیسم دمکراتیک دارد. در مکانیسم مذکور، بدنال هر عملیات نظامی، پروژه مدنی، کلاس آموزشی و... جلسه‌ای برگزار می‌شود که به آن "تکمیل" می‌گویند. هدف از جلسات تکمیل، دریافت و ارائه انتقاد سازنده و خود-انتقادی بوده که به منظور بهبود مستمر سیستم انجام می‌گیرد. نباید این خود-انتقادی را با خود-انتقادی مخرب که در مباحث روانشناسی مطرح می‌شود و یا اعترافات اجباری در حکومت‌های کمونیستی، که تحت این عنوان بکار می‌رفت، اشتباه گرفت. خود-انتقادی مد نظر کنفدرالیسم دمکراتیک، بخشی از تفکر انتقادی آزادانه در جهت تکامل و بهسازی فرآیندهاست.

جلسات تکمیل محلی برای بیان احترام‌آمیز نقدها و بیش از آن قبول انتقادات دیگران، بصورت مؤثر، به دور از منیت، ترس، بی‌اعتمادی یا مشاجره بوده که از طریق نهادینه شدن فرهنگ رفاقت^{۱۲۴} و خلق فضایی متفاوت در زندگی اجتماعی میسر شده است. "تکمیل" نه تنها محیط امنی برای انتقاد سازنده فراهم می‌کند و همکاری جهت ارتقای افراد را میسر می‌سازد بلکه مسئولیت‌پذیری افراد را تقویت نموده و از رکود جلوگیری می‌کند.^{۱۲۵}

پس از برگزاری هر عملیات، پروژه، کلاس و... هر شخص مرتبط با موضوع می‌تواند تقاضا کند تا جلسه تکمیل تشکیل شود. برای اینکه جلسه تکمیل،

به اهداف اصلی خود برسد، شیوه برگزاری آن قواعد مخصوص به خود را دارد، که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود؛

به منظور اجتناب از بروز مجادله یا خروج از موضوع جلسه، هر فرد، تنها انتقادش را بیان می‌کند و هیچ کس نباید درصدد ارائه توجیه، پاسخ یا دفاع از انتقاد دیگری باشد.

در جلسات تکمیل، هر انتقاد یکبار مطرح می‌شود و سایر شرکت‌کنندگان نباید انتقادی را که قبلاً در جلسه عنوان شده، دوباره بازگویند تا فرد انتقاد شونده احساس نکند از طرف جمع مورد هدف قرار گرفته است.

در انتهای هر جلسه، شرکت‌کنندگان می‌توانند هرگونه پیشنهادی در جهت بهبود ارائه دهند. این پیشنهادات ممکن است منجر به تعریف پروژه‌های جدید شود.

فروتنی، عملگرایی و هدف‌مداری در جلسات تکمیل بسیار حائز اهمیت است. افراد باید در خصوص کاستی‌هایشان انتقادپذیر بوده و در قبال بکارگیری راه‌حل‌ها در جهت پیشرفت، مسئولیت‌پذیر باشند.

مشکلات و دستاوردها

خودمدیریتی روزاوا در چهار چوب خط مشی کنفدرالیسم دموکراتیک، به دور از برتری جویی، انحصار طلبی و جنگ افروزی، همواره در راستای تأمین آسایش و امنیت شهروندان گام برداشته است. لیکن در این مسیر، موانع و محدودیت‌های بسیار هست. بررسی مجدد دستاوردهای روزاوا، بی‌اغراق، بسیار با آرمانشهر ما فاصله دارد. لیکن بررسی این دستاوردها با علم به مشکلات موجود، تلاش بزرگ زنان و مردان روزاوا را برای ساختن بهشتی میان آتش نمایان خواهد ساخت. لذا در ادامه به بررسی توأمان برخی از مشکلات و دستاوردهای روزاوا می‌پردازیم.

کشاورزی و دامداری

سال‌ها سیاست دولت سوریه در اعمال کشاورزی تک محصولی، باروری خاک زمین‌های کشاورزی روزاوا را کاهش داد. عدم مدیریت صحیح منابع آبی از جانب دمشق، خشکسالی‌های اواخر دهه ۲۰۰۰ میلادی، و حفر غیر اصولی چاه‌ها باعث کاهش سطح آب‌های زیر زمینی شد و علاوه بر آن استفاده از کودهای شیمیایی به اسیدی شدن آب چاه‌ها انجامید. از طرفی هرگز زیرساخت لازم برای فرآوری محصولات یا حتی تولید کود و آفت کش در روزاوا ایجاد نشد و تولید بذر نیز در دست یک شرکت دولتی (سوریه) باقی ماند.

جنگ و اعمال سیاستِ "زمینِ سوخته" توسط دولت اسلامی^{۱۲۶} نیز ضربهٔ مهلکی بر پیکرهٔ کشاورزی روژاوا وارد ساخت. چنانچه بعنوان مثال در کوبانی، پس از چهار سال تجاوز دولت اسلامی، بیش از ۵۰٪ دام و طیور و افزون بر هشتصد هزار اصله درخت از بین رفت و تنها ۱۳٪ از ماشین آلات کشاورزی باقی ماند.^{۱۲۷}

با این حال از ابتدای انقلاب و پیرو ارائهٔ طرح اقتصاد مردمی، تعاونی‌های متعدد کشاورزی شکل گرفت و کشاورزان کشت چند محصولی را آغاز کردند. کمیته‌های اقتصادی کانتون‌ها پروژه‌های کشاورزی مختلفی تعریف نموده و وام‌های بدون بهره را در اختیار کشاورزان و تعاونی‌ها گذاشتند. کنگرهٔ ستار نیز به سازماندهی زنان در تعاونی‌های مختلف پرداخت و دو کارخانهٔ لبنیات در اقلیم جزیره احداث کرد. اتحادیه مهندسين کشاورزی تشکیل شد و پرورش متخصص و برگزاری دوره‌های آموزشی را آغاز نمود. بموازات فعالیت‌های مذکور، احداث مراکز دامپزشکی و قرنطینهٔ مرزی، نظارت بر واردات گوشت و احشام، اجرای برنامه‌های تشخیص و مداوای امراض دام، توزیع واکسن، ایجاد لابراتوارها و... منجر به این شد که طی چند سال، پرورش دام و طیور و تولید محصولات فرعی مربوطه اعم از چرم، پشم، و لبنیات به تجارتی ارزآور تبدیل شود و تا حدودی از بار اقتصادی روژاوا بکاهد.

صنعت و اقتصاد

آنچه از دولت سوریه برای روزاوا به جا ماند، چند کارگاه نساجی، دو سه کارخانه کوچک تولید اسنک، صابون، و محصولات پلاستیکی، چندین تعمیرگاه وسایل نقلیه و چند کارگاه تعمیر و تعویض قطعات ماشین آلات کشاورزی بود. زمانیکه ی.پ.گ توانست یکی دو شهر نسبتاً صنعتی تر را از دولت اسلامی باز پس گیرد، نیز با کارخانه‌های تخریب یا غارت شده مواجه شد. راه اندازی چند کارخانه باقیمانده قابل استفاده هم، بواسطه عدم وجود نیروی متخصص یا نبود مواد و قطعات، میسر نبود.

با وجود اینکه ابزار لازم برای شکوفایی اقتصادی، ایجاد کار و جذب متخصص وجود ندارد، کمیته‌های اقتصادی کانتون‌ها بسختی کار کرده‌اند تا کارگر، مهندس و قطعات یدکی کارخانه‌های مهم تأمین شوند و چندین کارخانه نساجی تولید خود را از سر گیرند. مهندسین و مکانیک‌های حاضر در روزاوا نیز عملکرد بسیار درخشانی در ساخت و تعمیر ادوات جنگی ی.پ.گ ایفا نموده‌اند.

در کنار اقدامات نامبرده، و در راستای طرح اقتصاد مردمی، اتحادیه‌های تجاری و صنعتی مختلف شکل گرفت. تأسیس اتحادیه کارخانجات و کارگاه‌ها، نقش بسزایی در احداث شرکت‌های تولیدی خصوصی و سهامی عام داشته است.

کنگرهٔ ستار در بخش اقتصاد نیز زنان را در قالب ایجاد تعاونی‌ها و مراکز تولیدی همچون کارگاه‌های خیاطی و قلاب دوزی سازماندهی کرد. اینگونه تعاونی‌ها از نظر اندازه و تعداد در حال افزایش است و بازتاب درخشانی در اقتصاد روزاوا داشته که در نوع خود بی‌نظیر است.

کمون‌های اقتصادی در چندین روستا ایجاد شده و در حال توسعه‌اند. این اجتماعات ترکیبی از تعاونی و الگوی کمونال می‌باشند که در آن تمام دارایی‌ها بصورت کمونال و در جهت انتفاع اجتماع سازماندهی شده و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. سیاست‌های تشویقی همچون دریافت مواد مورد نیاز از تعاونی‌ها با قیمت پایین‌تر، استفاده از مهندسين، ابزار و ماشین آلات اتحادیه‌های تجاری و... در پاگرفتن این نهادها بسیار مؤثر بوده است.^{۱۲۸} علاوه بر این، اتخاذ سیاست‌هایی همچون قانونمند کردن امور تجارت و حل مشکلات تجار، تحدید قیمت کالاهای اساسی از قبیل آرد و شکر، ایجاد خدمات رفاه اجتماعی، اعلام حق خودمدیریتی کارگران و... از عوامل مؤثر در ایجاد ثبات اجتماعی و اقتصادی نسبی روزاوا بوده‌اند.

با این حال، عدم وجود زیرساخت‌های صنعتی، روزاوا را شدیداً به واردات وابسته کرده است. از طرفی، تبادلات مرزی فدراسیون، با عراق و سوریه بسیار محدود بوده و تحریم دولت ترکیه که بیش از ۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک با فدراسیون دارد، واردات را با مشکل مواجه ساخته است. اگرچه

این تحریم باعث توسعه بخشی از اقتصاد داخلی روزاوا شده ولی اثرات منفی آن بسیار عمیق تر بوده است.

نفت و برق

علیرغم وجود منابع نفتی، روزاوا با مشکلاتی از قبیل کمبود نیروی انسانی و تجهیزات برای تعمیرات مناسب تأسیسات مربوطه و عدم امکان پالایش و صادرات نفت مواجه است. علاوه بر این، با شروع جنگ، استخراج نفت ۷۰٪ کاهش یافت و منجر به مشکل کمبود سوخت شد.

از آنجا که بنا به سیاست‌های دولت مرکزی، پالایشگاه‌های مدرن در جنوب سوریه تأسیس شده‌اند و در روزاوا تنها تعدادی پالایشگاه بسیار ابتدایی کوچک یافت می‌شود، خودمدیریتی مجبور است بخشی از نفت خام را در ازای دریافت بنزین و گازوئیل به دولت سوریه بفروشد. نگهداری و تعمیرات تأسیسات نفتی موجود نیز با قطعات یدکی بازمانده در انبارها که دهه‌ها از عمر آن‌ها می‌گذرد انجام می‌شود.

با این حال، بدنبال بروز مشکل سوخت و ظهور پدیده‌هایی همچون بازار سیاه و انحصار بازار سوخت، بلافاصله نهادی تحت عنوان "اداره سوخت" تشکیل شد و از طریق هماهنگی با شرکت نفت جزیره، به مدیریت توزیع سوخت و یافتن راه حل‌های عملی برای رفع مشکلات مربوطه پرداخت. این اداره با قانونمند کردن امور پالایشگاه‌های محلی و هماهنگی با صاحبان

آن‌ها برای جلوگیری از انحصاری شدن تجارت مازوت و نفت خام، توانست تا حد قابل قبولی مشکلات موجود را رفع و رجوع کند.

وضعیت تأمین و توزیع منبع دیگر انرژیِ روزاوا، یعنی برق، نیز همواره با بی‌توجهی دمشق همراه بوده است. چنانچه شبکه برق شمال سوریه هیچگاه به نحو مناسب توسعه نیافت و فقط می‌توانست چند ساعت برق در شبانه روز را تأمین کند. پس از انقلاب و تسلط دولت اسلامی بر نیروگاه‌ها، وضعیت بدتر شد و شوراهای تصمیم‌گیرنده تا برای تأمین برق از ژنراتورهای دیزلی استفاده کنند. بدین ترتیب اداره برق کمیته اقتصادی کانتون، بهره‌برداری ژنراتورها را بعهده گرفت. پس از مدتی این مسئولیت به کمون‌ها و شوراهای محله واگذار شد و تنها برق برخی مناطق عمومی در اختیار اداره برق ماند. از آنجا که عدم دسترسی به گازوئیل با کیفیت باعث آسیب دیدگی قطعات دیزل ژنراتورها می‌شود، عدم امکان واردات قطعه منجر به بروز مشکلاتی در زمینه تولید برق دیزلی شده است.

اکنون چند نیروگاه برقایی در اختیار نیروهای دمکراتیک سوریه است و کمیته انرژی وظیفه مدیریت منابع آب و انرژی را بعهده دارد. لیکن کاهش جریان آب فرات، ناشی از اعمال سیاست دولت ترکیه در بالادست رودخانه، بر راندمان این نیروگاه‌ها بسیار تأثیر گذاشته و تأمین برق را با مشکل مواجه ساخته است. خرابکاری تبهکاران دولت اسلامی و عوامل ارتش ترکیه در خطوط توزیع و دکل‌های برق نیز گاه‌ها بر مشکلات می‌افزاید.

دارو و درمان

قبل از انقلاب، حدود هفتصد پزشک در روزاوا مشغول به کار بودند. با آغاز نا آرامی‌ها و خروج تدریجی متخصصین از سوریه به قصد کشورهای دیگر، تا سال ۲۰۱۵ حدود یکصد پزشک برای درمان کل جمعیت روزاوا باقی ماند. تعداد کم پزشکان و جراحان متخصص از معضلات جدی این منطقه جنگ‌زده است. عدم حضور تخصص‌هایی همچون جراح مغز و اعصاب، جراح ارتوپد یا جراح قلب و عروق، باعث شده که تمام جراحی‌ها توسط جراحان عمومی انجام گیرد.

مشکل کمبود نیرو و تخصص، تنها محدود به پزشکان نبوده و شامل سایر کادر درمانی نیز می‌شود. اگرچه آکادمی مزوپوتامیا گام مهمی در راستای جبران کمبود نیروی متخصص برداشته است لیکن هنوز بسیاری از داوطلبانی که مشغول ارائه خدمات پزشکی هستند، تجربه و تحصیلات کافی ندارند.

کمبود دارو و تجهیزات پزشکی از جمله دستگاه‌های تشخیص طبی و آزمایشگاهی، بخش دیگری از مشکلات است. هزینه‌های بالای جنگ مانع از امکان سرمایه‌گذاری مناسب در این بخش می‌شود. علاوه بر آن تحریم روزاوا حتی ارسال کمک‌های انساندوستانه را نیز دشوار ساخته و جان صدها هزار انسان را در معرض خطر قرار داده است. این معضل خصوصاً بیماران دیابتی، بیماران کبدی و افراد مبتلا به فشار خون بالا را تهدید می‌کند.

این کمبودها کارائیِ مراکز درمانی را بشدت کاسته است، چنانچه بدلیل عدم وجود تجهیزات فنی، بعضاً اتاق عمل بیمارستان‌ها قابل استفاده نیست.

جنگ ذاتاً باعث افزایش شمار آسیب دیدگانی می‌شود که نیاز به خدمات درمانی دارند. از طرفی حمله به مراکز درمانی توسط نیروهای متخاصم باعث مجروح و کشته شدن کادر پزشکی و آسیب دیدن تجهیزات و آمبولانس‌ها می‌شود. چنانچه در سال ۲۰۱۳، جبهه‌النصره، سریکانی را اشغال و بیمارستان شهر را غارت نمود. در سال ۲۰۱۴، داعش بیمارستان کوبانی را کاملاً تخریب کرد و بیمارستان آفرین نیز در سال ۲۰۱۸ توسط ارتش ترکیه مورد حمله قرار گرفت. با این حال علیرغم شرایط سخت، تجهیز دوباره بیمارستان سریکانی و احداث بیمارستان جدید کوبانی در دستور کار شوراها قرار گرفت و به انجام رسید. (در زمان نگارش این سطور اطلاعات درستی از آفرین اشغال شده در دست نیست).

هلال احمر کردستان، در زمینه تأمین دارو و کمک‌های بشر دوستانه شوراها سلامت را یاری می‌دهد. شوراها نیز قیمت دارو را کنترل کرده و بر توزیع عادلانه دارو بین مراکز درمانی نظارت می‌کنند.

سمینارها و کارگاه‌های آموزشی با همکاری مربیان بین‌المللی، در خصوص مسائل پزشکی و درمانی بصورت مرتب در مدارس، سرای مردم، سرای زنان و مرکز جوانان برگزار می‌شود و تا بحال هزاران جوان دوره جامع کمک‌های اولیه را گذرانده‌اند.

در شرایط فعلیِ روژاوا، همکاری نهادهای بین‌المللی همچون هلال احمر کردستان و پزشکان بدون مرز بسیار حائز اهمیت بوده است. از جمله اقدامات مؤثر این نهادها می‌توان به بازسازی مراکز درمانی، ایجاد بانک خون، واکسیناسیون، ارائه خدمات روانشناسی، همکاری با مقامات بهداشتی محلی، نظارت، آموزش و بخصوص تأمین دارو اشاره کرد.

محیط زیست

رژیم بعث که در سرتاسر سوریه نسبت به ایجاد جامعهٔ اکولوژیک بی‌توجه بوده، در روژاوا نیز با شدت بیشتر به غارت منابع و نابودی محیط زیست پرداخته است. در بخشی از برنامهٔ ملی ارائه شده توسط کمیون اروپا برای کمک به سوریه ۱۲۹ در سال ۲۰۱۰، عنوان شده است که این کشور با مشکلات زیست محیطی جدی ناشی از طبیعت و یا حاصل فعالیت‌های انسانی روبروست. کمبود آب، آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی، فرسایش خاک، آلودگی هوا، عدم مدیریت و دفع مناسب پسمان‌های جامد، و از بین رفتن تنوع زیستی، از اهم مشکلاتی هستند که نیازمند توجه عاجل بوده و تأثیر مستقیم بر سلامت جامعه و بهره‌وری اقتصادی دارند.

در روژاوا همچون بسیاری از بخش‌های دیگر سوریه، سیستم تصفیه فاضلاب بهداشتی وجود ندارد و هیچ تمهیدی برای تصفیهٔ فاضلاب آن پیش‌بینی نشده است. فاضلاب از لوله‌های فرسوده نشت می‌کند و پارامترهای کیفیت آب نیز بسیار دور از استانداردهای جهانیست. در این

سرزمین کشاورزی صنعتی طی سال‌ها، باعث فرسایش و نابرابری خاک شده و پساب حاصل از آن نیز منابع آب و خاک را آلوده کرده است. پسماند، تنها در حد جمع‌آوری زباله‌ها، و آن هم نه بصورت کامل، مدیریت می‌شود. انبارش پسماندهای جمع‌آوری شده، بدون تفکیک یا اعمال فرآیند خاصی، در مراکز زباله‌رو باز انجام می‌گیرد و در نتیجه آب، خاک و هوا را بشدت آلوده می‌سازد.

یکی از مشکلات روزاوا پس از انقلاب، مربوط به پالایشگاه‌های کوچک محلی است که اثرات منفی بر محیط زیست دارند و باعث شیوع بیماری‌های پوستی و مشکلات تنفسی شده‌اند. عدم امکان صادرات نفت خام و واردات مشتقات نفتی، و در عین حال نیاز مبرم به سوخت، تعطیلی این پالایشگاه‌ها را غیر ممکن ساخته است. چنانچه ممنوعیت کار این پالایشگاه‌ها در منبج باعث بروز نارضایتی شد. لذا تنها راه چاره احداث پالایشگاه‌های مدرن است که آن نیز مشروط به اتمام جنگ و سرمایه‌گذاری کلان می‌باشد.

جنگ پیش از هر چیز، سرمایه‌ای که می‌توانست صرف توسعه و آبادانی شود را می‌بلعد و با تخریب زیر ساخت‌های تأمین‌کننده خدمات عمومی همچون آب آشامیدنی، برق، و... بر معضلات زیست محیطی می‌افزاید. علاوه بر این، آوار و ضایعات ناشی از جنگ، پایگاه‌های نظامی و تأسیسات صنعتی آسیب دیده و بقایای جنگ‌افزارها بصورت جدی سلامت انسان و محیط زیست را تهدید می‌کند.^{۱۳۰}

احداث کمپ‌های پناهجویان یا اسکان موقت خانوارهایی که بنا به ضرورت نظامی جابجا می‌شوند (بعنوان یکی از تبعات جنگ) نیز بر مشکلات زیست محیطی روژاوا افزوده است. مکان یابی احداث این کمپ‌ها (و برچیدن آنها پس از جنگ) بسیار حائز اهمیت است که با توجه به محدودیت زمانی و نبود امکانات، بدرستی انجام نمی‌شود. انتخاب محل نامناسب و نبود امکانات زیر ساختی همچون آب آشامیدنی یا سیستم دفع فاضلاب بهداشتی، ساکنین کمپ را در معرض بیماری‌ها و مواد خطرناک قرار داده، و در بلند مدت به محیط زیست آسیب می‌رساند.

اگرچه شرایط جنگی و محدودیت‌های اقتصادی، مانع از توسعه اکولوژیکی و حرکت بنیادی بسوی اقتصاد پایا شده‌اند، لیکن اقداماتی که در این خصوص، صورت گرفته، با توجه به شرایط، قابل توجه است؛ ارائه آموزش‌های اکولوژیکی، ایجاد چند پارک طبیعی حفاظت شده، احداث چند کارخانه تولید گُمپوست (کود ارگانیک)، جلوگیری از احداث برخی کارگاه‌ها و کارخانه‌های آلاینده، جلوگیری از حفر چاه‌های جدید آب، ایجاد تنوع در کاشت سالانه، ایجاد کمون‌های اکولوژیک و... را می‌توان از جمله این اقدامات دانست.

سازمان‌های بین‌المللی مردم نهاد نیز سهم بسزایی در احیا زیست بوم روژاوا داشته‌اند. جنبش زیست محیطی مزوپوتامیا^{۱۳۱} که سال ۲۰۱۲ بصورت مجموعه‌ای از گروه‌های اکولوژیکی محلی در باکور شکل گرفت، از سال

۲۰۱۵ با ساختار یک جنبش اجتماعی ظاهر شد و در هر سه کانتون روژاوا بشکل شبکهٔ تکامل یافته‌ای از شوراهای اکولوژیک حضور یافت، تا به گفتهٔ یکی از بنیانگذاران جنبش^{۱۳۲} خصیصهٔ اکولوژیکی انقلاب روژاوا را استحکام بخشید.^{۱۳۳} این جنبش در سال ۲۰۱۶ با حمایت وزارت آب و کشاورزی روژاوا و جنبش بین‌المللی غذای آهسته^{۱۳۴} باغ مدرسه‌هایی در چند روستای کوبانی احداث نمود. در این مدارس درختان میوه از قبیل انجیر و انار، عمل آمده و دانش‌آموزان با تنوع زیستی منطقه و نحوهٔ حفاظت از آن آشنا می‌شوند.

انجمن بین‌المللی "روژاواي اکولوژیک" نیز که در سال ۲۰۱۵، توسط اکولوژیست‌های دانمارکی، گردها و هواداران بین‌المللی تشکیل شد، با تمرکز بر "پروژه مدرسهٔ کشاورزی اکولوژیک" سعی داشته تا به توسعهٔ کشاورزی ارگانیک در روژاوا بپردازد.^{۱۳۵}

یکی دیگر از اجتماعات فعال در زمینهٔ محیط زیست، کمون ایترناسیونالیست‌های روژاوا^{۱۳۶} نام دارد که بر آنست تا با مشارکت کمیتهٔ اکولوژی اقلیم جزیره، از طریق راه‌اندازی کمپین "روژاوا را دوباره سبز سازیم"^{۱۳۷} نقش بسزایی در انقلاب اکولوژیکی شمال سوریه ایفا کند. این کمپین از ابتدای سال ۲۰۱۸ با تمرکز بر سه موضوع احداث آکادمی بین‌المللی اکولوژی، احداث نهالستان (به منظور احیای جنگل‌ها)، و حمایت از پروژه‌های اکولوژیکی روژاوا، به راه افتاد. از طریق همین کمپین تاکنون

هزاران اصله نهال و دو هزار درخت از انواع میوه و زیتون کاشته شده است و پروژه احداث سیستم تصفیه فاضلاب خانگی و ساخت یک توربین بادی کوچک نیز در دست اجراست.

حقوق بشر

تمام گزارشات و شواهد مربوط به وضعیت حقوق بشر سوریه، تحت حکومت رژیم بعث، حکایت از این دارد که عملکرد دولت بخصوص در مناطق شمالی شدت غیرانسانی بوده است. علاوه بر سالیان سال نقض گسترده حقوق فردی و اجتماعی کردها همچون تعریب، تبعیض، آسیمیلیسیون، انکار شهروندی، سرکوب زبان و فرهنگ، مصادره زمین به نفع اعراب و... از سال ۲۰۰۴ به بعد، دستگیری فعالان مدنی و سرکوب آزادی‌های سیاسی و فرهنگی شدت افزایش یافت. چنانچه حتی شرکت در مراسم سال نوگردی (نوروز) منجر به زندان و شکنجه می‌شد. بسیاری از سیاستمداران امروز فدراسیون شمال سوریه از کسانی هستند که قبل از انقلاب، بعنوان زندانی سیاسی، حبس و شکنجه را تجربه کرده و جان سالم بدر برده‌اند.^{۱۳۸}

آغاز انقلاب و تسلط کردها بر روژاوا می‌توانست به انتقام خونین کردها بیانجامد، لیکن اتخاذ استراتژی "خط سوم" و پایبندی عملی به اصول کنفدرالیسم دموکراتیک، فصل نوینی در این باب گشود و آن را برای دنیا، بخصوص خاورمیانه، به اتفاق فرخنده‌ای در زمینه حقوق بشر مبدل ساخت.

چنانچه تمام آزادی‌ها و حقوق اساسی مندرج در معاهدات، کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی حقوق بشر، بعنوان بخش تخطی ناپذیر قرارداد اجتماعی، برای همهٔ افراد، بدون در نظر گرفتن جنسیت، عقیده، نژاد و... تضمین شد و این روال در فدراسیون شمال سوریه نیز ادامه یافت.

آغاز جنگ وضعیت حقوق بشر در سوریه را وخیم‌تر نمود. طبق گزارش‌ها و شواهد بسیار، هم رژیم بعث و نیروهای حامی آن، و هم نیروهای مخالف اعم از سلفی‌ها، ارتش آزاد و دولت ترکیه نسبت به نقض گستردهٔ حقوق بشر و جرائم جنگی در روژاوا (و بخش‌های دیگر سوریه) اقدام کرده‌اند.

در این بین، برخی گزارش‌ها نیز می‌گویند که پ.گ و نیروهای دمکراتیک سوریه (ق.س.د) را با اتهامات جدی اقدام به کوچ اجباری^{۱۳۹} و پاکسازی قومی^{۱۴۰} مواجه ساخته‌اند. لیکن "کمیسیون مستقل بین‌المللی تحقیقات سازمان ملل متحد دربارهٔ جمهوری عربی سوریه" در گزارش ماه مارس ۲۰۱۷، به طور قطعی، ی.پ.گ و ق.س.د را از هر گونه اتهامی مبنی بر پاکسازی قومی، کوچ اجباری یا تبعیض مبتنی بر نژاد یا فرقه، مبری دانست.^{۱۴۱} چراکه هدف نیروهای ی.پ.گ/ق.س.د نه کوچ اجباری به منظور پاکسازی قومی، بلکه کوچ موقت بنا به ضرورت نظامی و محافظت از غیر نظامیان بوده است. کما اینکه پس از تثبیت امنیت و انجام اقداماتی نظیر مین روبی، خنثی‌سازی تله‌های انفجاری و... اجازه داده می‌شود تا ساکنین به زادگاه خویش

بازگردند. همچنین در برخی از این جابجایی‌ها خانوارهای کُرد نیز حضور داشته و مستثنی نبوده‌اند.^{۱۴۲}

بدیهی است که نیروهای ق.س.د نیز اشتباهاتی مرتکب شده و در موارد معدودی به رفتار خارج از موازین بین‌المللی جنگی مبادرت ورزیده‌اند. لیکن این موارد بلافاصله با عکس‌العمل مقامات ارشد روبرو شده و پس از تحقیق و بازجویی و اثبات جرم مورد پیگیری قانونی قرار گرفته است.^{۱۴۳} در ژوئن ۲۰۱۴ دیدبان حقوق بشر گزارشی ارائه داد که مواردی از سوء رفتار، بازداشت خودسرانه، محاکمه ناعادلانه و استفاده از کودکان سرباز (از سال ۲۰۱۲ به بعد) توسط نیروهای روژاوا را گوشزد می‌کرد.^{۱۴۴} در گزارش مذکور تأکید شده که "نقض حقوق بشر توسط حزب اتحاد دمکراتیک و نیروهای امنیتی آن خفیف و محدود بوده ولیکن جدیست."

در همان سال ی.پ.گ هر سه تعهدنامه فراخوان ژنو^{۱۴۵} یعنی؛ "پابندی به ممنوعیت کامل مین‌های ضد نفر و همکاری در عملیات مین"، "ممنوعیت خشونت جنسی در منازعات مسلحانه و از بین بردن تبعیض جنسیتی" و "حفاظت از کودکان در برابر اثرات سوء منازعات مسلحانه" را امضا نمود و بلافاصله ۱۴۹ تن از سربازان زیر ۱۸ سال، را مرخص کرد. همچنین بیست و هشت نفر از نیروهای آسایش با همکاری سازمان فراخوان ژنو، در دوره "استاندارهای بین‌المللی و معیارهای بشردوستانه در راهبری عملیات امنیتی و اجرای قانون" تعلیم دیدند.

این سازمان در سال ۲۰۱۵ دوره‌هایی را در خصوص معیارهای بشردوستانه برای فرماندهان ی.پ.گ برگزار نمود و پس از صدور فرمان ی.پ.گ مبنی بر ممنوعیت مشارکت افراد زیر ۱۸ سال در عملیات جنگی، شورایی از فعالان و وکلای کُرد شکل گرفت تا بر اجرای تعهدنامه "حفاظت از کودکان در برابر اثرات سوء منازعات مسلحانه" نظارت کند. مکانیسم نظارتی و برگزاری دوره‌ها، در سال بعد نیروهای ق.س.د را در بر گرفت و تاکنون نیز ادامه دارد.^{۱۴۶}

تهیه‌کننده گزارش دیدبان حقوق بشر، فرد آبراهام،^{۱۴۷} اذعان می‌دارد که تشکیلات فدراسیون دمکراتیک شمال سوریه انتقادپذیر بوده و گام‌های قاطعی در راستای رسیدگی به مشکلات برداشته‌اند. وی خاطر نشان می‌سازد که آن‌ها در حال تجربه‌گذار از یک "جنبش" بسوی یک "حکومت" هستند که نماینده همه مردم باشد.^{۱۴۸}

علاوه بر تلاش برای رعایت حقوق بشر در شرایط جنگی، روزاوا از نظر جنبه‌های مدنی و اجتماعی حقوق بشر نیز به دستاوردهای مهمی رسیده است؛

قانون منع چند همسری، منع اجبار در ازدواج زنان، فراهم نمودن پشتوانه قانونی ازدواج مدنی، ممنوعیت مجازات مرگ، آزادی دسترسی به رسانه‌های بین‌المللی، آزادی دسترسی به سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، تحصیل

طرح روزاوا . ۹۱

به زبان مادری، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی مشارکت سیاسی^{۱۴۹}
نمونه‌هایی از دستاوردهای انقلابی روزاوا در این زمینه‌اند.

۹۲ . روژاوا سرزمینِ زرد، سرخ، سبز

موانع طرح

از آنجا که پروژه کنفدرالیسم دمکراتیک، محدود به یک قوم، ایدئولوژی یا کشور نبوده و در بر گیرنده ذینفعان متعدد منطقه‌ای و جهانی است، در مسیر خود با موانع بسیاری روبرو می‌شود.

طرح روژاوا نیز بر همین منوال با موانع متعددی روبروست که در این بخش به تعدادی از آنها اشاره خواهیم کرد.

تحریم رسانه‌ای

سیاست رسانه‌های جریان اصلی در مواجهه با جنبش آزادیخواهی مبتنی بر کنفدرالیسم دمکراتیک عبارتست از سانسور، تبعیض خبری یا انتشار جهت دار اخبار که با هدف اخلال در اطلاع‌رسانی اعمال می‌شود تا مردم را از همراه شدن با جنبش و مشارکت در پروژه باز دارد.

این سیاست تنها منحصر به جنبش آزادیخواهی نیست و در دنیای رسانه می‌توان مثال‌های بیشماری از آنها را تشخیص داد. لیکن تشخیص این تاکتیک‌های رسانه‌ای نیازمند دقت نظر و دسترسی به اطلاعات جامع و صحیح از طریق رسانه‌های آزاد است که عموماً تحت الشعاع رسانه‌های جریان اصلی واقع می‌شوند.

نمونه‌ای چند از تاکتیک‌های مذکور، توسط مؤلف در حد حوصله کتاب و صرفاً جهت آشنایی خوانندگان، از رسانه‌های مختلف استخراج شده‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

جداول مندرج در پیوست شماره ۵، نتایج حاصل از جستجوی سه عبارت "روژاوا"، "منطقه خودمختار تبت" و "نوار غزه" را در بازه‌های زمانی یکسان، میان روزنامه‌های مختلف جهان نشان می‌دهد. هرچند شدت حملات، تعداد تلفات، حجم تخریب، پیامدهای انسانی، تبعات منطقه‌ای و جهانی و پیچیدگی جنگ روژاوا اصلاً با اختلافات تبت یا منازعات نوار غزه قابل قیاس نیست، اما چنانچه ملاحظه می‌شود، حوادث نوار غزه بخوبی در روزنامه‌ها انعکاس می‌یابد، ولی انعکاس مطالب مرتبط با روژاوا بعضاً از پوشش خبری منطقه خودمختار تبت نیز کم‌رنگ‌تر است.

مطابق اولین جدول، در سه روزنامه از نه روزنامه پُرتیراژ جهان، اصلاً اشاره‌ای به عبارت "روژاوا" نشده و در میان شش روزنامه دیگر، فقط روزنامه انگلیسی گاردین عبارت "روژاوا" را بیش از "منطقه خودمختار تبت" بکار برده است. در روزنامه کشورهای چین، روسیه، و کوبا (جدول سوم) نیز تقریباً نامی از روژاوا نمی‌بینیم.

با مقایسه جداول دوم و چهارم، می‌توان دریافت که در مجموع، روزنامه‌های اروپایی بیشتر از روزنامه‌های خاورمیانه عبارت روژاوا را منعکس کرده‌اند و با این حال هنوز فاصله زیادی با نوار غزه دارد. حتی روزنامه ایرانی ایران،

الرأی اردن، و الثوره یمن طی هفت سال اخیر، اصلاً اشاره‌ای به روزاوا نکرده‌اند و الاهرام مصر نیز تنها یکبار از آن نام برده است.

تحریم رسانه‌ای اخبار روزاوا و به تبع آن سکوت نهادهای بین‌المللی در قبال حمله دولت ترکیه به آفرین، باعث شد تا ۹ ماه بعد از حمله به آفرین، در تاریخ ۲۸ اکتبر ۲۰۱۸ (یک روز پس از نشست سران کشورهای روسیه، آلمان، فرانسه و ترکیه در استانبول برای بحث بر سر سوریه) دولت متجاوز ترکیه، اقلیم فرات (کوبانی) را آماج حمله قرار دهد. خبر تجاوز مجدد ترکیه به سوریه، جز در محدود روزنامه‌هایی، در بسیاری از روزنامه‌ها، منجمله پر تیراژترین روزنامه‌های آمریکا و بریتانیا سانسور شد. نکته جالب توجه اینکه در آن تاریخ روزنامه اطلاعات ایران هیچ اشاره‌ای به تجاوز ترکیه به خاک سوریه نکرده است و در عوض دو عنوان خبری زیر را در صفحه اخبار خارجی آن می‌توان دید:

"بمباران گسترده غزه توسط جنگنده‌های رژیم صهیونیستی" و "۱۵ هزار تروریست «پ.ک.ک» طی ۳ سال به دست نیروهای مسلح ترکیه کشته شده‌اند."

در روز پنجشنبه اول نوامبر ۲۰۱۸ (مصادف با روز جهانی همبستگی با کوبانی) دختر شش ساله کُرد به نام سارا در حوالی گُری‌سپی با شلیک مستقیم سربازان ارتش ترک از ناحیه سر مورد اصابت قرار گرفت و کشته شد.^{۱۵۲} این حادثه مقارن بود با فوت آمل، دختر هفت ساله یمنی، که بر اثر

سوء تغذیه، جان سپرد. ۱۵۳ نتایج بررسی بیست و پنج روزنامهٔ پرتیراژ هفده کشور از تاریخ بیست و هشتم اکتبر الی سوم نوامبر (پیوست ۵) نشان می‌دهد که در هیچ یک از روزنامه‌ها خبری از سارا انعکاس نیافته است در حالیکه خبر فوت امل در صدر اخبار رسانه‌های بسیاری قرار گرفت.

انتشار جهت دار یا تحریف خبر، نیز بخش دیگری از تحریم رسانه‌ای را در بر می‌گیرد که نمونه‌های شایع آن در رسانه‌های مختلف قابل مشاهده است. از جمله اینکه در رسانه‌های راست‌گرای ترکیه اصطلاحات پ.ی.د یا ی.پ.گ همواره با صفت "تروریست" همراه بوده و طبعاً اخبار تحریف شده به آنان نسبت داده می‌شود. همزمان برخی از رسانه‌های دیگر کشورها نیز این اخبار را عیناً با همان ترکیب به خوانندگان خود منعکس می‌کنند. بعنوان نمونه‌ای دیگر، مقالهٔ خبرگزاری فارس به تاریخ ۱۳۹۷/۶/۱۵ با عنوان "تشکیل سیستم خودمدیریتی شمال و شرق سوریه" در جاییکه از قول امینه عمر، رئیس مشترک مجلس دمکراتیک سوریه، به "هماهنگ کردن خدمات در بین مناطق" اشاره می‌کند، آنرا بصورت "هماهنگ کردن خدمات در بین مناطق (کُردی)" نشان می‌دهد.^{۱۵۴} تا انقلاب روزاوا را به یک جنبش قومی محدود سازد.

جنگ

در حالیکه روزاوا از همان ابتدا درگیر جنگ‌های جسته گریخته با نیروهای دولتی و حل و فصل اختلافات داخلی بود، نیروی متجاوز بی‌نام داعش، در

سال ۲۰۱۳ وارد معرکه شد. وقتی نقشه دولت ترکیه برای به زانو درآوردن روزاوا از طریق داعش، با مقاومت بی نظیر زنان و مردان مبارز نیروهای مدافع خلق به شکست انجامید و فدراسیون شمال سوریه توسعه یافت، ارتش ترکیه رأساً در سال ۲۰۱۵ حمله به مواضع ی.پ.گ را آغاز نمود و متعاقباً در سال ۲۰۱۶ با شروع عملیات سپر فرات، رسماً به مداخله در شمال سوریه پرداخت.

پیشرفت روزاوا و بخصوص کانتون آفرین بعنوان مدلی موفق از خودمدیریتی غیر دولتی و همزیستی اقوام مختلف، در همسایگی ترکیه که آزمون مشابهی را در باکور به خاک و خون کشید،^{۱۵۰} برای رژیم مذکور قابل تحمل نبود و لذا ارتش ترکیه به همراه مزدوران سوری تحت حمایت خود، در سال ۲۰۱۸ به کانتون آفرین حمله کرد.

روزاوا کماکان در حال جنگ پر هزینه برای دفاع از کیان خویش است. لذا منابعی که می توانست صرف پروژه های اجتماعی و اقتصادی شود، ناگزیر باید به جنگ اختصاص یابد.

جوانانی که می توانند به کسب دانش یا مهارت پرداخته و بصورت مؤثر در امور عمرانی، اقتصادی، فرهنگی یا اجتماعی مشارکت داشته باشند، باید کمبود نیرو در جبهه جنگ را جبران کنند. علاوه بر این، تلفات انسانی، معلولیت های جسمی، آسیب های روانی، مهاجرت، و فرار ناشی از جنگ

نیز پروژه‌ها و مراکز تولیدی و خدماتی را با کمبود منابع انسانی مواجه می‌سازد.

جنگ باعث انهدام تجهیزات و تخریب زیرساخت‌ها می‌شود. تأمین دوباره تجهیزات و بازسازی زیر ساخت‌ها هزینه‌های قابل توجهی را به روژاوا تحمیل می‌کند. علاوه بر این، زیر ساخت‌های ارتباطی، درمانی، آموزشی و... نقش مهمی در ساختار اجتماع ایفا نموده و آسیب دیدن آن‌ها باعث بروز مشکلات ثانویه همچون شیوع بیماری و بیسوادی خواهد شد که برطرف نمودن آن‌ها نیز هزینه‌های خود را می‌طلبد.

وقتی بیش از ۷۰٪ بودجه روژاوا صرف جنگ می‌شود،^{۱۵۶} پول زیادی برای احداث نیروگاه، پالایشگاه، بیمارستان، دانشگاه، کارخانجات بزرگ و... باقی نمی‌ماند. اتمام جنگ پیش نیاز بازسازی و اجرای کامل برنامه اقتصادی روژاوا است.

محاصره اقتصادی

تجارت مرزی یکی از ارکان اقتصاد روژاوا محسوب می‌شود. بدلیل عدم وجود صنایع نفتی پایین دستی و کارخانجات فراوری محصولات خام، تبادلات تجاری مرزی برای روژاوا بسیار حائز اهمیت است. روژاوا باید موادی از قبیل نفت خام، گاز طبیعی، دام و محصولات کشاورزی را صادر کند تا بتواند فرآورده‌های نفتی، مواد مصرفی، مصالح ساختمانی، قطعات خودرو و بسیاری اقلام دیگر را وارد نماید.

فدراسیون شمال سوریه (در زمان نگارش این سطور) از شمال با ترکیه، از جنوب با بخش‌های دیگر سوریه، و از شرق با اقلیم کردستان هم مرز است. با عقب راندن داعش در سال گذشته نیز، کریدوری بین فدراسیون و عراق گشوده شد.

حجم واردات از طریق گذرگاه مرزی شمالکاکا^{۱۵۷} (فیشخابور)، معبر تجاری میان اقلیم کردستان و روژاوا، در حد پنج کامیون در روز بوده که محدود به برخی محصولات غذایی، وسایل کوچک الکترونیکی و پوشاک می‌باشد و اقلام ضروری همچون تجهیزات پزشکی یا مواد مورد نیاز برای توسعه زیرساخت‌ها را شامل نمی‌شود. همین کالاهای محدود نیز بدلیل عوارض مرزی سنگین، با قیمت بسیار گران به روژاوا می‌رسند. گذرگاه مذکور بعضاً بدلائل مختلف، از جانب حکومت اقلیم کردستان بسته می‌شود.

داد و ستد بین فدراسیون و قسمت‌هایی از سوریه که خارج از کنترل رژیم بعث است، بواسطه شرایط جنگی، مقطعی و محدود بوده و از نظر حجم مبادلات قابل توجه نیست. اقلامی که از این طریق به روژاوا می‌رسد نیز قیمت‌های گزافی دارند.

تجارت با دولت دمشق هم بصورت محدود و منقطع وجود داشته است. قسمت عمده این داد و ستد، در کانتون آفرین (بدلیل نزدیکی به حلب) انجام می‌شد و قرار بود با عقب راندن شورشیان تحت حمایت ترکیه تا منبج

توسعه یابد. لیکن با تسخیر آفرین توسط ارتش اشغالگر ترکیه، این برنامه عملی نشد.

با وجود بی‌ثباتیِ اوضاع سیاسی - اقتصادیِ سوریه، عراق و اقلیم کردستان، باز بودن مرزهای شمالی می‌توانست تأثیر بسزایی در رونق و شکوفایی روزاوا داشته باشد. لیکن دولت ترکیه برای اعمال فشار و جلوگیری از شکل‌گیری الگوی روزاوا، از سال ۲۰۱۱، گذرگاه‌های مرزی را بر روی کُردها، پناهندگان، فعالین، و کمک‌های ارسالی بست. حتی در زمان حمله داعش به کوبانی، که نیروهای داعش از خاک ترکیه برای حمله به کوبانی استفاده می‌کردند و مجروحان جنگی داعش در بیمارستان‌های ترکیه مداوا می‌شدند،^{۱۵۸} دولت ترکیه اجازه نمی‌داد هیچگونه کمکی به نفع مردم و مدافعان کوبانی از مرز عبور کند. در ژانویه ۲۰۱۶ سرتاسر مرز بسته شد و اکنون دیوار مرزی مجهز به دوربین و سنسور، هرگونه تردد را با گلوله پاسخ می‌دهد. بدین ترتیب دولت ترکیه تحریمی فراتر از محاصره اقتصادی به روزاوا تحمیل می‌کند. به نحویکه نه تنها تردد تجار و کالا بلکه حتی تردد امداد رسان‌ها، خبرنگاران، دریافت دارو، کمک‌های بشردوستانه و... را نیز از طریق مرزهای ترکیه ناممکن می‌سازد.

عدم حمایت بین‌المللی

دخالت دولت‌های خارجی در بحران سوریه ابتدا با حمایت دیپلماتیک از طرف‌های درگیر آغاز شد، سپس با حمایت مالی، و بعد حمایت نظامی

ادامه یافت. بدین ترتیب در طول هفت سال جنگ، هر یک از طرف‌های درگیر، بجز جبهه سوم، از حمایت یک یا چند دولت خارجی برخوردار بود.

در این بین، آمریکا اگرچه نیروهای سوریه دموکراتیک را متحد خویش می‌خواند و حضور آمریکا تأثیر بسزایی در شناسایی غیر رسمی (دوفاکتو) فدراسیون شمال سوریه داشته است، لیکن رابطه روزاوا با آمریکا را می‌توان نوعی همکاری بر ضد دولت اسلامی (و نه حمایت) نامید.

آمریکا از طریق ارائه خدمات لجستیکی برای ارتش آزاد سوریه، وارد بحران سوریه شد و سازمان سیا در سال ۲۰۱۳، آموزش، تأمین مالی و پشتیبانی اطلاعاتی این نیروها را نیز بعهدہ گرفت. با ظهور داعش، آمریکا بر سیاست ضد داعش تمرکز نمود و قرار شد گروه‌های مسلح مخالف داعش، بجز ی.پ.گ را تقویت کند. پیرو همین سیاست، در سال ۲۰۱۴ برای گروه‌های اسلامی ضد داعش^{۱۵۹} اسلحه ارسال نمود و حملات هوایی ائتلاف آمریکایی ضد داعش آغاز شد.

زمانی که مبارزان ی.پ.گ و ی.پ.ژ با گلوله تفنگ در برابر تانک‌های داعش مقاومت می‌کردند و جنگ تن به تن در کوچه‌های کوبانی جریان داشت و هر روز جوانان مبارز بسیاری در راه دفاع از روزاوا جان می‌دادند، اولین حمله هوایی ائتلاف به مواضع داعش در کانتون کوبانی، دوازده روز پس از حمله گسترده این گروه سلفی به کوبانی انجام شد.^{۱۶۰}

در اواخر سال ۲۰۱۵ حدود پنجاه نفر از نیروهای عملیات ویژه آمریکا روانه فدراسیون شمال سوریه شدند تا به گفته سخنگوی کاخ سفید، کردها و اعراب را از نظر لجستیکی در مبارزه علیه داعش یاری دهند.^{۱۶۱} همکاری نیروهای دمکراتیک سوریه با آمریکا در مقابل داعش تا به امروز نتایج درخشانی در پی داشته است. ولی متعاقب حمله ترکیه به اقلیم آفرین در اوایل سال ۲۰۱۸، آمریکا هیچ نوع حمایتی از فدراسیون نکرد و حتی در اواخر سال، پس از توافق با آنکارا، خروج نیروهای خود از شمال سوریه را آغاز نمود.^{۱۶۲}

هدف آمریکا از حضور در سوریه، ابتدا حمایت از ارتش آزاد، سپس انهدام داعش و نهایتاً جلوگیری از نفوذ ایران در سوریه^{۱۶۳} عنوان شده و هیچگاه به قصد حمایت از جبهه سوم نبوده است.

نبرد کوبانی، عملیات سپر فرات، عملیات شاخه زیتون و اشغال آفرین و... بارها و بارها این مثل قدیمی را از نو نوشت که "کردها دوستی جز کوهها ندارند."

عدم حمایت (سیاسی، مالی، نظامی) کشورهای جهان، مانعی مهم در مسیر پیشرفت طرح روزاواست که خود باعث بروز موانع و مشکلات بسیار دیگر می شود.

اصطکاک عناصر داخلی

در خلال جنگ سوریه، از میان قبایل عربی، تنها قبیله شمر به کردها پیوست. عمده قبایل جانب اپوزسیون یا دولت اسلامی را گرفتند و مابقی یا به دولت وفادار مانده^{۱۶۴} و یا موضع بیطرف اتخاذ کردند. در این بین، ترکیه چهل و پنج گروه از قبائل دیرالزور، حسیچه و رقه، را تحت عنوان "ارتش قبایل شرقی" برای مقابله با روزاوا مسلح نمود^{۱۶۵} و ایران نیز قبیله "طیء" ساکن در اقلیم جزیره را تحت عنوان "نیروهای المغاوير" به حمایت از دولت اسد سازماندهی کرد.^{۱۶۶}

با وجود اینکه درگیری‌هایی میان قبایل عرب و ی.پ.گ رخ داده است، کردها همواره تلاش کرده‌اند اعراب را به مشارکت بیشتر در شوراها تشویق نموده و اوضاع را تثبیت کنند. لیکن ذهنیت قبیله گرا مانع از تعامل درست این قبایل با فدراسیون روزاوا شده است.

مانع دیگر در مسیر طرح روزاوا، ترکمنهای تحت لوای دولت ترکیه می‌باشند. ترکمنها که بعنوان سومین گروه قومی سوریه، همچون سایر اقلیت‌ها توسط رژیم بعث مورد ظلم و تبعیض قرار گرفته بودند، با شروع انقلاب، توسط ترکیه تأمین مالی و نظامی شدند^{۱۶۷} و ضمن تشکیل لشکر سلطان مراد در جبهه ارتش آزاد سوریه، احرارالشام و جبهه النصره، صف آرائی کردند. اگرچه بخشی از نیروهای ترکمن (گردان سلاجقه) بعدها به

ی.پ.گ پیوست، نمی‌توان نقش ترکمنهای ساکن روزاوا^{۱۶۸} را در نفوذ ترکیه به کانتون آفرین نادیده گرفت.

تا وقتی که دولت ترکیه برای رسیدن به اهداف خود و نفوذ در سوریه از طریق نیروهای ترکمن، تمام تلاش نظامی، سیاسی، و تبلیغاتی خود را بکار می‌گیرد، همراهی این نیروها با فدراسیون شمال سوریه بعید به بنظر می‌رسد.

یکی از موانع دیگر طرح روزاوا، در قالب احزاب وابسته به اقلیم کردستان جای گرفته است. این احزاب به اپوزسیون سوری پیوسته^{۱۶۹} و با سیاست‌های دولت ترکیه در جهت تضعیف انقلاب روزاوا همراستا شده‌اند. دولت ترکیه نیز از این موضوع بهره‌برداری تبلیغاتی گسترده نموده و ظاهراً نیرویی متشکل از این گروه‌ها تحت عنوان "تیپ شاهین‌های کُرد" به جنگ با انقلاب روزاوا در آفرین گسیل داشته است.^{۱۷۰} هرچند تعداد این نیروها ناچیز بوده و توان آن‌ها وابسته به حمایت دولت ترکیه است، لیکن نمی‌توان تأثیر منفی آن بر روزاوا را نادیده گرفت.

عکس‌العمل آشوریان نیز در مقابل طرح روزاوا، متفاوت است. درحالی‌که تعداد قابل توجهی از آن‌ها در شورای نظامی سربانی، ی.پ.گ و سایر گروه‌های اجتماعی حضور فعال دارند، برخی به نیروهای مسلح آشوری طرفدار دولت^{۱۷۱} پیوسته، و بعضی نسبت به انقلاب روزاوا موضع محافظه کارانه اتخاذ کرده‌اند.

از آنجا که بطور کلی، مسیحیان در دوران رژیم بعث از امنیت و آزادی نسبی برخوردار بوده و وضعیت اقتصادی بهتری داشته‌اند، تمایل ایشان به حکومت اسد طبیعی بنظر می‌رسد. لیکن این موضوع تاکنون، ممانعت جدی در اجرای طرح روزاوا ایجاد نکرده است.

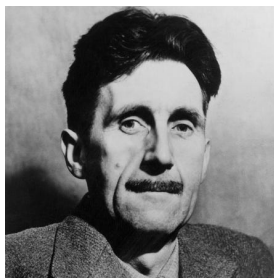
موانع داخلی تنها محدود به عناصر قومی و قبیله‌ای نیست. چنانچه دست اندر کاران بازار سیاه، ملاکین و سرمایه‌داران نیز در برابر پلان اقتصادی روزاوا مقاومت می‌کنند. همچنین برخی زمینه‌های فرهنگی همچون بیسوادی، خشک‌اندیشی، ناموس پرستی و... را می‌توان از موانع حائز اهمیت در برابر پلان‌های اجتماعی دانست. علاوه بر این، عدم درک صحیح مفاهیمی همچون ملت دمکراتیک، برابری جنسیتی، دفاع ذاتی و... و حضور نگرش دولت-ملتی در اعماق ذهن افراد، می‌تواند حتی مجریان طرح روزاوا را نیز به مانعی در برابر پیشرفت پروژه تبدیل کند. چنین موانعی در حال حاضر بسیار تحت تأثیر شرایط جنگی واقع شده و لذا اثرات واقعی خود را آشکار نساخته‌اند. لیکن هرکدام موضوع تحقیقی کامل است و باید در جای مناسب مورد بررسی قرار گیرند.

۱۰۶ . روژاوا سرزمینِ زرد، سرخ، سبز

مقایسه جنبش‌ها

"مادام که در روی زمین مناطق آزاد هست، سنن آزادیخواهی زنده خواهد ماند."

اریک آرتور بلر، ۱۹۳۸، درود بر کاتالونیا



جنبش آزادیخواهی گُرد و انقلاب روژاوا، بی‌شک نقاط مشترک بسیار با سایر حرکت‌های آزادیخواه در جهان دارد. لیکن هر یک از جنبش‌ها ویژگی‌های منحصر بفرد خود را داراست و توجه به وجه تمایز این حرکت‌ها بسیار حائز اهمیت است.

چون بعضاً انقلاب روژاوا با جنبش آنارشیستی اسپانیا در زمان جنگ داخلی آن کشور و یا نهضت زاپاتیستی مکزیک مقایسه می‌شود، در این بخش به ارائه‌ی اجمالیِ شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها می‌پردازیم.

بررسی و مقایسه‌ی جنبش‌ها بصورت شرح مختصری متناسب با قواره‌ی کتاب حاضر ارائه شده‌اند و مطالعات کاملتر را به خواننده واگذار می‌کنم، با تأکید بر اینکه در هر حال نباید تفاوت در زمان، سابقه‌ی تاریخی، فرهنگ، موقعیت ژئوپولیتیکی، بازه‌ی زمانی رخدادها، شرایط جهانی و... را از نظر دور داشت.

کاتالونیای انقلابی

کاتالونیا، یکی از بخش‌های خودمختار در شمال شرقی اسپانیاست، که اوایل قرن بیستم به رشد صنعتی قابل توجهی رسید. حضور دو میلیون نفر کارگر در این منطقه صنعتی، منجر به شکل‌گیری اتحادیه‌های کارگری قدرتمندی شد.

با بروز انقلاب اجتماعی کارگری مقارن با آغاز جنگ داخلی اسپانیا در سال ۱۹۳۶ که با کودتای نظامیان راستگرا (ملی‌ها) بر علیه دولت (جمهوری خواهان) آغاز شد، بخش‌هایی از منطقه خودمختار کاتالونیا به کنترل آنارکو-سندیکالیست‌های کنفدراسیون ملی کار (س.ن.ت) و مبارزان فدراسیون آنارشیست ایبری (ف.ا.ی) درآمد. انقلابیون تصمیم گرفتند تا دولت کاتالان را سرنگون نکنند. بدین ترتیب یک قدرت دوگانه بر کاتالونیای انقلابی حاکم شد. یکی قدرت رسمی دولت کاتالان (وابسته به مادرید) و دیگری قدرت واقعی اتحادیه‌های کارگری (وابسته به س.ن.ت و ف.ا.ی).

از نظر آنارکو-سندیکالیست‌ها، اتحادیه‌های کارگری هم ارگان نظامی بودند و هم محور جامعه آزاد آینده. پس هدف، مبارزه طبقاتی برای به قدرت رسیدن طبقه کارگر بود. لذا نخستین گام‌ها در جهت تشکیل دولت کارگری برداشته شد؛ بسیاری از کارخانه‌ها و بخش اعظم سامانه حمل و نقل به کنترل اتحادیه‌ها درآمد. مدیریت کارخانه‌ها، به کمیته‌های کارگری واگذار شد. ساختمان‌ها، مزارع، ماشین‌آلات، وسایل حمل و نقل و... تحت مالکیت

اجتماعی قرار گرفت و نیروی شبه نظامیِ کارگری (میلیشای کارگری) گسترش یافت.

این خصلت سندیکالیستیِ کارگری، ویژگی بارز کاتالونیای انقلابی است که آنرا از روزاوا متمایز می‌سازد. در روزاوا، بر خلاف کاتالونیا، مبارزهٔ طبقاتی در جریان نیست و در کنفدرالیسم دموکراتیک، ملت بدون طبقه یعنی ملت دموکراتیک تعریف می‌شود.

خسونت انقلابیِ کاتالونیا نیز در انقلابِ روزاوا دیده نمی‌شود. برخلاف کاتالونیای ۱۹۳۶ که هزاران شهروند بدلیل وابستگی سیاسی (به جناح‌های مخالف) یا طبقهٔ اجتماعی‌شان اعدام شدند، در روزاوا حکم اعدام وجود ندارد و هیچ کس بواسطهٔ گرایش سیاسی مورد پیگرد یا آزار قرار نمی‌گیرد. یکی دیگر از تفاوت‌های این دو انقلاب را می‌توان در کیفیت مبارزه یافت. سابقهٔ مبارزاتیِ آنارشویست‌های کاتالونیا تا قبل از انقلاب عموماً محدود به اعتصابات کارگری و زدوخوردهای خیابانی بود. با آغاز جنگ و تشکیل گروه‌های مسلح کارگری نیز این ارتش کارگری هیچ گونه سابقهٔ جنگی نداشت و عدم آشنایی به مهارت‌های جنگی باعث بی‌نظمی و تلفات زیاد شد. حال آنکه انقلابِ روزاوا بعنوان میراث دار چندین دهه مبارزهٔ مسلحانهٔ جنبش آزادیخواهی‌گرد، در سازماندهی نیروهای جنگی مؤثر، بسیار موفق‌تر بوده است.

از دیگر سو، آنارشیزم به مفهوم "یک سیستم تفکر اجتماعی با هدف ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در ساختار جامعه، و بخصوص جایگزینی حکومت خودکامه با شکلی از همکاری غیردولتی میان افراد آزاد"^{۱۷۳} حلقه مشترک انقلاب کاتالونیا و روزاوا محسوب می‌شود. چنانچه در کاتالونیای انقلابی نیز تصمیم‌گیری‌ها، از پایین به بالا و بدون بروکراسی، از طریق شورای شهروندان صورت می‌گرفت و در برخی نقاط کمون‌های مستقل آنارشیستی تشکیل شد.

یکی از اتفاقات قابل توجه کاتالونیای انقلابی، ظهور جنبش آنارکو-فمینیستی زنان آزاد بود که مبارزه برای آزادی زنان را به اندازه مبارزه برای انقلاب اجتماعی مهم میدانست. عکس‌های سیاه و سفید از زنان تفنگ بدست آن دوران، بی‌اختیاری پ.ژ را در ذهن تداعی می‌کند. اما باید به یاد داشت که آنارکو-فمینیسم زنان آزاد، جنبشی بموازات انقلاب کاتالونیا بود، در حالیکه فمینیسم یکی از ارکان کنفدرالیسم دمکراتیک به شمار می‌رود و انقلاب روزاوا بر آن استوار است. زنان روزاوا از سنگرها، کمون‌ها و تعاونی‌ها گرفته تا بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در اتاق فرماندهی جنگ و مجلس خلق، هم‌تراز با مردان حضور دارند.

موضوع قابل تأمل دیگر، شباهت موضع کشورهای جهان در مقابل کاتالونیای انقلابی و انقلاب روزاوا، به رغم تفاوت‌های بنیادی این دو رخداد است.

در جنگ اسپانیا، دولت وقت مسکو، یعنی اتحاد جماهیر شوروی، جانب دولت (مادرید) را گرفت و مبارزهٔ غیر کمونیست‌ها اعم از آنارشیست‌ها، سازمان‌دهندگان اتحادیه‌های کارگری، و... را که عمدتاً در کاتالونیا می‌جنگیدند، به نفع دولت جمهوری خنثی ساخت. اعمال این سیاست، جبههٔ جدیدی مقابل کاتالونیای انقلابی گشود و کمونیست‌ها ظرف کمتر از یکسال موفق به حذف خصائص آنارشیستی کاتالونیا شدند. به همان ترتیب، امروز هم مسکو به کمک دولت (دمشق) آمده است و به راحتی روزاوا را با دمشق و ترکیه معامله می‌کند.

همانطور که هشتاد سال پیش، ارتش فاشیستی اسپانیا با کمک نظامی آلمان و ایتالیا به دمکراسی تاخت، امروز ترکیهٔ فاشیستی با تانک‌های آلمانی و هلیکوپترهای ایتالیایی به آفرین حمله می‌کند. انگلیس و فرانسه که در جنگ اسپانیا سیاست عدم مداخله را پیش گرفتند، نسبت به روزاوا (و نه سوریه) نیز کماکان نظاره گرند.

آمریکا همچون فرانسه و انگلیس، در جنگ داخلی اسپانیا بی‌طرف بود. لیکن طی جنگ دوم جهانی، خط مشی سیاست خارجی‌اش تغییر کرد و از آن پس در منازعات بین‌المللی بیشماری مداخله نمود. به همین دلیل سیاست آمریکا در قبال روزاوا متفاوت از کاتالونیای ۱۹۳۶ است. لیکن اگر آمریکا آن روزها سیاست امروز را می‌داشت نیز احتمالاً نحوهٔ مداخلهٔ آن در کاتالونیا به چیزی فراتر از امروز روزاوا نمی‌رسید.

از آنجا که یکی از عوامل تبیین‌کننده سیاست رسانه‌ها، خط مشی دولت‌ها است، می‌توان با بررسی مطبوعات بین‌المللی آن زمان پیرامون جنگ داخلی اسپانیا^{۱۷۳} به موضع مشترک آن‌ها در خصوص کاتالونیا و روزنامه‌های عصر حاضر در قبال روزاوا پی برد. همچنانکه امروز در رسانه‌ها، انقلاب روزاوا، تحت الشعاع جنگ ضد تروریسم قرار می‌گیرد، و محتوای تحول اجتماعی آن سانسور می‌شود، رسانه‌های آن زمان نیز، جریان‌ات کاتالونیا را به جنگ ضد فاشیسم محدود می‌ساختند، تا جایی که حتی نشریات کمونیستی خارج از اسپانیا می‌نوشت که: در هیچ کجا نشانی از انقلاب نیست.^{۱۷۴}

جورج اورول^{۱۷۵} بیش از هفت ماه در کنار آنارشیست‌های کاتالونیا جنگید و بعداً این تجربه را در قالب کتاب مستندی تحت عنوان "درود بر کاتالونیا" به رشته تحریر درآورد. لیکن تیراژ فروش کتاب در زمان حیاتش به نهصد نسخه هم نرسید. در حالیکه دو کتاب دیگر وی یعنی "مزرعه حیوانات" و "۱۹۸۴"، بر روی هم بیش از هر دو کتاب دیگری از یک نویسنده قرن بیستمی، فروش داشته‌اند. این موضوع را می‌توان نشان دهنده بی‌تفاوتی ناشی از پرت‌اندیشی تحمیل شده به مردم از سوی رسانه‌ها دانست.

انسان‌ها همواره به دلایل مختلف همچون مزدوری، ماجراجویی، منافع سیاسی و یا انگیزه‌های ایدئولوژیکی راهی نبرد در سرزمین‌های دیگر شده‌اند. در خلال جنگ داخلی نیز، بیش از چهل هزار داوطلب بین‌المللی به اسپانیا رفتند^{۱۷۶} و برآورد می‌شود که همین حدود نیز در سوریه جنگیده

باشند.^{۱۷۷} حدس می‌زنیم که تعداد مبارزان خارجی در کاتالونیای انقلابی حدود سه هزار نفر بوده که به نظر مؤلف^{۱۷۸} حدود دو برابر داوطلبان خارجی روزاواست. ولی اشتراک اصلی این دو رویداد نه در تعداد بلکه در هدف این انسان‌ها نهفته است. داوطلبان بین‌المللی کاتالونیای ۱۹۳۶ و همقطاران آینده‌شان در روزاواى قرن بیست و یکم، برای تغییر دنیا و تبدیل آن به مأمن انسان‌های آزاد و برابر مبارزه کرده‌اند.

چیاپاس

چیاپاس جنوبی‌ترین ایالت کشور مکزیک است که امروز آنرا با نام "ایالت آزاد و مستقل چیاپاس" می‌شناسند. پنج قرن سرکوب فرهنگی و اجتماعی بومیان این سرزمین، همراه با فقر و محرومیت، در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، به تولد ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیستا (ا.ز.ل.ن) انجامید. یک دهه بعد، در اولین روز از سال ۱۹۹۴، ا.ز.ل.ن با شعار "دیگر بس است" ^{۱۷۹} هفت شهر چیاپاس را به اشغال خود درآورد و به دولت مکزیک اعلان جنگ داد. مطالبات زاپاتیست‌ها مسکن، زمین، کار، آموزش، تغذیه، آزادی، استقلال، عدالت، دموکراسی و صلح بود. ^{۱۸۰}

ا.ز.ل.ن از روز دوم ژانویه، عقب نشینی برنامه‌ریزی شده را در پیش گرفت و روز یازدهم طی اطلاعیه رسمی اعلام کرد که قصد تصاحب حکومت یا ورود به منازعات حزبی را نداشته و تنها خواستار رفع مشکلات مبرم خلق مکزیک از طریق دولتی مشروع و برخاسته از انتخابات آزاد و دموکراتیک است.

ا.ز.ل.ن تصمیم گرفته بود تا با پشتیبانی جامعه مدنی و البته بدون زمین‌گذاردن سلاح (برای دفاع)، راه گفت‌وگو و مقاومت مدنی را در پیش گیرد. بدین ترتیب، علیرغم موانعی از قبیل کارشکنی‌های دولت و مداخله گروه‌های شبه نظامی، مذاکرات صلح بموازات فعالیت‌های مدنی آغاز شد و ادامه یافت.

زاپاتیست‌ها در مناطق تحت کنترل خود که حدود ۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع از مناطق شرقی چیاپاس را در بر می‌گرفت، پنج منطقه خودمختار یا آگواس کالیئتس^{۱۸۱} تعریف کردند که در سال ۲۰۰۳ با آغاز خلع سلاح ا.ز.ن. و سازماندهی جدید اجتماعی، به کاراکول^{۱۸۲} (یعنی حلزون) تغییر نام داد. هر کاراکول از چند بخشداری خودمختار شورشی زاپاتیستی تشکیل می‌شود. با بروز مشکلاتی میان بخشداری‌های دولتی و بخشداری‌های خودمختار شورشی، برای هر کاراکول، یک "شورای دولت خوب" تعریف شد تا نقش هماهنگ‌کننده میان بخشداری‌ها و شوراهای دیگر را ایفا کند. طبق ساختار جدید، تصمیم‌گیری‌ها در سه سطح انجام می‌گیرد؛ شوراهای خودمختار محلی، بخشداری‌ها، و کاراکول‌ها. ا.ز.ن. تنها در مواردی که درگیری یا انحراف وجود داشته باشد، مداخله نموده و در تعیین یا برکناری مسئولین مراجع خودمختار به هیچ عنوان دخالت نمی‌کند.

نحوه نگرش به مقوله قدرت، مهمترین نقطه مشترک انقلاب چیاپاس و روزاواست. در این انقلاب‌ها هدف، نه تسلط بر دستگاه قدرت، بلکه حذف دستگاه قدرت است. قدرت در توده مردم حل شده و تصمیم‌گیری از پایین به بالا صورت می‌گیرد. همین خصلت مشترک باعث شباهت ساختار اجتماع در چیاپاس انقلابی و روزاوا می‌شود. با این تفاوت که ساختار روزاوا دارای چهار سطح تصمیم‌گیری و پیچیده‌تر است.

بعبارت دیگر همه چیز در روزاوا پیچیده‌تر است و این از ماهیت پیچیده دموگرافیکی و ژئوپولتیکی منطقه نشأت می‌گیرد. چنانچه زاپاتیست‌ها از دولت مکزیک مطالبه داشته‌اند و در محدوده مرزهای این کشور مبارزه کرده‌اند، لیکن گردها مجبور به مبارزه در مرزهای چند کشور بوده‌اند. همچنین اگر منطقه تحت نفوذ زاپاتیست‌ها، جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر از افراد بومی و دورگه را شامل می‌شود، فدراسیون روزاوا باید جمعیتی بیش از چهار میلیون نفر از کرد، عرب، سریانی، ارمنی و ترکمن را مدیریت کنند.

وجود نفت، معادن و زمین‌های حاصلخیز، حضور دولت‌های میلیتاریزه^{۱۸۳} گسترش دین اسلام با احکام افراطی همچون جهاد و... منجر به این می‌شود که جنبش آزادیخواهی کرد نتواند همچون جنبش زاپاتیستی اسلحه را کنار بگذارد. چنانچه نلسون ماندلا^{۱۸۴} می‌گوید "همیشه این ستمگر است که ماهیت مبارزه را تعیین می‌کند" در کردستان فعالیت‌های غیر مسلحانه همواره با اقدامات نظامی و امنیتی سرکوب شده‌اند.

حقوق زنان چه در جنبش زاپاتیستی و چه در جنبش آزادیخواهی کرد، مورد توجه ویژه قرار گرفته که در نوع خود بی‌نظیر است. لیکن در روزاوا، با در نظر گرفتن مکانیسم‌هایی از قبیل سیستم ریاست مشترک، نیروهای آسایش زن، خانه زن، و... اجرای آن نیز تضمین شده است.

شدت حمایت مدنی، یکی از تفاوت‌های بارز جنبش زاپاتیستی چیاپاس و جنبش آزادیخواهی کُرد در روزاواست. چنانچه تنها به فاصله چند روز پس از یورش ارتش فدرال (دولت مکزیک) به مناطق تحت کنترل ازل.ن در ژانویه ۱۹۹۴، همبستگی ملی و بین‌المللی با جنبش زاپاتیستی شکل گرفت؛ قانون صلح واشنگتن، حزب متحد چپ اسپانیا، شبکه اقدام کانادا، سازمان عفو بین‌الملل لندن، جنبش مستقل دمکراتیک مکزیک، حزب کار مکزیک و... از طریق اقداماتی همچون راهپیمایی و صدور بیانیه به محکومیت حملات ارتش فدرال پرداخته و اتمام درگیری‌ها را خواستار شدند. عکس‌العمل‌ها بقدری کارساز بود که دولت وزیر خارجه پیشین را بعنوان مسئول کمسیون برای صلح و آشتی در چیاپاس تعیین نمود.

برعکس، علیرغم وسعت دامنه زمانی و شدت درگیری‌های گُردستان، چنین پشتیبانی سریع و گسترده نهادهای مدنی ملی و بین‌المللی هیچگاه در حمایت از روزاوا (و در کل جنبش آزادیخواهی کُرد)، صورت نگرفته است. و در نهایت، علیرغم برخی تفاوت‌ها، هم زاپاتیست‌های آمریکای لاتین و هم ناپوچی‌های^{۱۸۵} خاورمیانه، نه تنها برای رهایی خود، بلکه برای همه بشریت مبارزه می‌کنند. و این وظیفه بشریت، در تمام دنیا است که از آن‌ها حمایت کند تا نقطه آغازی باشد برای زندگی آزاد نسل‌های آینده.

سخن پایانی

رهبر فکری جنبش آزادیخواهی کُرد، عبدالله اوچالان، مبارز هفتاد ساله‌ایست که بیست سال اخیر را به تنهایی در زندان سپری کرده است. او در مقام یک معلم، برای مسئله پیچیده خاورمیانه، یک راه حل ارائه داده و از شاگردانش خواسته تا آن را به بوته آزمایش نهند.

این راه حل، کنفدرالیسم دمکراتیک نام دارد؛ راه حلی که شاید نویدبخش زندگی صلح‌آمیز در کشورهای خاورمیانه باشد. راه حلی بر مبنای ایجاد یک الگوی نوین برای منسوخ ساختن الگوهای ناکارآمد قدیمی.

خاورمیانه در حال دگردیسی است و در فرآیند پیش‌رو، خلق‌های منطقه می‌توانند از همان مدل‌های قدیمی استفاده نموده و یا الگوی نوین را بیازمایند. بنا به ضرب المثل قدیمی "کسی که جو می‌کارد، گندم درو نمی‌کند" تکرار الگوهای قدیم نتیجه متفاوتی نخواهد داشت. چنانچه در عراق و کشورهای عربی الگوهای قدیمی بکار گرفته شد و نتیجه چیزی جز همان نتایج قدیم نبود: جنگ، فساد، جناح بازی و خویشاوندگماری.

در مقابل، مردمان روزاوا با عزم راسخ، به تنهایی در راه آزمون الگوی نوین گام نهادند. آن‌ها با اعتقاد راسخ باینکه در نهایت، خرد پاک بر پلیدی چیره خواهد شد، خط سوم را برگزیدند و طی بیش از هفت سال جنگ ویرانگر، علیرغم تمام مشکلات، روزاوا را به جزیره آرامش سوریه بدل ساختند.

زمانیکه سوریه در آتش انتقام و تعصب، میدانِ نبردِ حدود هزار گروه مسلح^{۱۸۶} و عرصهٔ زورآزماییِ قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بود، روزاوا با اتخاذ سیاست دفاع مشروع و خودمدیریتی جامعه، به مأمّن میلیون‌ها نفر از هر قوم و فرقه‌ای تبدیل شد.

آن گاه که هر گروه مسلح کنترل بخشی از شهر حلب را در اختیار داشت، بسیاری از ساکنین حلب به محله شیخ مقصود که تحت تسلط ی.پ.گ بود پناه بردند و حتی کسانی که در عراق مورد حملهٔ دولت اسلامی واقع شدند در جستجوی امنیت به روزاوا گریختند.

روزاوا تنها جایی در سوریه است که سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر و رسانه‌های بین‌المللی می‌توانند آزادانه حضور داشته باشند. و این امریست که در بسیاری از بخش‌های خاورمیانه غیر ممکن بنظر می‌رسد.

در مجموع می‌توان گفت که آزمایش شاگردان اوجالان، موفقیت‌آمیز بوده و علیرغم همهٔ کاستی‌ها، طرح روزاوا بعنوان یک طرح پابلوت، قابل دفاع است.

اگرچه موانع بسیار، در کاهش سرعت روند طرح، تأثیر بسزایی داشته و دارد، لیکن نباید ارادهٔ انسان و قدرت همبستگی مردم را دست کم گرفت. دستاوردهای روزاوا که قبلاً به بخشی از آن‌ها اشاره شد، حاصل فداکاری

آزادخواهان روژاوا و آزاداندیشان جهانی است که به کمک روژاوا
شتافته‌اند.

روژاوا همچون نهالی ظریف، که از پس سال‌ها تلاش و خون و اشک، در
طوفان سر برآورده، محتاج حمایت همهٔ انسان‌های آزاداندیش است. روژاوا
یک تفکر است. باید از دیوار سانسور گذشت و آنرا نه بعنوان یک آرمانشهر
توصیف شده در سفرنامه‌ها، که بصورت یک واقعیت قابل تعمیم به کل
خاورمیانه شناخت.

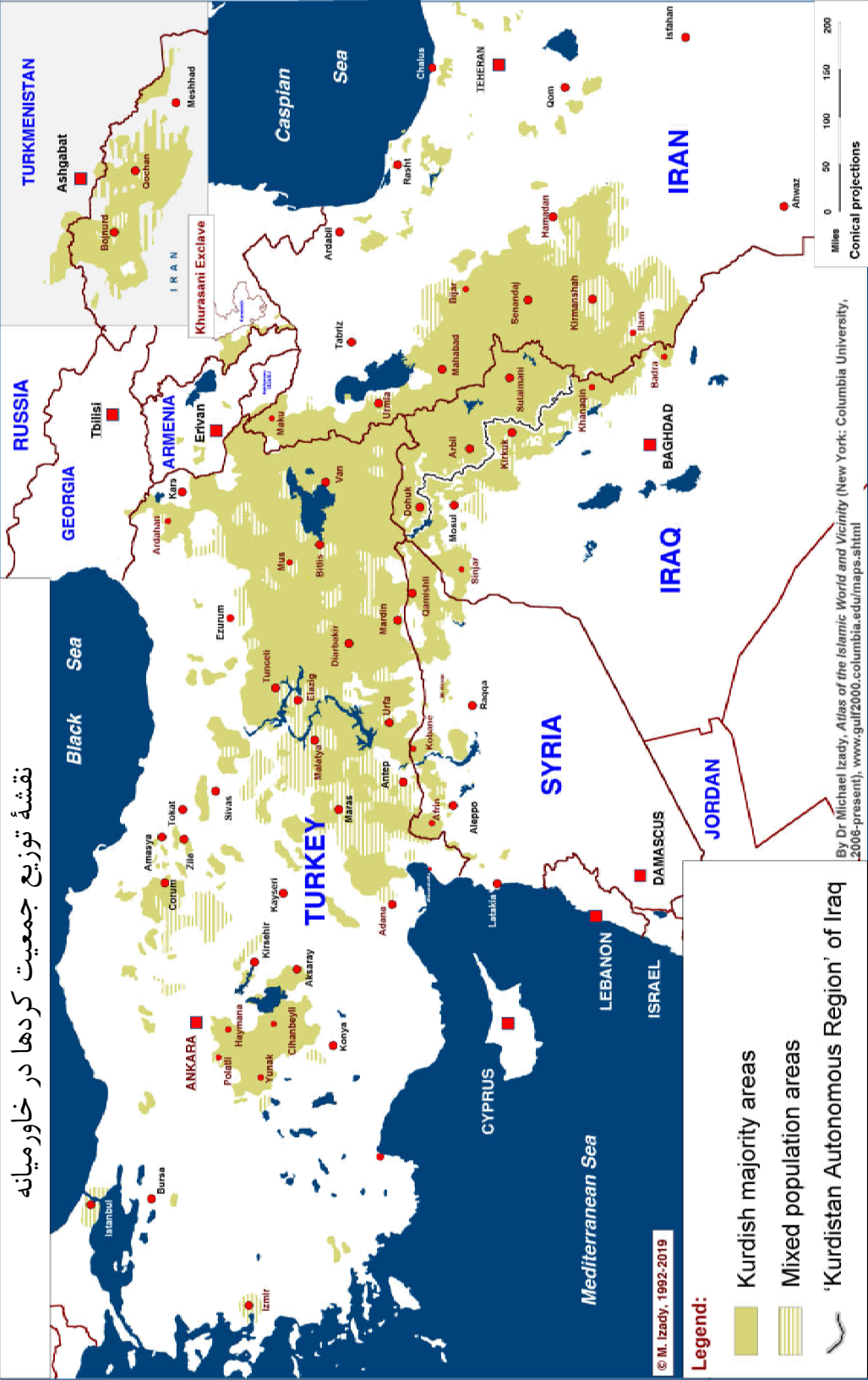
۲۰۱۹/۰۱/۱۵

پیوست ها

پیوست ۱

۱. نقشه خاورمیانه
۲. نقشه توزیع جمعیت کردها در خاورمیانه
۳. نقشه‌های تقسیم‌بندی اداری روژاوا

نقشه توزیع جمعیت کردها در خاورمیانه



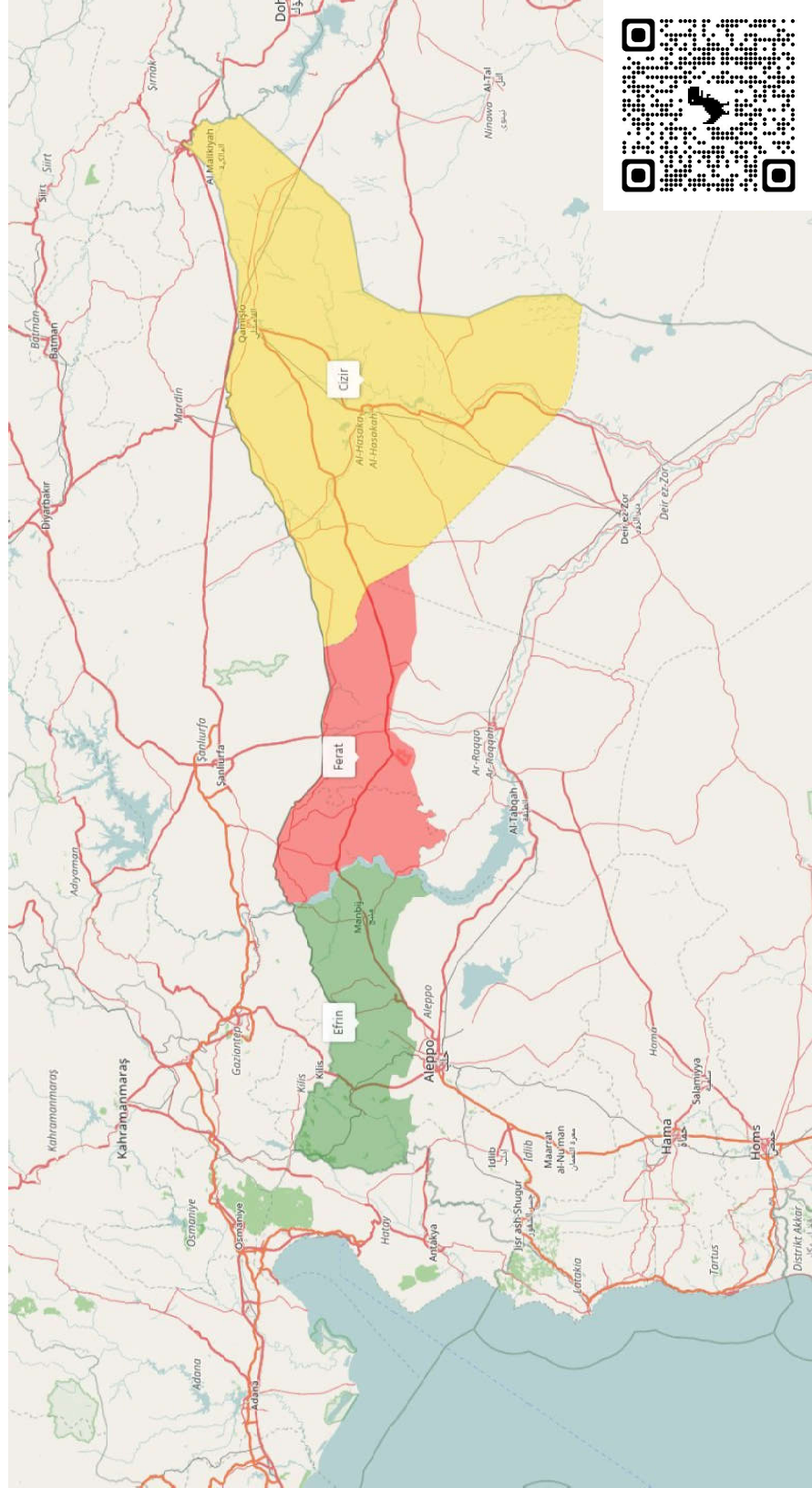
© M. Izady, 1992-2019

Legend:

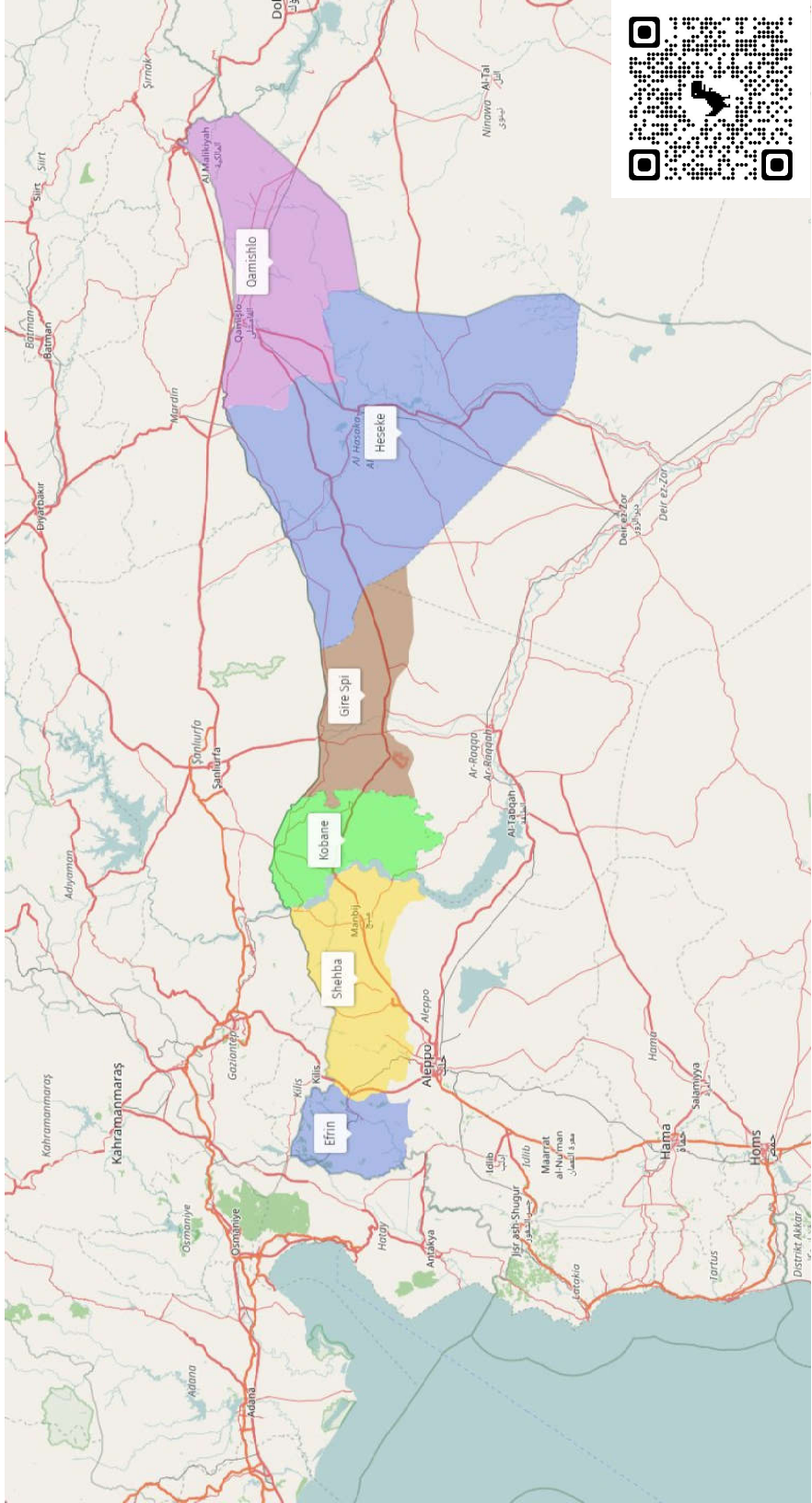
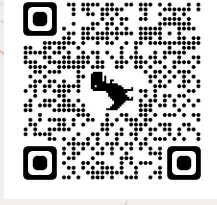
- Kurdish majority areas
- Mixed population areas
- 'Kurdistan Autonomous Region' of Iraq

By Dr. Michael Izady, *Atlas of the Islamic World and Vicinity* (New York: Columbia University, 2006-present), www.guir2000.columbia.edu/maps.shtml

نقشه اقلیم های خودگردان دمکراتیک رोजاوا - شمال سوریه

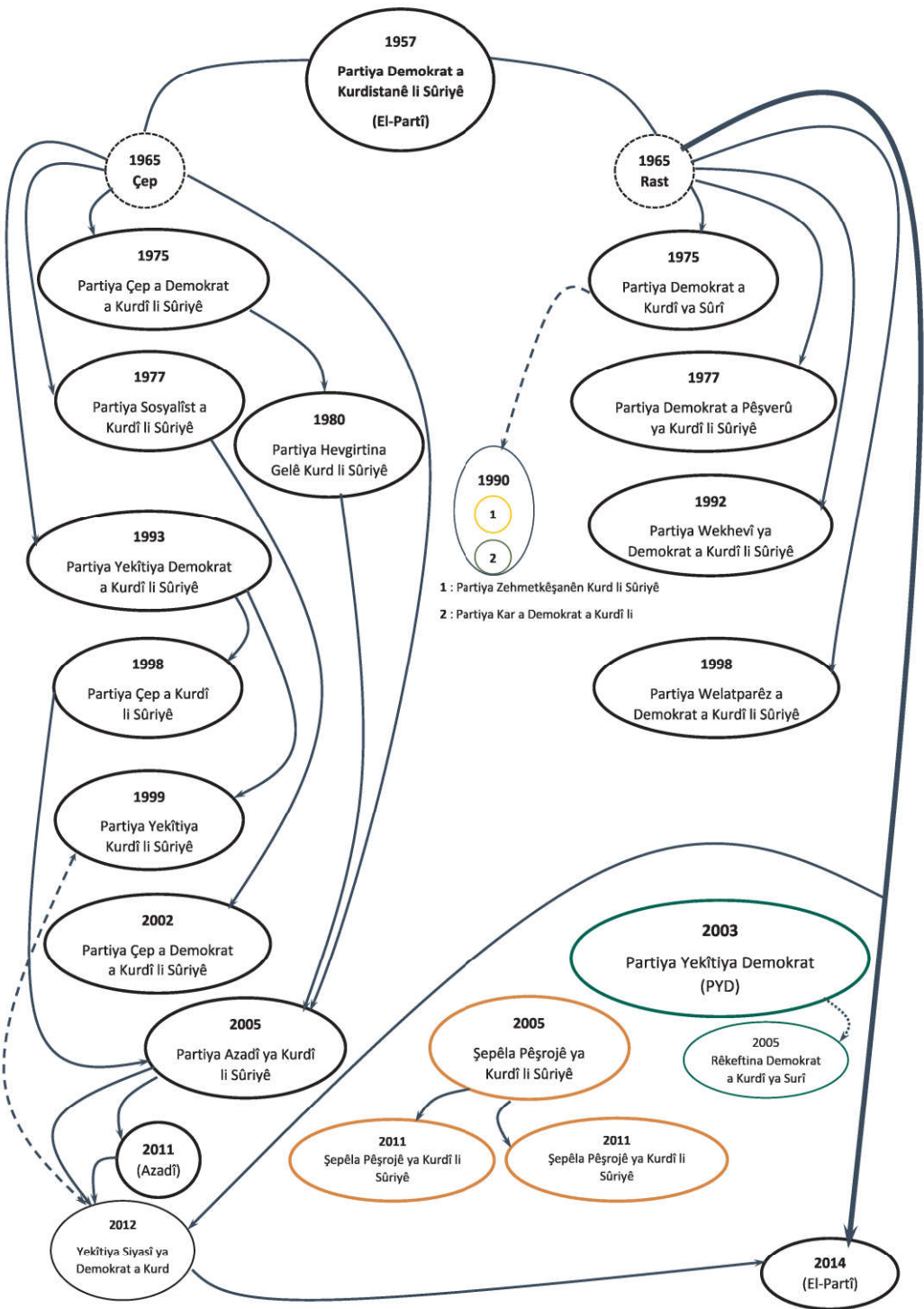


نقشه کانتون های تابعه هر اقلیم در فدراسیون دموکراتیک روظاوا - شمال سوریه



پیوست ۲

نمودار تقریبی شکل گیری احزاب روزاوا



1957
Partiya Demokrat a
Kurdistanê li Sûriyê
(El-Partî)

1965
Çep

1965
Rast

1975
Partiya Çep a Demokrat
a Kurdî li Sûriyê

1975
Partiya Demokrat a
Kurdî va Sûrî

1977
Partiya Sosyalîst a
Kurdî li Sûriyê

1977
Partiya Demokrat a Pêşverû
ya Kurdî li Sûriyê

1980
Partiya Hevgirtina
Gelê Kurd li Sûriyê

1990
1
2

1992
Partiya Wekhevî ya
Demokrat a Kurdî li Sûriyê

1 : Partiya Zehmetkêşanên Kurd li Sûriyê
2 : Partiya Kar a Demokrat a Kurdî li

1993
Partiya Yekîtiya Demokrat
a Kurdî li Sûriyê

1998
Partiya Welatparêz a
Demokrat a Kurdî li Sûriyê

1998
Partiya Çep a Kurdî
li Sûriyê

1999
Partiya Yekîtiya
Kurdî li Sûriyê

2003
Partiya Yekîtiya Demokrat
(PYD)

2002
Partiya Çep a Demokrat
a Kurdî li Sûriyê

2005
Rêkeftina Demokrat
a Kurdî ya Suri

2005
Partiya Azadî ya Kurdî
li Sûriyê

2005
Şepêla Pêşrojê ya
Kurdî li Sûriyê

2011
(Azadî)

2011
Şepêla Pêşrojê ya Kurdî li
Sûriyê

2011
Şepêla Pêşrojê ya Kurdî li
Sûriyê

2012
Yekîtiya Siyasî ya
Demokrat a Kurd

2014
(El-Partî)

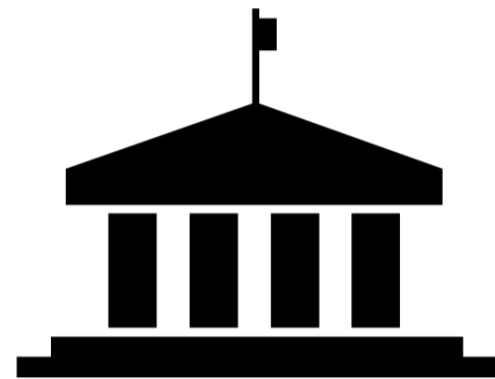
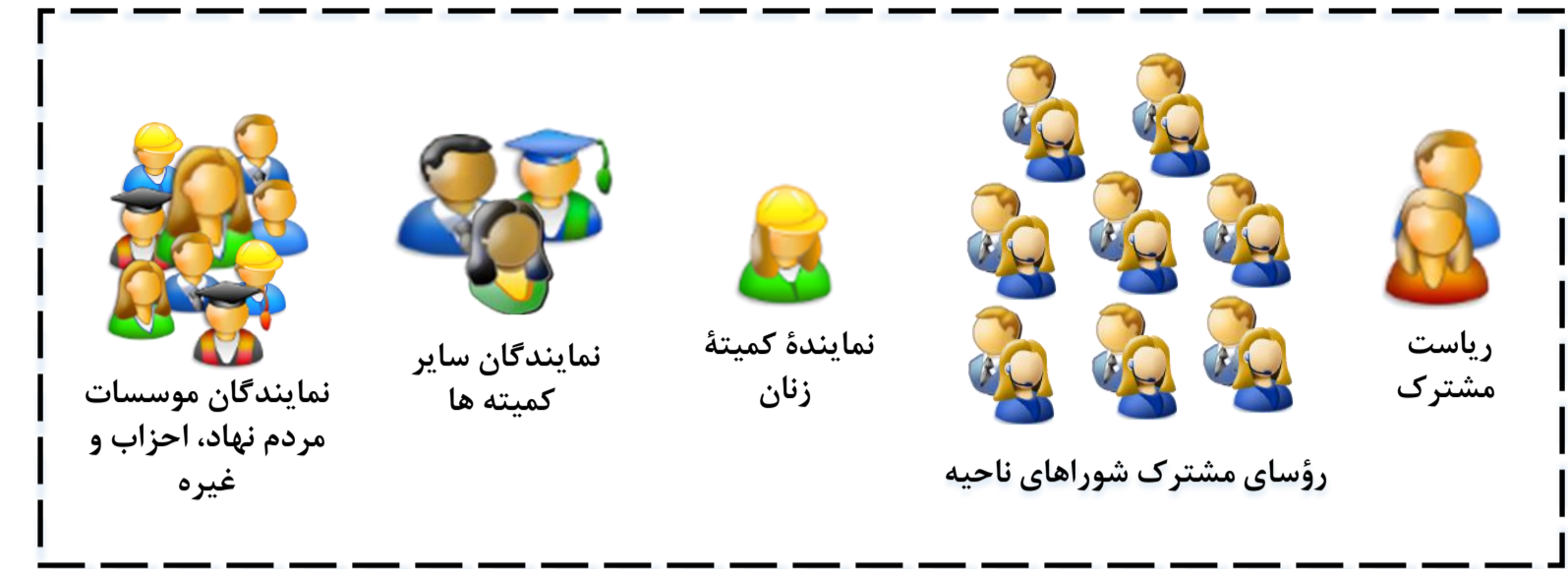
پیوست ۳

شماتیک ساختار شورایی روزاوا

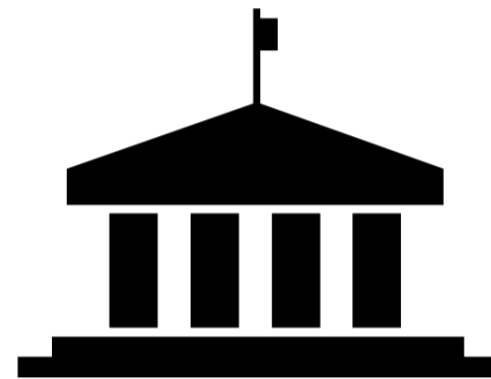


مجلس خلق

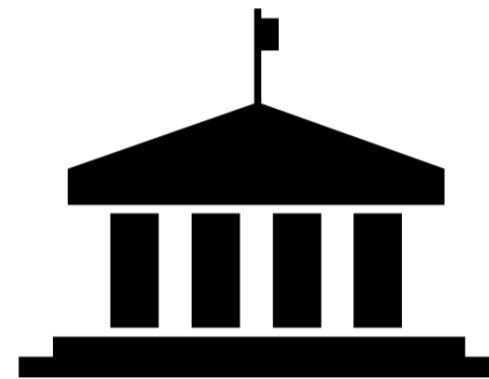
سطح چهارم



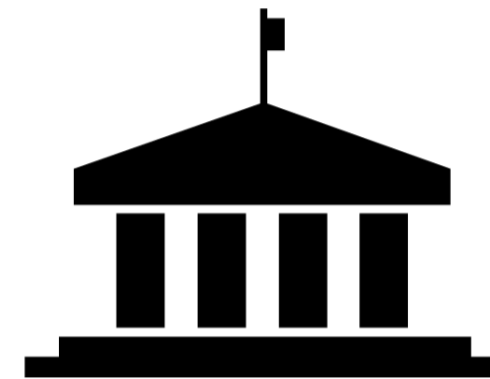
شورای ناحیه A



شورای ناحیه B



شورای ناحیه ...



شورای ناحیه n

سطح سوم

District Council / Meclîsa Bajêr

شورای ناحیه



Neighborhood (Village Community) Council / Mala Gel

شورای محله یا روستا



• هر شورای محله می تواند نماینده هفت الی سی کمون باشد

سطح دوم



Commune / Komîn

کمون



• هر کمون نماینده سی الی پانصد خانوار است

سطح یکم

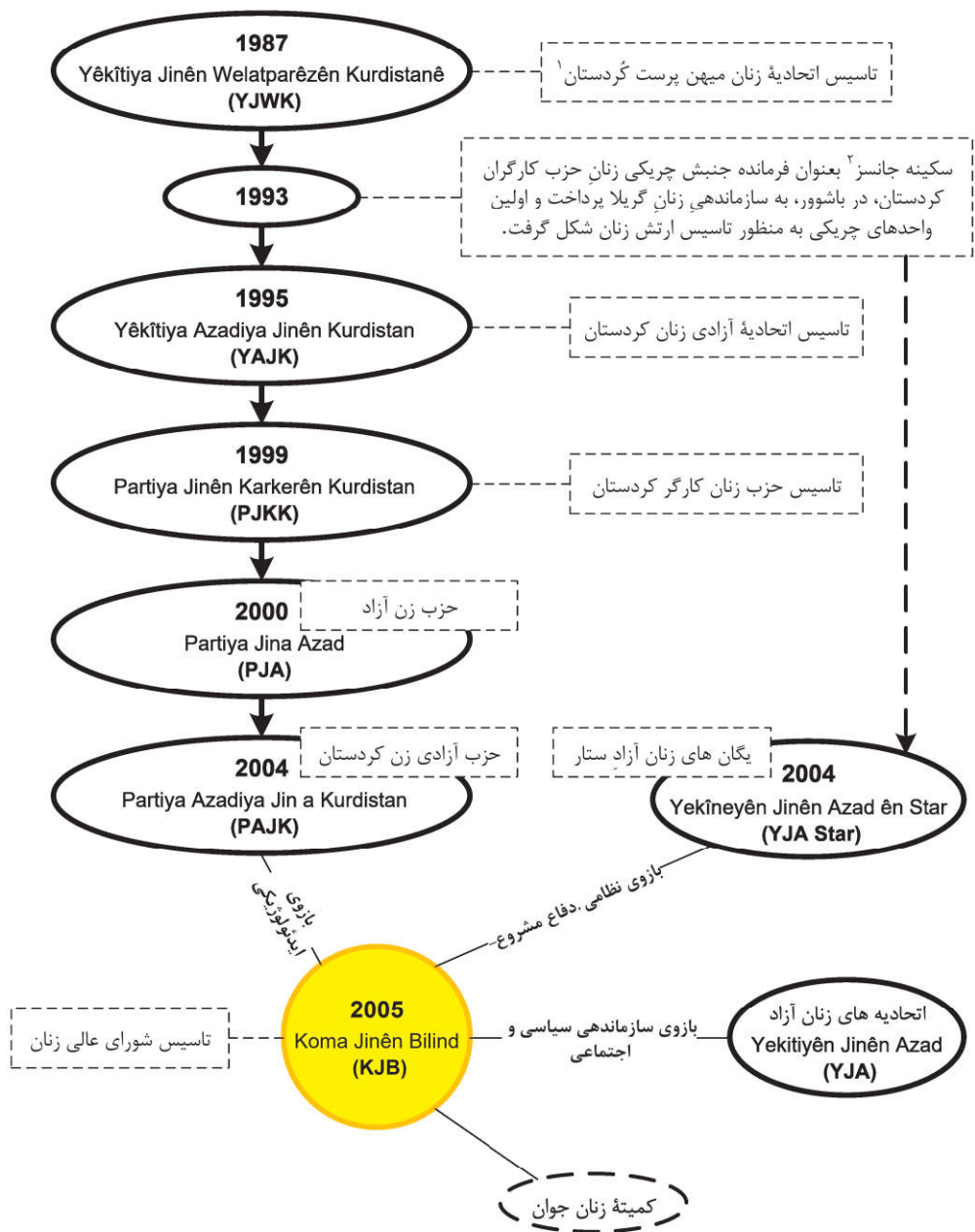
Household / Mal

خانوار



پیوست ۴

روند سازماندهی زنان در جنبش آزادی خواهی کُرد



۱. بدلیل فشارهای دولت وقت ترکیه، این اتحادیه در آلمان شکل گرفت.

۲. سکینه جانسز با نام سازمانی سارا، متولد سال ۱۹۵۸ شهر درسیم بود که در بیست سالگی، از همان ابتدای تشکیل پ.ک.ک به اوچالان پیوست. وی نخستین زنی بود که به عنوان عضو ارشد پ.ک.ک برگزیده شد و پس از سال ها مبارزه در دهم ژانویه ۲۰۱۳ در پاریس به قتل رسید.

پیوست ۵

جداول مقایسه خبررسانی‌ها

عبارت جستجو شده (تعداد در بازه زمانی)			بازه زمانی جستجو	ده روزنامه پرخواننده جهان*		
نوار غزه	منطقه خودمختار تبت	روژاوا		محل چاپ	نام روزنامه	رتبه
۶۹۲۰	۷۴	۱۹۹	پیش فرض وبسایت	بریتانیا	گاردین	۱
۳۳	۲	۰	پیش فرض وبسایت	ایالات متحده	وال استریت ژورنال	۲
۴۱۱۸	۱۰۹	۴۱	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	ایالات متحده	نیویورک تایمز	۳
۲۹۸	۵	۲	یکسال اخیر	ایالات متحده	واشنگتن پست	۴
۱۲۵۹	بیش از ۲۶۰۰	۱	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	چین	چاینا دیلی	۵
بسیار زیاد	بسیار زیاد	۰	پیش فرض وبسایت	هند	تایمز هند	۶
۵۸۳۱	۶۰	۴۳	پیش فرض وبسایت	استرالیا	سیدنی مورنینگ هرالذ	۷
۴	۴	۰	پیش فرض وبسایت	ژاپن	آساهی شیمبون	۸
۲۹۳۰	۱۷۰	۳۲	پیش فرض وبسایت	پاکستان	داون	۹
بدلیل تعطیلی روزنامه در جولای ۲۰۱۶، وبسایت در دسترس نیست.				ترکیه	زمان	۱۰

*Top 10 Most Read Newspapers in The World by Abayomi Jegede, July 2018. [Online] Available: <https://www.trendrr.net/3650/top-10-most-read-newspapers-in-the-world-famous-best-seller>

عبارت جستجو شده (تعداد در بازه زمانی)			بازه زمانی جستجو	روزنامه‌های اروپایی		
نوار غزه	منطقه خودمختار تبت	روژاوا		محل چاپ	نام روزنامه	ردیف
۲۲۸۷	۲۸	۱۷	یکسال اخیر	بریتانیا	دیلی میل	۱
۳۵۲۰	۱۰۹	۹۷	پیش فرض وبسایت	بریتانیا	دیلی تلگراف	۲
۸۸۸	۶	۱۶	پیش فرض وبسایت	آلمان	بیلد	۳
۱۹۶	۵	۶	یکسال اخیر	آلمان	اشپیگل	۴
۲۲۹۰	۳۱	۲۶	پیش فرض وبسایت	اسپانیا	ال پائیس	۵
۱۲۴	۰	۱	یکسال اخیر	اسپانیا	ال موندو	۶
۱۵۸۴	۸۷	۵۴	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	فرانسه	لوموند	۷
۴۶۲	۱۰	۲۷	یکسال اخیر	فرانسه	فیگارو	۸
۳۱۵۶	۲۱	۱۳۶	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	ایتالیا	لاریوپلیکا	۹
۴۸۹	۹	۰	پیش فرض وبسایت	ایتالیا	کوریره دلا سرا	۱۰
۲۲۰۰	۵	۴۲	۲۰۱۸-۲۰۱۱	سوئد	داگنز نی هتر	۱۱
۹۶۴	۴	۲۲	پیش فرض وبسایت	سوئد	اکسپرسن	۱۲
۲۵۷۰	۳	۳۸	پیش فرض وبسایت	نروژ	وردنس گانگ	۱۳
۱۳۵۰	۷	۱۳	پیش فرض وبسایت	نروژ	داگبلاد	۱۴
۲۰۰	۴	۱۱	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	ایرلند	آیریش ایندپندنت	۱۵

عبارت جستجو شده (تعداد در بازه زمانی)			بازه زمانی جستجو	روزنامه‌های خاورمیانه (بجز ترکیه و سوریه)*		
نوار غزه	منطقه خودمختار تبت	روژاوا		محل چاپ	نام روزنامه	ردیف
۵۲۴۰	۸	۸	پیش فرض وبسایت	بحرین	أخبار الخليج	۱
۹۶۹۰	۱۰	۸۰	پیش فرض وبسایت	بحرین	الأيام	۲
۳۰	۶	۱	یکسال اخیر	قبرس	اوفيلفغروس	۳
۱۳۴	۱۱	۳	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	قبرس	پولیتیس	۴
۳۲۵۰	۳۸	۱	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	مصر	الأهرام	۵
۱۸۶۰	۳	۷	پیش فرض وبسایت	مصر	الوفد	۶
۱۰۰	۵	۰	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	ایران	ایران	۷
۲۴۸۲	۰	۱	پیش فرض وبسایت	ایران	اطلاعات	۸
بسیار زیاد	۱	۱۳	پیش فرض وبسایت	عراق	الصباح	۹
۷۶۰	۰	۱۰	پیش فرض وبسایت	عراق	الزمان	۱۰
۱۰۰۰	۱	۱۸	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	اسرائیل	هاآرتس	۱۱
۱۵۳۰۰	۲	۷	پیش فرض وبسایت	اسرائیل	يديעות اخرونوت	۱۲
بسیار زیاد	۷	۲۱	پیش فرض وبسایت	اردن	الغد	۱۳
۱۴۶	۰	۰	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	اردن	الرأى	۱۴
بسیار زیاد	۰	۰	پیش فرض وبسایت	کویت	السياسه	۱۵
۲۹۲۵	۱	۲	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	کویت	الوطن	۱۶
بسیار زیاد	۱	۲۰	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	لبنان	النهار	۱۷
بسیار زیاد	۵	۳۶	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	لبنان	السفير	۱۸
۶۷۲۳	۰	۲	پیش فرض وبسایت	فلسطین	الحياه الجديده	۱۹
۱۰۵۱۵	۰	۱۶	پیش فرض وبسایت	فلسطین	القدس	۲۰
۱۵۴۸	۰	۳	پیش فرض وبسایت	عمان	الشبيبه	۲۱
۲۳۴۴	۱	۵	پیش فرض وبسایت	عمان	الوطن	۲۲
۵۱۳۹	۲	۳	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	قطر	الرايه	۲۳
۲۴۹۰۰	۱	۱	پیش فرض وبسایت	قطر	الشرق	۲۴
۹۲۲۸	۲۹	۱۱	پیش فرض وبسایت	عربستان	الرياض	۲۵
۲۰۵۹	۰	۹	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	عربستان	عكاظ	۲۶
۲۰۰	۹	۱۰	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	امارات متحده	البيان	۲۷
۱۵۹۱	۴	۲۶	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	امارات متحده	نشنال	۲۸
۸۹۰	۰	۰	پیش فرض وبسایت	یمن	الثوره	۲۹

*National Newspapers in official language according to: <http://www.abyznewslinks.com/asia.htm>

عبارت جستجو شده (تعداد در بازه زمانی)			بازه زمانی جستجو	روزنامه‌های روسیه، چین و کوبا		
نوار غزه	منطقه خودمختار تبت	روژاوا		محل چاپ	نام روزنامه	ردیف
۹۶۴	۱۴۳۴	۰	۲۰۱۷/۱۲/۳۱-۲۰۱۱/۱/۱	چین	پپلز دیلی	۱
۱۲۵۹	بیش از ۲۶۰۰	۱	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	چین	چاینا دیلی	۲
-	۲۷۶	۳	پیش فرض وبسایت	روسیه	کومسومولسکایا پراودا	۳
۴۳۲۶	۷	۲	پیش فرض وبسایت	روسیه	روسیسکایا گازتا	۴
۶	۰	۰	۲۰۱۸/۱۰/۲۸-۲۰۱۱/۱/۱	کوبا	گرانما	۵
بیش از ۱۰۰	۳	۰	پیش فرض وبسایت	کوبا	تراپاخادورس	۶

عبارات جستجو شده در زبان‌های مختلف

روژاوا	منطقه خود مختار تبت	نوار غزه	فارسی:
Rojava	Tibet Autonomous Region	Gaza Strip	انگلیسی:
روج آفا	منطقة التبت ذاتية الحكم	قطاع غزة	عربی:
Pozáβα	Αυτόνομη περιοχή του Θιβέτ	λωρίδα της Γάζας	یونانی:
רוג'אבה	אזור טיבט אוטונומי	רצועת עזה	عبری:

پیوست ۶

قرارداد اجتماعی

فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه

دیباچه

ما مردم روژاوا- شمال سوریه، اعم از کُرد، عرب، سریانی، آشوری، ترکمن، ارمنی، چچن، چرکس، مسلمان، مسیحی، ایزدی، و [پیروان] آموزه‌ها و فرقه‌های مختلف، اذعان داریم که [الگوی] دولت-ملت، کردستان، بین النهرین و سوریه را به کانون هرج و مرج خاورمیانه تبدیل نموده و برای مردمان [سرزمین] ما، گرفتاری، بحران و رنج را به ارمغان آورده است.

نظام خودکامه دولت-ملت، با اتخاذ رفتار ناعادلانه نسبت به عناصر مختلف مردم سوریه، کشور را بسوی ویرانی و تلاشی بافتار جامعه سوق داده است. [لذا] نظام فدرال دمکراتیک که مسائل ملی، اجتماعی، و تاریخی در سوریه را مورد ملاحظه قرار می‌دهد، راه حلی بهینه برای پایان دادن به این وضعیت نابسامان بشمار می‌رود.

فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه، بر اساس یک مفهوم جغرافیایی و تمرکز زدایی سیاسی و اداری بنا شده است و بخشی از فدرالیسم دمکراتیک سوریه یکپارچه محسوب می‌شود.

نظام فدرال دمکراتیک توافقی، مشارکت همتراز همه افراد و گروه‌ها، در مذاکرات، تصمیم‌گیری‌ها و اجرای امور را تضمین می‌کند، تنوعات قومی و مذهبی را با توجه به ویژگی‌های هر گروه بر مبنای برادری و همزیستی متقابل در نظر می‌گیرد، برابری تمام مردم در مقابل حقوق و وظایف را ضمانت می‌نماید، منشور حقوق بشر را محترم می‌شمارد، و از صلح [در ابعاد] ملی و بین‌المللی پاسداری می‌کند.

۲ . روزاوا سرزمینِ زرد، سرخ، سبز

در نظام فدرال دمکراتیک توافقی، همهٔ اقشار مردم، بخصوص زنان و جوانان، باید نهادهای دمکراتیکِ خود را شکل دهند. سیستم فدرال دمکراتیک، انجام آزادهٔ همهٔ فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، و برخورداری از تمام محاسن زندگی آزاد و برابر را تضمین می‌کند.

نظام فدرال دمکراتیک شمال سوریه، در این قرارداد، به ارزش‌های مادی و معنویِ خاورمیانه پایبند است. این سند، با ارادهٔ آزاد تمام اجزاء (هویت‌های) تشکیل دهندهٔ شمال سوریه، و با توجه به اصول ملت دمکراتیک، پذیرفته شده است.

فصل اول

اصول کلی

ماده ۱

سند حاضر، "قرارداد اجتماعیِ فدرالیسمِ دمکراتیک شمال سوریه" نام دارد و دیباچه، جزء لاینفک آن به شمار می‌رود.

ماده ۲

نظام فدرال دمکراتیک شمال سوریه، رویهٔ مبتنی بر اکولوژی و دمکراسی را اتخاذ نموده و آزادی زنان را می‌پذیرد.

ماده ۳

مشروعیت فدرالیسمِ دمکراتیک شمال سوریه، به واسطهٔ انتخابات آزاد و دمکراتیک، از ارادهٔ مردم و گروه‌ها، نشأت می‌گیرد.

ماده ۴

تمام زبان‌های شمال سوریه، در همهٔ زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، و تعاملات اداری، ارزش یکسان دارند و باید همهٔ مردم امور زندگی خود را با استفاده از زبان مادری خویش سازماندهی و مدیریت کنند.

ماده ۵

فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه و اداره‌های [خودگردان] آن، باید یک مرکز و یک پرچم ویژه داشته باشد که در کنار پرچم سوریه فدرال دمکراتیک افزوده خواهد شد. همچنین باید یک نماد داشته باشد که [شرح و بسط] آن را قانون تعیین می‌کند.

ماده ۶ - سوگند

" به خداوند متعال و خون شهیدان سوگند می‌خورم که به قرارداد اجتماعی و همهٔ مواد آن پایبند بوده، از حقوق دمکراتیک مردم و ارزش‌های شهدا حفاظت نموده، آزادی، صلح، و امنیت منطقهٔ فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه را پاس داشته، از سوریهٔ فدرال محافظت بعمل آورده، و در راستای تحقق عدالت اجتماعی منطبق بر اصول ملت دمکراتیک، عمل نمایم."

ماده ۷

فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه شامل اقلیم‌های خودگردان دمکراتیک است. این اقلیم‌ها متکی به سازمان‌های دمکراتیک گروه‌های ایدئولوژیکی، قومی، فرهنگی، زنان، و تمام اقشار اجتماعی هستند.

ماده ۸

فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه بر اساس جامعهٔ سازمان یافته و فردِ آزاد بنا شده است. در این چهارچوب، سازمان‌های محلی مردمی، گروه‌ها و هویت‌های مختلف، زیربنای فدرالیسم را تشکیل می‌دهند.

ماده ۹

زندگیِ دمکراتیک و هماهنگ با محیط زیست، و حیات اجتماعی، زیربنای بنیان یک جامعهٔ دمکراتیک اکولوژیک بوده که هدف آن جلوگیری از سوء استفاده، غارت و تخریب طبیعت است.

ماده ۱۰

همزیستی، باید از طریق نظام اجتماعی بدون تبعیض، آزاد و دمکراتیک، با توجه به اصول ملت دمکراتیک، که آکنده از روحیهٔ برادری میان آحاد مردم و گروه‌های شمال سوریه است، ایجاد شود.

ماده ۱۱

فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه بر اساس اصل همگانی بودن زمین، آب، و انرژی استوار است، و به صنعت اکولوژیک و اقتصاد جمعی تکیه داشته، و استثمار، انحصار طلبی، و استفادهٔ ابزاری از زن را نمی‌پذیرد و باید بیمه اجتماعی و درمانی را برای همهٔ افراد محقق سازد.

ماده ۱۲

فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه، سیستم ریاست مشترک را در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اداری و غیره پذیرفته و آنرا اصل اساسی برای حضور برابر زن و مرد می‌داند.

پیوست ششم . ۵

سیستم ریاست مشترک، به سازماندهی و ایجاد سیستم کنفدرال دمکراتیک زنان بعنوان یک نهاد خاص کمک می‌کند.

ماده ۱۳

باید حقوق و آزادی زنان و برابری جنسیتی در جامعه تضمین شود.

ماده ۱۴

باید زنان از اراده آزاد در خانواده دمکراتیک، که مبتنی بر زندگی متقابل و برابر است، برخوردار باشند.

ماده ۱۵

جوانان نیروی راهبر و مؤثر جامعه هستند و باید مشارکت آنها در تمام عرصه‌های زندگی تضمین شود.

ماده ۱۶

باید حضور بدون تبعیض تمام هویت‌های قومی در تمام نهادهای اداری تابع فدرالیسم، با توجه به دموگرافی منطقه، تضمین شود.

فصل دوم

حقوق و آزادی‌های عمومی

ماده ۱۷

فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه باید به اعلامیه جهانی حقوق بشر و تمام آیین‌نامه‌های حقوق بشر مرتبط با آن پایبند باشد.

۶ . روزاوا سرزمینِ زرد، سرخ، سبز

ماده ۱۸

حق حیات یک حق اساسی بوده و بواسطهٔ این قرارداد، که تصویب مجازات اعدام را نمی‌پذیرد، تضمین می‌شود.

ماده ۱۹

باید کرامت انسانی محفوظ شمرده شده و شکنجهٔ روحی یا جسمی هیچ کس مجاز نیست. کسی که از این امر تخلف کند، باید مجازات شود.

ماده ۲۰

باید مردم، گروه‌ها، و اقشار مختلف اجتماعی حق داشته باشند که آزادانه خود را سازماندهی کنند. استحاله و سرکوب فرهنگی، نسل کشی و اشغال [سرزمین] جنایت علیه بشریت محسوب شده و مقاومت در برابر اینگونه اعمال قانونیست.

ماده ۲۱

هر اقلیم یا گروهی، باید حق داشته باشد، تا نسبت به امور و مسائل مربوط به خود تصمیم‌گیری کند، به شرط اینکه با قرارداد حاضر در تعارض نباشد.

ماده ۲۲

باید آزادی باور، وجدان و اندیشه و حق خود-سازماندهی و ابراز وجود برای همهٔ مردم تضمین شود.

ماده ۲۳

هرکسی باید حق داشته باشد تا در حیات سیاسی مشارکت کند، برای انتخابات نامزد شود و مطابق قانون رأی دهد.

ماده ۲۴

هیچ کس نباید بواسطه تفاوت در رنگ [پوست]، جنسیت، نژاد، دین، یا باور مورد توهین واقع شده یا نادیده گرفته شود.

ماده ۲۵

اعمال خشونت، سوءاستفاده، و تبعیض بر علیه زنان جرم محسوب شده و طبق قانون مشمول مجازات خواهد شد.

ماده ۲۶

زنان باید حق داشته باشند تا در تمام عرصه‌های زندگی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، اداری...) و تصمیم‌گیری در خصوص امور مربوطه، بصورت برابر [با مردان] مشارکت کنند.

ماده ۲۷

جوانان باید حق داشته باشند خود را بصورت نیمه مستقل، سازماندهی نموده و در تمام عرصه‌های زندگی نقش فعال خود را بیابند.

ماده ۲۸

هر متهم تا زمانی که به موجب قانون محکوم شود، بی گناه است.

ماده ۲۹

ورود به مکان‌های خصوصی و منازل و تفتیش آن‌ها، مجاز نیست مگر با مجوز مراجع قضایی و تنها در صورت ارتکاب جرم.

ماده ۳۰

نباید آزادی فردی، بدون مبنای قانونی محدود شود.

۸ . روزاوا سرزمینِ زرد، سرخ، سبز

ماده ۳۱

حق دفاع از خود، مقدس است و نباید محدود شود. قانون باید حق دادرسی را برای همه تضمین کند.

ماده ۳۲

هرکسی حق دارد در یک جامعهٔ اکولوژیکی سالم زندگی کند.

ماده ۳۳

گروه‌ها و هویت‌های فرهنگی، قومی، و دینی باید حق داشته باشند تا خودمدیریتی خودشان را تشکیل داده، فرهنگ‌شان را محفوظ داشته و سازمان‌های دمکراتیک خود را شکل دهند. هیچ کس یا هویتی حق ندارد عقایدش را با اجبار بر دیگران تحمیل کند.

ماده ۳۴

باید تحصیلات در همهٔ سطوح رایگان باشد و تحصیل در مقاطع ابتدایی و متوسطه الزامیست.

ماده ۳۵

اشتغال، مراقبت‌های بهداشتی، تغییر محل اقامت، و داشتن مسکن، حق همهٔ شهروندان است.

ماده ۳۶

حقوق کارگران در زندگی اجتماعی و کاری و حمایت از سازمان‌های کارگری، به ترتیبی که قانون تعیین می‌کند، باید تضمین شود.

ماده ۳۷

قانون، آزادی رسانه، مطبوعات و نشر، را تضمین می‌کند.

ماده ۳۸

همه باید حق دریافت و دسترسی به اطلاعات را داشته باشند.

ماده ۳۹

همه باید حق توسعه و نشر فرهنگ و فعالیت‌های هنری خود را داشته باشند.

ماده ۴۰

هر انسانی حق دارد که به دنبال پناهندگی باشد و پناهجوی سیاسی بدون رضایت وی به کشورش بازگردانده نمی‌شود.

ماده ۴۱

ثروت‌ها و منابع طبیعی متعلق به عموم جامعه است و سرمایه‌گذاری، مدیریت، و شرایط توزیع عادلانه آن را قانون معین می‌کند.

ماده ۴۲

سرمایه‌گذاری باید در پروژه‌هایی صورت گیرد که توازن اکولوژیکی را مورد توجه قرار می‌دهند، خدمات ضروری برای توسعه اقتصادی را مهیا می‌سازند، با هدف پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انجام می‌شوند، و به فعالسازی و ایجاد فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی کمک می‌کنند.

ماده ۴۳

باید حق مالکیت خصوصی تا جائیکه با منافع عمومی در تعارض نباشد، تضمین شود و ضوابط آنرا قانون معین می‌کند.

۱۰ . روزاوا سرزمینِ زرد، سرخ، سبز

ماده ۴۴

مشارکت در دفاع مشروع از فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه، یا فدرالیسم سوریه دمکراتیک، برای جلوگیری از هرگونه حمله، یک حق و وظیفه تمام شهروندان است.

ماده ۴۵

باید حقوق افراد با نیازهای خاص، تضمین شود و برای افراد کم توان و سالمندان یک زندگی آبرومندانه تأمین گردد.

ماده ۴۶

باید حقوق کودکان محفوظ شمرده شود و بکار گماری و سوءاستفاده از کودکان ممنوع است.

فصل سوم

سیستم اجتماعی

بخش اول

ماده ۴۷

باید مردم و گروه‌ها در فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه، زندگی اجتماعی آزاد و دمکراتیک خود را بر اساس تشکیل کمون‌ها، مؤسسات اجتماعی، اتحادیه‌ها، و شوراها، سازماندهی کنند و باید نظام دمکراتیک جامعه بر مبنای این نهادها ایجاد شده و توسعه یابد.

ماده ۴۸ - کُمون‌ها

کمون، شکل سازمانی اولیه و ضروری دموکراسی مستقیم است. کمون یک سیستم تصمیم‌گیری و مدیریت در حوزه اداری و سازمانی اش می‌باشد که بعنوان یک شورای مستقل در تمام مراحل تصمیم‌گیری عمل می‌کند.

ماده ۴۹ - شوراها

شوراها واحدهای اجتماعی نماینده مردم می‌باشند و به بحث و تصمیم‌گیری در امور مردم پرداخته و خط مشی (سیاست) روستاها، محلات، شهرها و نواحی را تدوین می‌کنند. شوراها از جامعه محافظت نموده، و تداوم آنرا تضمین می‌کنند. آن‌ها دستیابی به اهداف جامعه در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی را ضمانت نموده و با ایجاد دموکراسی مستقیم، جامعه را سازمان داده، و قواعد و اصول مرتبط با زندگی آزاد و دموکراتیک را وضع می‌کنند.

ماده ۵۰

تمام شوراها باید با توجه به اصول زیر تشکیل شوند:

شوراها شامل تعداد مکفی از اعضای منتخب، بر حسب تراکم جمعیت هستند. شصت درصد (۶۰٪) از نمایندگان مستقیماً توسط مردم انتخاب شده و چهل درصد (۴۰٪) از میان (و توسط) هویت‌ها، گروه‌ها و اقلیت اجتماعی انتخاب می‌شوند و [تفصیل ضوابط آن] از طریق قانون خاصی بر طبق دموکراسی توافقی تعیین می‌گردد.

۱. هیچ عضوی از اعضای شوراها و هیئت‌های اجرایی نباید بیش از دو دوره متوالی، برای پُست ریاست مشترک، نامزد شود.

۱۲. روزاوا سرزمینِ زرد، سرخ، سبز

۲. شورای روستا، محله، شهر، منطقه یا ناحیه، توسط نمایندگان که توسط گروه‌های قومی، ایدئولوژیکی، فرهنگی، اقشار اجتماعی، و کمون‌های محدوده هر شورا، بصورت دمکراتیک انتخاب می‌شوند، شکل می‌گیرد. مدت دوره انتخاباتی از طریق آیین نامه شوراها تعیین می‌شود.

۳. شوراها تعداد مکفی از اعضای هیئت هماهنگی در محله و شهر، و اعضای هیئت اجرایی در شهر و منطقه را بر می‌گزینند. هر شورا رؤسای مشترک خود را انتخاب نموده و فعالیت‌هایش را از طریق کمیته‌های مختلف سازماندهی می‌کند.

۴. شوراها، اعضای سیستم‌های قضایی و اداره امنیت داخلی را تأیید نموده و بر [عملکرد] ایشان نظارت می‌کنند.

بخش دوم - شوراهای ناحیه

ماده ۵۱

ناحیه در سیستم اجتماعی فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه، به یک شهر و شهرک‌ها و روستاهای اطراف آن اطلاق می‌شود.

۱. شورای ناحیه، یک سیستم قانونی است که با توجه به قوانین انتخابات شکل می‌گیرد و [اعضای آن] از طریق رأی گیری آزاد مردم و گروه‌ها برگزیده می‌شوند و تعداد اعضای آن متأثر از جمعیت و اندازه ناحیه است.

۲. شورا سیاست‌های کل ناحیه را مشخص ساخته و تصمیم‌های ضروری را اتخاذ می‌کند.

۳. شورا فعالیت‌ها را با توجه به ابعاد [مختلف] ملت دمکراتیک سازماندهی نموده و کمیته‌ها را مطابق اصول آن تشکیل می‌دهد.

۴. شورا هیئت اجرایی خود را [از طریق انتخابات داخلی] بر می‌گزیند.

۵. شورا اعضای دفتر قضایی و اداره امنیت داخلی ناحیه را تأیید می‌کند.

۶. شورا بر نحوه اجرای عدالت، امنیت داخلی، و سیستم‌های اداری ناحیه نظارت دارد.

ماده ۵۲ - هیئت اجرایی ناحیه

۱. این هیئت شامل اعضا به تعداد مکفی و دو رئیس مشترک است که توسط شورای ناحیه انتخاب می‌شوند.

۲. این هیئت تصمیمات متخذه را اجرا نموده و سیاست‌های اتخاذ شده توسط شورای ناحیه را عملی می‌سازد. هیئت اجرایی نسبت به شورای ناحیه پاسخگوست و گزارش فعالیت‌های دوره‌ای را به شورا ارائه می‌دهد.

۳. هیئت فعالیت‌هایش را از طریق کمیته‌هایی متشکل از اعضا به تعداد مکفی، سازماندهی نموده و عملی می‌سازد. دونفر سخنگوی مشترک در هر کمیته، فعالیت‌های کمیته را هماهنگ می‌کنند. سخنگویان کمیته‌ها باید از اعضای هیئت اجرایی ناحیه باشند.

بخش سوم

ماده ۵۳ - نظام اقلیم

اقلیم در فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه، به یک واحد خودمدیریت (خودگردان) اطلاق می‌شود که شامل یک یا چند ناحیه یا چند منطقه بوده که

مشخصه‌های تاریخی، دموگرافیکی، اقتصادی و فرهنگی یکسان و پیوستگی جغرافیایی داشته باشند.

ماده ۵۴ - حقوق، اختیارات، و مسئولیت‌های اقلیم‌ها

۱. اقلیم‌های خودمدیریت دموکراتیک در فدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه، باید طبق اصول خودمدیریتی دموکراتیک در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیت داخلی، بهداشت، آموزش، دفاع، و فرهنگ، خود را سازماندهی و امورشان را اداره کنند. و از حقوق و اختیارات تعیین شده در چهارچوب قوانین مصوب فدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه بهره‌مند شوند.

۲. هر اقلیم باید خود را با توجه به اصول خودکفایی در بخش اقتصادی سازماندهی کند و به نسبتِ قدرت و شرایطش، در تأمین رفاه و شکوفایی اقتصادی عمومی در فدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه مشارکت نماید.

۳. همه اقلیم‌ها باید توزیع عادلانه منابع طبیعیِ رو زمینی و زیرزمینی (نفت، آب، ذخایر معدنی، جنگل) در فدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه و سوریه فدرال دموکراتیک را بپذیرند. نحوه توزیع عادلانه ثروت طبیعی توسط قوانین تعیین می‌شود.

۴. هر اقلیم باید حق داشته باشد سیستم قضایی خود را بنا نهاده و توسعه دهد، بشرط آنکه با قرارداد اجتماعی فدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه و معاهدات و منشورهای بین‌المللی حقوق بشر، در تعارض نباشد.

۵. هر اقلیم، خود در قبال سازماندهی و تقویت سیستم امنیت داخلی‌اش مسئول است.

۶. هر اقلیم در برابر حملات خارجی حق دفاع مشروع داشته، و باید درخصوص دفاع از فدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه و سوریه فدرال دموکراتیک مسئول باشد.

۷. هر اقلیم باید حق داشته باشد تا با کشورها و مردمان همسایه‌اش، روابط دیپلماتیک، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برقرار نموده و گسترش دهد، بشرط آنکه در تعارض با قرارداد اجتماعی فدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه و سوریه فدرال دموکراتیک نباشد.

۸. هویت‌های هر اقلیم باید حق داشته باشند حیات سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی خود را با استفاده از زبان مادری و فرهنگ خودشان بنا نهاده و تجربه کنند.

۹. آیین‌نامه‌ها و سازوکارهای هر بند از حقوق، اختیارات، و مسئولیت‌های اقلیم‌ها که در بالا ذکر شد، توسط قوانین مشخص و تفصیلی تعیین می‌شود

ماده ۵۵ - مجلس خلق اقلیم

۱. مجلس خلق، نماینده مردم و گروه‌های سرتاسر اقلیم است که به وضع قانون، نظارت، و ترسیم سیاست‌های کلی می‌پردازد. دوره انتخاباتی مجلس، چهار سال بوده و نحوه عملکرد و سازوکار آن توسط قانون تعیین خواهد شد.

۲. چهل درصد (۴۰٪) از اعضای مجلس، نمایندگان هویت‌های قومی، دینی، عقیدتی، و فرهنگی بوده که از طریق انتخابات دموکراتیک مستقیم برگزیده می‌شوند و قانون خاصی سازوکار انتخابات را مشخص می‌سازد. شصت درصد (۶۰٪) بقیه نمایندگان، از طریق انتخابات عمومی گزینش خواهند شد.

۳. اولین جلسهٔ مجلس، در شانزدهمین روز پس از اعلان نتایج در همهٔ مناطق، که توسط کمیسیون عالی انتخابات اعلام می‌شود، و متعاقب فراخوان رؤسای مشترک شورای اجرایی، تشکیل می‌شود. اگر اولین جلسه، بنا به دلایل اجتناب ناپذیر، تشکیل نشد، رؤسای مشترک شورای اجرایی، در خصوص تعیین تاریخ دیگری در پانزده روز آینده تصمیم‌گیری خواهند کرد. جلسه با حضور حد نصاب نصف بعلاوهٔ یک (+۱/۵۰٪) از مجموع نمایندگان رسمیت خواهد یافت. ریاست اولین جلسهٔ مجلس خلق بر عهدهٔ مسن‌ترین عضو بوده و طی جلسهٔ نخست، رؤسای مشترک و اعضای دیوان [ریاست مجلس] انتخاب خواهند شد. جلسات مجلس باید علنی برگزار شود، مگر بنا به اقتضای ضرورت، مطابق با آیین‌نامه‌های داخلی مجلس.

۴. تمدید دورهٔ مجلس به مدت شش ماه، در موارد فوق‌العاده، و با درخواست یک چهارم از اعضا یا دیوان ریاست مجلس و با موافقت دو سوم نمایندگان، امکان‌پذیر است.

۵. هر نمایندهٔ مجلس در دورهٔ نمایندگی باید از مصونیت [قضایی] برخوردار بوده و نباید وی را بخاطر نظراتش بازخواست نمود و نباید بدون مجوز مجلس او را تحت پیگرد قانونی قرارداد، مگر در حین ارتکاب جرم، که در این حالت نیز باید به دیوان ریاست مجلس اطلاع داده شود.

۶. مجلس باید در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، امنیت داخلی، تحصیلی، بهداشتی، و فرهنگی اقلیم، به ترسیم سیاست‌ها پرداخته و تصمیم‌گیری کند.

۷. دیوان ریاست مجلس شامل شش عضو، از جمله دو نفر رؤسای مشترک، توسط مجلس از بین نمایندگان انتخاب می‌شوند تا فعالیت‌های مجلس را سازماندهی و مدیریت کنند.

۸. مجلس از طریق کمیته‌هایش، وظایف نظارتی و کنترلی خود را انجام می‌دهد.

۹. رؤسای مشترک شورای اجرایی اقلیم، با رأی اکثریت دو سوم نمایندگان مجلس انتخاب می‌شوند و مکلفند تا به تشکیل شورای اجرایی پرداخته و آنرا به تأیید نمایندگان برسانند. مجلس باید حق داشته باشد به شورای اجرایی یا هریک از اعضای آن رأی عدم اعتماد دهد.

۱۰. مجلس باید اعضای سیستم‌های قضایی، سیستم امنیت داخلی، و اعضای شورای رسانه، نشر و اطلاعات را تأیید نموده و بر فعالیت‌های ایشان نظارت کند.

۱۱. مجلس باید از طریق کمیته‌ها به سازماندهی و اجرای فعالیت‌ها بپردازد. جلسات مجلس باید بصورت منظم برگزار شده و در صورت نیاز جلسات فوق‌العاده منعقد گردد.

۱۲. امور مجلس مطابق با آیین‌نامه‌های داخلی مربوطه انجام می‌گیرد.

۱۳. مجلس به وضع و تصویب قوانین اقلیم می‌پردازد.

۱۴. مجلس بودجه عمومی اقلیم را تصویب می‌کند.

۱۵. مجلس، باید سیاست کلی و طرح‌های توسعه اقلیم را تصویب کند.

۱۶. تصویب و اعطای عفو عمومی در اقلیم بر عهده مجلس است.

۱۸. روزاوا سرزمینِ زرد، سرخ، سبز

ماده ۵۶ - شورای اجرایی اقلیم

۱. این شورا متشکل از رؤسای مشترک، معاونان، و تعدادی هیئت بوده و باید در آن، نمایندگی منصفانه مردم، گروه‌ها و اقشار اجتماعی لحاظ شده باشد.

۲. این شورا دستگاه اجرایی اقلیم است. تصمیمات مجلس خلق و نهادهای قضایی را اعمال نموده و گزارش فعالیت‌هایش را بطور منظم به مجلس ارائه می‌دهد.

۳. شورا از طریق هیئت‌ها و با توجه به ابعاد [مختلف] ملت دموکراتیک، خود را سازماندهی نموده و قدرت اجرایی جمعی خود را شکل می‌دهد. رؤسای مشترک شورا، وظایف هیئت‌ها را بایشان ارجاع می‌دهند.

۴. دو سخنگوی مشترک که توسط اعضای شورای اجرایی انتخاب می‌شوند، نمایندگی هیئت را برعهده دارند. هر هیئت با توجه به فعالیت آن، مشتمل بر تعداد مکفی از اعضا و نمایندگان است.

۵. ایجاد و ساماندهی امور شورای اجرایی، و روابط شورای مذکور با سایر نهادها و ادارات، مطابق قانون تعیین می‌شود.

۶. پس از تشکیل و اخذ رأی اعتماد از مجلس، شورای اجرایی طی بیانیه‌ای، برنامه کاری خود را برای مرحله بعد ارائه می‌دهد. بعد از تأیید برنامه کاری توسط مجلس، شورا متعهد به اجرای برنامه مذکور در دوره پیش رو می‌باشد.

بخش چهارم

ماده ۵۷ - مجمع خلق‌های دموکرات

مجمع خلق‌های دموکرات، نماینده تمام مردمان ساکن در فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه است. این مجمع نماد ائتلاف در همزیستی برادرانه و یکپارچگی

آزاد دموکراتیک بوده که توسط مردم منطقه بنیان نهاده شده است. این مجمع مشتمل بر مردمانِ کُرد، عرب، سریانی، آشوری، ارمنی، ترکمن، چرکس، و چچن، و همچنین گروه‌های عقیدتی و فرهنگی، مانند مسلمانان، مسیحیان، و ایزدی‌های داخل فدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه است. مجمع، ساختار و خصائص تاریخی، دموگرافیکی، جغرافیایی، دینی، عقیدتی، قومی و فرهنگی همهٔ مردمان و گروه‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و بر اساس اراده و مطالبات ایشان شکل می‌گیرد.

مجمع خلق‌های دموکرات، حق مردم و گروه‌ها برای ایجاد خودمدیریتی دموکراتیک را تضمین نموده و آزادی‌های عقیدتی، قومی و فرهنگی را توسط قانون ضمانت می‌کند. مجمع در سازماندهی جامعه، نظام دموکراتیک را مبنای قرارداد و جامعه را قادر می‌سازد تا در توازن اقتصادی و اکولوژیکی زندگی کند.

مجمع خلق‌های دموکرات، سازمان خودمدیریت دموکراتیک اقلیم‌ها، گروه‌ها و واحدهای محلی را بنیان نظام فدرال دموکراتیک می‌داند و هدف آن متحد نمودن تمام گروه‌ها، با ارادهٔ آزاد خودشان، زیر چتر فدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه است.

ماده ۵۸ - تشکیل و سازماندهی مجمع خلق‌های دموکرات

۱. اعضای مجمع خلق‌های دموکرات، هر چهار سال یکبار، مطابق قانون انتخابات و بر حسب جمعیت هر اقلیم، توسط مردم انتخاب می‌شوند.

۲. مجمع خلق‌های دموکرات، بعنوان قانونگذار عمل می‌کند و نمایندهٔ کل خلق‌ها و گروه‌های فدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه است.

۳. اعضای مجمع خلق‌های دمکرات، بشرح زیر انتخاب می‌شوند: چهل درصد (۴۰٪) بواسطهٔ انتخابات مستقیم و دمکراتیک از میان هویت‌های قومی، دینی، عقیدتی، و فرهنگی بر حسب جمعیت، و از بین اقشار اجتماعی بر حسب سطح سازمانی آن‌ها طبق قانون انتخابات، و شصت درصد (۶۰٪) نیز از طریق انتخابات عمومی توسط مردم.

۴. مجمع خلق‌های دمکرات از طریق دیوان ریاست، اداره می‌شود که مشتمل بر دو نفر رؤسای مشترک و چهار معاون است. نامزدهای دیوان ریاست و ریاست مشترک دیوان، با توافق نمایندگان گروه‌ها و اقشار اجتماعی حاضر در مجمع عمومی، به مجمع پیشنهاد می‌شوند. رؤسای مشترک دیوان با رأی اکثریت مطلق از تعداد کل نمایندگان، و سایر اعضای دیوان ریاست بر اساس نصف بعلاوهٔ یک از مجموع آراء شرکت‌کنندگان در جلسهٔ مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. با هر بار تجدید اعضای مجمع عمومی، رؤسای مشترک و معاونین آن‌ها [دوباره] انتخاب می‌شوند.

۵. مجمع خلق‌های دمکرات از طریق کمیته‌ها کار می‌کند. [بدین ترتیب که] مجمع، پیش‌نویس نهایی مصوبه‌ها و پروژه‌های پیشنهادی را به جلسهٔ مجمع عمومی ارائه نموده و در صورت نیاز کمیته‌های لازم را تشکیل می‌دهد. فعالیت‌های مجمع مطابق آیین‌نامه‌های داخلی انجام می‌گیرد.

ماده ۵۹ - وظایف مجمع خلق‌های دمکرات

۱. مجمع، رؤسای مشترک و اعضای دیوان ریاست را انتخاب می‌کند.

۲. مجمع، رؤسای مشترک شورای اجرایی را با اکثریت دو سوم آرا انتخاب نموده و آن‌ها را موظف می‌سازد که در ظرف یکماه شورای اجرایی را تشکیل

داده و به تأیید مجمع برسانند. مجمع باید حق داشته باشد که به شورا یا هر کدام از اعضای آن رأی عدم اعتماد دهد.

۳. مجمع، در تمام عرصه‌های زندگی جامعه، به ترسیم سیاست کلی و تعیین اهداف استراتژیک می‌پردازد.

۴. مجمع، بر اساس درخواست یک چهارم و تصویب دو سوم اعضایش، قرارداد اجتماعی را تنظیم یا اصلاح می‌کند.

۵. اعلان بیانیه صلح یا جنگ در فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه بر عهده مجمع است.

۶. مجمع به وضع تمام قوانین مرتبط با فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه می‌پردازد.

۷. مجمع از طریق کمیته‌ها بر [عملکرد] هیئت‌ها نظارت می‌کند.

۸. مجمع به برگزاری جلسات منظم دوره‌ای و [همچنین] جلسات فوق‌العاده اقدام می‌کند. [در این جلسات] فعالیت‌هایش را ارزیابی نموده و ضمن برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های آتی، به بحث در خصوص پروژه‌های پیش‌بینی شده و تصویب آن‌ها می‌پردازد.

۹. مجمع، اعضای شورای قضایی، سیستم امنیت داخلی، شورای رسانه، نشر و اطلاعات، و کمیسیون عالی انتخابات را تأیید و بر فعالیت‌هایشان نظارت می‌کند.

۱۰. مجمع، انتصاب و ارتقای فرماندهی کل شورای نظامی را تأیید نموده و بر فعالیت‌هایش نظارت می‌کند.

۱۱. مجمع، قراردادها و معاهدات میان فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه، و نهادهای فراملی، دولت‌ها، یا گروه‌های مختلف را مورد بحث قراردادده و تأیید می‌کند.

۱۲. تمدید دورهٔ انتخاباتی مجمع خلق‌های دمکراتیک به مدت شش ماه، در موارد فوق‌العاده، و با درخواست یک چهارم از اعضا یا دیوان ریاست مجمع و با موافقت دو سوم اعضا، امکان‌پذیر است.

۱۳. تأیید الحاق یک منطقه یا اقلیم به فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه، پس از قبول قرارداد اجتماعی، بر عهدهٔ مجمع است.

۱۴. مجمع، بودجهٔ عمومی فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه را تصویب می‌کند.

۱۵. تصویب و اعطای عفو عمومی در سطح فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه، بر عهدهٔ مجمع است.

ماده ۶۰ - وظایف دیوان ریاست مجمع

۱. دیوان، نمایندهٔ مجمع خلق‌های دمکرات در فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه بوده و مسئول ساماندهی، هماهنگی، اجرا و نظارت بر تمام فعالیت‌های مجمع است.

۲. دیوان، جلسات مجمع عمومی را سازماندهی نموده و بر آن نظارت می‌کند.

۳. دیوان، کمیته‌ها را فعال ساخته، کنترل نموده و بر عملکرد آن‌ها نظارت می‌کند.

ماده ۶۱ - شورای اجرایی فدرال

۱. این شورا از تعداد اعضای مکفی تشکیل شده و تعداد اعضای زن و مرد آن با هم برابر است. در این شورا، نمایندگی منصفانهٔ مردم، گروه‌ها و اقشار اجتماعی

همهٔ اقلیم‌ها لحاظ شده است. عضویت در شورای اجرایی می‌تواند به بیست درصد (۲۰٪) از کسانی اعطا شود که عضو مجمع نیستند.

۲. اعضای شورای اجرایی از میان نامزدهای پیشنهاد شده توسط شوراهای اقلیم‌ها، از اعضای مجمع، انتخاب می‌شوند. در صورتیکه مجمع آن‌ها را تأیید نکند، اعضای دیگری، بجای افراد تأیید نشده، پیشنهاد می‌شوند. [در این فرآیند] حضور منصفانهٔ نمایندگان اقلیم‌ها، لحاظ می‌شود.

۳. باید رؤسای مشترک شوراهای اجرایی اقلیم‌ها، حق داشته باشند تا در صورت لزوم، در جلسات شورای اجرایی فدرال حضور یابند.

۴. رؤسای مشترک شوراهای اجرایی اقلیم‌ها، حق ندارند برای ریاست مشترک شورای اجرایی فدرال نامزد شوند.

۵. رؤسای مشترک، نمایندهٔ شورای اجرایی بوده و فعالیت‌های آنرا هدایت می‌کنند.

ماده ۶۲ - وظایف شورای اجرایی فدرال

۱. اجرای تصمیمات اتخاذ شده و اعمال سیاست‌های تعیین شده توسط مجمع خلق‌های دمکرات، در فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه، بعهدهٔ شورای اجرایی فدرال است.

۲. شورا فعالیت‌های دیپلماتیک فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه را انجام می‌دهد.

۳. شورا در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، مشارکت و هماهنگی میان اقلیم‌ها را تضمین می‌کند.

۴. شورا، کار هیئت‌ها را کنترل نموده و بر آن‌ها نظارت می‌کند.

۵. شورا به مجمع خلق‌های دمکرات در فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه، گزارش می‌دهد.

۶. شورای اجرایی در فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه، از طریق هیئت‌هایش امور خود را سازماندهی نموده، و با توجه به ابعاد [مختلف] ملت دمکراتیک، قدرت اجرایی جمعی خود را شکل می‌دهد.

۷. هر هیئت حداقل متشکل از شش عضو، شامل دو رئیس مشترک بوده که کار آن هیئت را هماهنگ نموده و بر آن نظارت می‌کنند. رؤسای مشترک باید از اعضای شورای اجرایی باشند.

۸. هیئت‌های شورای اجرایی فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه، بر کار هیئت‌های اقلیم‌ها نظارت داشته و از آن‌ها پشتیبانی می‌کنند و هماهنگی بین آن‌ها را انجام می‌دهند.

بخش پنجم

ماده ۶۳ - نهاد رسانه، نشر و اطلاعات

۱. نهاد رسانه، نشر، و اطلاعات، باید بر اساس اصل رسانه و نشر آزاد و دمکراتیک، خود را بصورت مستقل سازماندهی کند. این نهاد به توسعه و پشتیبانی مؤسسات رسانه‌ای و انتشاراتی کمک نموده و در چهارچوب قانون، فعالیت‌های رسانه آزاد را تضمین می‌کند. نهاد مذکور، انحصارگرایی در عرصه رسانه و نشر را مجاز ندانسته و باید بر تحقق آزادی رسانه، طبق [اصل] آزادی جامعه در کسب اخبار و اطلاعات لازم، کنترل و نظارت کند. این نهاد همچنین

موظف به تأمین عادلانه و برابر حمایت مالی برای تمام سیستم‌های رسانه‌ای و انتشاراتی در چهارچوب قانون است.

۲. این نهاد شامل اعضا به تعداد مکفی است که نصف آن‌ها از طریق انتخابات، توسط مجمع یا شوراهای اقلیم‌ها، از میان نمایندگان هویت‌ها و اقشار اجتماعی انتخاب شده و نیمی دیگر توسط نهادهای رسانه‌ای ملی (فدرال) انتخاب می‌شوند.

۳. فعالیت‌های این نهاد بر اساس اصول قانون رسانه و نشر انجام می‌گیرد. این نهاد خود را با توجه به زمینه‌های فعالیتش سازماندهی نموده، کمیته‌ها را شکل داده و بر اساس آیین‌نامه‌های داخلی‌اش به انجام فعالیت‌ها می‌پردازد.

۴. مجالس خلق اقلیم‌ها و مجمع خلق‌های دمکرات، بر فعالیت‌های این نهاد نظارت می‌کنند.

بخش ششم

ماده ۶۴ - نیروی دفاع مشروع

"نیروهای سوریه دمکراتیک" نیروهای دفاعی مسلح در "فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه" هستند. این نیروها از یکسو متکی به پذیرش داوطلبانه مردم بوده و از دیگر سو مبتنی بر وظیفه دفاع از خود می‌باشند. این نیروها موظفند تا از فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه و سوریه فدرال دمکراتیک، در برابر هرگونه حمله یا تهدید خارجی احتمالی دفاع نموده و محافظت کنند. نیروهای مذکور حفاظت از جان و مال شهروندان را تأمین می‌کنند. این نیروها، با توجه به قانون نظام استخدام [نیروهای مسلح]، خود را به شکل نیمه مستقل، سازماندهی

می‌کنند. فعالیت‌های نیروهای سوریه دمکراتیک، تحت نظارت مجمع خلق‌های دمکرات و هیئت دفاع قرار دارد.

بخش هفتم - شورای قرارداد اجتماعی

ماده ۶۵

شورای قرارداد اجتماعی متشکل از تعدادی قاضی، وکیل و حقوقدان است. تعداد و روش‌گزینش اعضا و نحوه کار شورا توسط قانون تعیین می‌شود و به تصویب دو سوم از اعضای مجمع خلق‌های دمکرات می‌رسد. هنگام انتخاب اعضای شورای قرارداد اجتماعی، مجمع خلق‌ها باید نمایندگی تمام هویت‌ها را در نظر بگیرد.

ماده ۶۶ - وظایف شورای قرارداد اجتماعی

۱. تفسیر مفاد قرارداد اجتماعی بر عهده شورای قرارداد اجتماعی است.
۲. شورای قرارداد اجتماعی ناظر بر عدم تعارض قوانین صادر شده از مجمع خلق‌ها، تصمیمات اتخاذ شده توسط شورای اجرایی، و قوانین و تصمیمات صادره از شوراهای اقلیم‌ها، با قرارداد اجتماعی است.
۳. حل و فصل اختلافات ناشی از کاربرد این قرارداد میان مجمع خلق‌های دمکراتیک، شورای اجرایی، و شورای قضایی، بر عهده شورای قرارداد اجتماعی است.
۴. این شورا به حل و فصل اختلافات میان فدرالیسم و اقلیم‌ها یا اختلافات فیما بین اقلیم‌ها می‌پردازد.

۵. هرگاه یکی از طرفین دعوا مدرکی ارائه دهد که قانونی بودن یک مورد حقوقی بکار رفته توسط دادگاه را به چالش کشد، و دادگاه مدرک ارائه شده را موثق دانسته و لازم بداند تا در آن خصوص تصمیم‌گیری شود، باید دادرسی را به حالت تعلیق درآورده و شواهد و مدارک را به شورای قرارداد اجتماعی ارجاع دهد.

۶. شورا، نتایج انتخابات و همه پرسش‌های عمومی را تأیید می‌کند.

بخش هشتم - سیستم قضایی

ماده ۶۷

سیستم قضایی دموکراتیک، مسائل مرتبط با عدالت و حقوق اجتماعی را از طریق مشارکت مردمی و خود-سازماندهی حل می‌کند. در این سیستم، چشم انداز عدالت، معطوف به اصول اخلاقی جامعه دموکراتیک است و هدف آن ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر یک رویکرد و دیدگاه دموکراتیک و اکولوژیک بوده که اساساً به آزادی زنان باور داشته و از حیات اجتماعی نشأت می‌گیرد و امور خود را بر اساس [اصول] یک جامعه دموکراتیک سازماندهی می‌کند. خدمات قضایی از طریق مشارکت اجتماعی و سازماندهی دموکراتیک واحدهای محلی انجام می‌گیرد.

ماده ۶۸ - اصول دادوری

۱. عدالت اجتماعی اساس سازماندهی جامعه و صیانت نفس آن محسوب می‌شود و مبتنی بر حل مسائل اجتماعی مرتبط با عدالت در کمون‌های روستا، محله و ناحیه است و مسائل را با توسل به گفت‌وگو، مذاکره و رضایت متقابل حل می‌کند.

۲. اعمالی که به زندگی اجتماعی و محیط زیست آسیب می‌رسانند، جرم محسوب می‌شوند و در صورت ارتکاب جرم، قربانیان فرصت دارند تا از حقوقشان دفاع کنند. جامعه باید حق داشته باشد تا آسیب را مورد ارزیابی و نقد قرار داده و پیشنهادش را ارائه دهد و در زمینه تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشد.

۳. هدف از مجازات، باید اصلاح مجرمان و الزام آن‌ها به جبران خسارت، [آموزش و] افزایش آگاهی آن‌ها، و بازگرداندن آن‌ها به زندگی اجتماعی با روش درست باشد.

۴. درخصوص مشکلات مربوط به مردم، گروه‌ها، و اقشار اجتماعی، آن‌ها باید حق داشته باشند تا به تشکیل مکانیسم‌های قضایی و توسعه راه حل‌های خاص خودشان پردازند بشرط اینکه با قرارداد اجتماعی و مبانی حقوق بشر در تعارض نباشد.

۵. مسائل مربوط به منافع عمومی و امنیت همگانی، در سیستم‌های قضاییِ دربرگیرنده نمایندگان کل جامعه، حل و فصل می‌شوند.

۶. سازمان‌های ویژه زنان و حضور برابر زنان، از اصول عرصه عدالت و فعالیت‌های نهادی آن است و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با زنان توسط سیستم‌های قضایی [ویژه] زنان، انجام می‌شود.

ماده ۶۹ - چگونگی سازماندهی و مبانی کار سیستم‌های قضایی شامل کمیته‌های صلح، دفاتر قضایی، کمیته‌های تحقیق، شورای قضایی و شورای قضایی زنان می‌باشند. آن‌ها نهادهای اصلی فعال برای

تحقق و تثبیت عدالت اجتماعی بوده و اعضای آنها توسط شوراهای انتخاب می‌شوند.

۱. کمیته‌های صلح؛ به حل و فصل درگیری‌ها و اختلاف نظرها پرداخته و صلح و توافق اجتماعی را تحقق می‌بخشند. این کمیته‌ها در هر جا و در تمام سطوح، از کمون تا اقلیم، در صورت لزوم خود را سازماندهی می‌کنند و اعضای آنها از داوطلبان و افراد مورد احترام [مقبول] جامعه می‌باشند.

۲. دفاتر قضایی؛ از جمله سیستم‌های قضایی بوده که برای تحقق عدالت، خود را در شهرها، ناحیه‌ها و هر جا که رفع بیعدالتی از اجتماعات و افراد لازم باشد، سازماندهی می‌کنند. اعضای این دفاتر توسط شورای قضایی اقلیم پیشنهاد شده و به تأیید مجالس خلق می‌رسند. دفاتر قضایی در شهرها و مناطق بر حسب نیاز تشکیل می‌شوند.

۳. کمیته‌های تحقیق؛ سیستم‌های ویژه قضایی بوده که با برخورداری از تخصص قابل توجه در زمینه بررسی و تشخیص موارد جرم، به تحقق عدالت کمک می‌کنند. اعضای این کمیته‌ها پس از تأیید توسط شورای محل سکونتشان به انجام وظایف خود می‌پردازند.

۴. شوراهای قضایی اقلیم؛ به سازماندهی و نظارت بر نهادهای قضایی اقلیم مربوطه می‌پردازند. اعضای این شوراهای از طریق رأی‌گیری توسط مجلس خلق اقلیم انتخاب می‌شوند. این شوراهای حضور دمکراتیک و عادلانه نمایندگان مردم، گروه‌ها و اقشار اجتماعی بر مبنای سهمیه در نهادهای قضایی را تأمین می‌کنند.

۵. شورای قضایی فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه؛ مسئولیت نظارت و کنترل [کل] نظام قضایی را بر عهده دارد. این نهاد، گزارشات، پروژه‌ها و پیش‌نویس

تصمیم‌گیری‌ها در خصوص فعالیت‌های قضایی را به مجمع خلق‌های دمکرات ارائه می‌دهد. نهاد مذکور هماهنگی متقابل میان اقلیم‌ها را تأمین می‌نماید. اعضای این شورا توسط شوراهای قضایی اقلیم‌ها معرفی شده و توسط مجمع خلق‌های دمکرات تأیید می‌شوند.

۶. شورای قضایی زنانِ فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه؛ نظام مختص زنان است که به کلیهٔ مسائل و امور مربوط به زنان و خانواده می‌پردازد. این نهاد با شورای قضایی اقلیم هماهنگی نموده و بر آن نظارت می‌کند.

بخش نهم

ماده ۷۰ - کمیسیون عالی انتخابات

۱. یک سوم اعضای کمیسیون از جانب شورای قضایی فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه پیشنهاد شده و دو سوم باقیمانده توسط نمایندگان هویت‌ها و اقشار اجتماعی پیشنهاد می‌شوند. تمام اعضا باید به تأیید مجمع خلق‌های دمکرات برسند.

۲. این نهاد از تعداد مکفی اعضای متخصص تشکیل شده است و در قبال برنامه‌ریزی، سازماندهی و انجام همه پرس‌های عمومی، انتخابات مجلس عمومی مجمع خلق‌های دمکرات، انتخابات اعضای مجالس خلق اقلیم و تمام انتخابات قانونی و دمکراتیک، بر حسب قانون، مسئول است.

۳. کمیسیون عالی انتخابات در مواردی از قبیل نقض یا اعتراض به انتخابات تصمیم می‌گیرد و تصمیم آن قابل تجدید نظر نیست. کمیسیون بر اساس آیین‌نامه داخلی آن عمل می‌کند.

۴. این نهاد، کمیسیون انتخابات اقلیم را سازماندهی نموده و تشکیل می‌دهد. یک سوم اعضا کمیسیون انتخابات اقلیم توسط شورای قضایی اقلیم و دو سوم باقیمانده توسط نمایندگان هویت‌ها و اقشار اجتماعی پیشنهاد می‌شوند و مجلس خلق اقلیم آن‌ها را تأیید می‌کند.

۵. کمیسیون انتخابات اقلیم، با توجه به آیین‌نامه‌های داخلی خود، در نواحی مختلف کمیته‌هایش را سازماندهی نموده و شکل می‌دهد.

۶. این نهاد می‌تواند اعضایش را بعنوان ناظر (مراقب) انتخابات احزاب سیاسی و نهادهای رسمی در [سطح] فدرالیسم و اقلیم‌ها [به محل انتخابات] بفرستد.

فصل چهارم

مقررات عمومی

ماده ۷۱

روابط بین "فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه" و "فدرالیسم دمکراتیک سوریه" باید در تمام سطوح، مطابق با قانون اساسی دمکراتیک توافقی مشخص شود.

ماده ۷۲

تمام ادارات منتخب، باید تحت نظارت (کنترل) انتخاب‌کنندگان آن‌ها باشند. سیستم‌های انتخاباتی باید حق داشته باشند تا در صورت لزوم به نمایندگانشان رأی عدم اعتماد دهند. و [جزئیات] آن توسط قانون تعیین می‌شود.

ماده ۷۳

در خصوص تمام مسائل تعیین کننده مرتب با منفعت عمومی از قبیل؛ ترکیب قرارداد اجتماعی، پیوستن یا خروج از معاهدات بین‌المللی، و اصلاح شکل نظام، باید همه بررسی انجام شود.

ماده ۷۴

هویت‌های محلی باید حق داشته باشند به تصمیمات سیستم‌های عمومی (فدرال) که در تعارض با مصالح‌ایشان بوده و با خواست و اهداف آنها موافق نیست، اعتراض کنند، اگر اعتراض با اجماع عمومی از طریق ارائه تصمیمات به افراد مورد نظر جهت تأیید، حل نشده باشد.

ماده ۷۵

در صورت تعارض میان تصمیمات اقلیم‌ها، یا هویت‌های محلی با منافع عمومی یا قرارداد اجتماعی، این تصمیمات می‌تواند توسط شورای قرارداد اجتماعی رد شود.

ماده ۷۶

حیات اکولوژیک و توازن اکولوژیکی باید حفظ شود.

ماده ۷۷

منابع طبیعی، ثروت جامعه بوده و سرمایه‌گذاری و استفاده از آنها باید بر اساس نیاز اقلیم‌ها صورت گیرد. و [جزئیات] آن توسط قانون تعیین می‌شود.

ماده ۷۸

سرمایه‌گذاری خارجی در چهارچوب قانون و با تأیید مجمع خلق‌های دموکراتیک و مجلس خلق اقلیم مربوطه مجاز می‌باشد.

ماده ۷۹

تأسیس احزاب و جنبش‌های سیاسی امکانپذیر است. آن‌ها می‌توانند آزادانه خود را سازماندهی نموده و در چهارچوب قانون به فعالیت بپردازند.

ماده ۸۰

سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی همچون جمعیت‌ها، انجمنها، سندیکاها، اتحادیه‌ها، اتاق‌ها و غیره می‌توانند خود را آزادانه در چهارچوب قوانین فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه سازماندهی کنند. سازمان‌های دمکراتیک اقشار اجتماعی می‌تواند در تمام زمینه‌ها توسعه یافته و حمایت شوند.

ماده ۸۱

هیچ عضوی از اعضای مجمع خلق‌های دمکراتیک و مجلس خلق اقلیم‌ها مجاز نیست که برای بیش از دو دوره متوالی نامزد شود.

ماده ۸۲

حداقل سن رأی‌دهندگان و نامزدها برای تمام نهادها و شوراهای سیستم فدرال، هجده سال است. و شرایط نامزدی و انتخابات توسط قانون خاص تعیین می‌شود.

ماده ۸۳

اصلاحیه اصول کلی این قرارداد در صورت توافق مجالس خلق اقلیم‌ها و تصویب هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) اعضای مجمع خلق‌های دمکرات امکانپذیر است.

مجلس مؤسسان فدرالیسم دمکراتیک شمال سوریه

سرواژه ها

سرواژه ها . ۱

AIT	Anti-Fascist International Battalion/Tabûr	گردان بین‌المللی ضد فاشیست
AKP	Adalet ve Kalkınma Partisi	حزب عدالت و توسعه (آ.ک.پ)
CNT	Confederación Nacional del Trabajo	کنفدراسیون ملی کار (س.ن.ت)
CPI	Corruptions Perception Index	شاخص احساس فساد
DAA	Democratic Autonomous Administration/ Rêveberiya Xweseriya Demokratîk	اداره خودمدیریتی دمکراتیک
DBK	Desteya Bilind a Kurd	هیئت عالی کُرد
ENKS	Encûmena Niştimanî ya Kurdî li Sûriyê	انجمن میهنی کردهای سوریه (ا.ن.ک.س)
EZLN	Ejército Zapatista de Liberación Nacional	ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیستا (ا.ز.ل.ن)
FAI	Federación Anarquista Ibérica	فدراسیون آنارشویست ایبری (ف.ا.ی)
HDI	Human Development Index	شاخص توسعه انسانی
HPC	Hêza Parastina Civakî / Hêzên Parastina Cewherî	نیروی دفاع مدنی
HPC-J	Hêza Parastina Civakî – Jinê	نیروی دفاع مدنی ویژه زنان
HSD / SDF	Hêzên Sûriya Demokratîk / Syrian Democratic Forces	نیروهای دمکراتیک سوریه / قوات سوریا الیمقراطیه (ق.س.د)
HSK	Heyva Sor a Kurdistanê	هلال احمر کُردستان
HSNB	Haylawotho d'Sutoro d'Neshe d'Beth Nahrin	پلیس زنان بت نهرین
HXP	Hêzên Xweparastinê	نیروهای دفاع ذاتی
IFB	International Freedom Battalion	گردان آزادی بین‌المللی
KCK	Koma Civakên Kurdistan	کنفدراسیون جوامع کُردستان (ک.ج.ک)
MAREZ	Municipios Autónomos Rebeldes Zapatistas	بخشداری خودمختار شورشی زاپاتیستی
MDS	Meclîsa Demokratîka Suriya	مجلس دمکراتیک سوریه
MFS	Mawtbo Fulhoyo Suryoyo	شورای نظامی سریانی
MGRK	Meclîsa Gel a Rojavayê Kurdistanê	مجلس خلق غرب کُردستان

MSF	Médecins Sans Frontières	پزشکان بدون مرز
PDK	Partiya Demokrat a Kurdistanê	حزب دمکرات کردستان (پ.د.ک)
PKK	Partiya Karkerên Kurdistanê	حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)
PYD	Partiya Yekîtiya Demokrat	حزب اتحاد دمکراتیک (پ.ی.د)
SZK	Saziya Zimanê Kurdî	انستیتو زبان کُردی
TEV-DEM	Tevgera Civaka Demokratîk	جنبش جامعه دمکراتیک (تو-دم)
YNK	Yekêtiy Nişîmaniy Kurdistan	اتحادیه میهنی کردستان (ی.ن.ک)
YPG	Yekîneyên Parastina Gel	یگان‌های مدافع خلق (ی.پ.گ)
YPG-I	YPG International Battalion	گردان بین‌المللی ی.پ.گ
YPJ	Yekîneyên Parastina Jin	یگان‌های مدافع زن (ی.پ.ژ)

پی نوشت ها و مراجع

۱. در این آمار، طوایف و زیر گروه های قومی بحساب نیامده اند. مثلا آذری ها یک گروه قومی محسوب شده اند در حالیکه این گروه قومی، خود به چندین زیر گروه همچون افشار، بیات، قزلباش و ... تقسیم می شود.

۲. این آمار فقط شامل زبان های اصلی است. مثلا کردی یک زبان محسوب شده، در حالیکه خود، شامل چهل و پنج گویش مختلف (مرجع: <http://www.kurdishacademy.org>) است.

۳ . US Energy Information Administration (2013)

۴ . BP Statistical Review of World Energy (2015)

۵ . U.S. Geological Survey Minerals Year Book (2012)

۶. محاسبه درصد جمعیت در ماه ژوئن ۲۰۱۸ بر اساس بانک اطلاعاتی وبسایت <http://www.worldometers.info> صورت گرفته است.

۷. در محاسبه این آمار تنها جغرافیای خاورمیانه در نظر گرفته شده است. بعنوان مثال، بسیاری از نبردها از جمله جنگهای خلافت اسلامی در اروپا یا انقلاب های متوالی صرب ها علیه دولت عثمانی، به حساب نیامده اند.

۸. این بررسی بر اساس گزارش سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۷ موسسه پژوهشی هایدلبرگ در زمینه مناقشات بین المللی (Heidelberg International Institute for Conflict Research) انجام شده است. موسسه مذکور، کشورهای شمال آفریقا، افغانستان و پاکستان را نیز جزو خاورمیانه محسوب می کند.

۹. موسسه هایدلبرگ، با در نظر گرفتن پنج پارامتر، مناقشات را به سه سطح "شدید"، "شدت متوسط" و "شدت کم" تقسیم بندی می کند. لذا مؤلف مناقشات شدید را با ضریب ۳ و مناقشات با شدت متوسط را با ضریب ۲ در محاسبات خود اعمال نموده است.

۱۰ . AQUASTAT, FAO Water Report 34 (2009)

۱۱. همان منبع

۱۲. World Population Prospects 2017, United Nations

۱۳. Edgar Göll, 'Future Challenges of Climate Change in the MENA Region', July 2017

۱۴. International Food Policy Research Institute, 'Climate Change: Impact on Agriculture and Costs of Adaptation', 2009

۱۵. Environmental Performance Index (EPI)

۱۶. Yale Center for Environmental Law & Policy (2018). '2018 EPI Report' [Online]. Available: <https://epi.envirocenter.yale.edu/2018/report/category/hlt> [2018, October].

۱۷. Human Development Report 2016, United Nations Development Programme

۱۸. The Heritage Foundation, 'Index of Economic Freedom', 2018

۱۹. شاخص یا ضریب جینی (Gini Coefficient) شاخصی اقتصادی برای محاسبه توزیع ثروت در میان مردم است.

۲۰. Hurriyet daily news, 'How many millions of people living in poverty in Turkey?', 24 June 2014

۲۱. The Guardian, 'Saudi Arabia's riches conceal a growing problem of poverty', 1 Jan 2013

۲۲. Shiite News, 'Power, Wealth Monopoly Immersing Saudi Arabia in Poverty', 24 Feb 2018

۲۳. The Strategic Research and Communications Center, 'Poverty in Syria', 2010

۲۴. آمار و ارقام این قسمت بر گرفته از مصاحبه روزنامه شرق با بهروز هادی زنوز، تحت عنوان "فقر چند بعدی زیر پوست ایران" در تاریخ بیست و ششم مهرماه ۱۳۹۵ است.

۲۵. آمار ارائه شده در سطح استان نیز نمی تواند عمق بی عدالتی ناشی از سیاست دولتی را بیان کند. چنانچه مثلا کُردها و ترک های سنی در استان آذربایجان غربی، کُردهای خراسان،

پی نوشت‌ها و مراجع

ترکمن های استان گلستان، اعراب استان خوزستان و... همواره دچار تبعیض بوده و در تقسیم ثروت، سهمی به مراتب کمتر از آنچه باید را دریافت داشته اند.

۳۶. جدول شاخص احساس فساد کشورهای مختلف، هر سال توسط سازمان شفافیت بین الملل (Transparency International) منتشر می شود. در این جدول، شاخص ۱۰۰ معادل غیر فاسد بوده و با افزایش شدت فساد، شاخص، کاهش می یابد.

۳۷ . The Heritage Foundation, 'Index of Economic Freedom', 2018

۳۸ . World Economic Situation and Prospects 2018, United Nations

۳۹. عفو بین الملل، گزارش سالانه ۲۰۱۷ وضعیت حقوق بشر

۴۰ . World Economic Forum, 'The Global Gender Gap Report 2017'

۴۱ . The Economist Intelligence Unit, 'Democracy Index 2017'

۴۲ . Reporters without Borders, World Press Freedom ranking 2018

۴۳ . Minority Rights Group International, 'People under Threat' 2018

۴۴. سوریه (اول)، عراق (چهارم)، یمن (هشتم)، فلسطین (شانزدهم)، مصر (هجدهم)، ایران (بیستم)، ترکیه (بیست و دوم) و لبنان (بیست و هفتم).

۴۵. اوجالان در مجموعه دفاعیاتش تحت عنوان "نقشه راه" و مجموعه پنج جلدی "مانیفست تمدن دمکراتیک" به ارائه راه حل کنفدرالیسم دمکراتیک پرداخته است.

۴۶ . Abdullah Ocalan, 'Democratic Confederalism', 1st edition 2011

۴۷ . United Nations Development Programme, 'Powerful Synergies: Gender Equality, Economic Development and Environmental Sustainability' 2013

۴۸. در قسمت هایی از نوشته های این بخش، از قلم ریوار آبدانان، در کتاب "کنفدرالیسم دمکراتیک، پروژه ای روزآمد برای حل مسئله کورد و دیگر خلقهای ایران" کمک گرفته شده است.

۴۹ . Abdullah Ocalan, 'Democratic Nation', 1st edition 2016

۴۰. همان منبع شماره ۴۲ صفحه ۳۲

^{۴۱} نباید از نظر دور داشت که آرزوی داشتن کشور مستقل و آزاد کردستان، آرزوی چند صد ساله هر کُردی بوده است لیکن شاگردان اوجالان با گذار فکری و احساسی از ناسیونالیسم به کنفدرالیسم دمکراتیک، عملاً نشان داده اند که می خواهند پیشاهنگ راستین دمکراسی در خاورمیانه باشند.

^{۴۲} این روستاها بر اساس دمکراسی، اکولوژی و برابری جنسیتی شکل می گیرند. واژه صلح به معنای آشتی میان مردمان و بین انسان و طبیعت است.

^{۴۳} . Janet Biehl, (2011). 'Kurdish Communalism' [Online]. Available: <http://new-compass.net/article/kurdish-communalism> [2018, July].

^{۴۴} . Niall McCarthy, (2013). 'Turkey Has the Most Jailed Journalists Worldwide' [Online]. Available: <https://www.statista.com/chart/1661/turkey-has-the-most-jailed-journalists-worldwide> [2018, July].

^{۴۵} . ۱۲۳۰ کیلومتر از ۲۸۰۰ کیلومتر طول فرات (حدود ۴۴٪) و تقریباً ۶۳۰ کیلومتر از ۱۸۵۰ کیلومتر طول دجله (حدود ۳۴٪) از خاک کردستان می گذرد.

^{۴۶} . صد سال بعد، استالین صدو بیست و هفت هزار خانوار کُرد این نواحی را تبعید کرد و دموگرافی آن را به نفع جمهوری آذربایجان تغییر داد.

^{۴۷} . دولت های انگلیس و فرانسه در معاهده سور (۱۹۲۰م) موافقت خود را با ایجاد یک دولت کُرد اعلام کرده بودند، ولی بعداً در پیمان لوزان (۱۹۲۳ م)، این قضیه منتهی شد.

^{۴۸} . می توان به لیست ارائه شده در ویکی پدیا رجوع نمود؛

https://en.wikipedia.org/wiki/Timeline_of_Kurdish_uprisings

البته این لیست کامل نیست. مثلاً به قیام سال ۱۹۳۱ جعفر سلطان لهونی در پاوه یا قیام ۱۹۳۴ نامد اشاره ای نشده و لذا مطمئناً رقم واقعی بیشتر از این است.

^{۴۹} . Rojavayê Kurdistanê (Rojava)

^{۵۰} . Rohilatê Kurdistanê (Rojhilat)

^{۵۱} . Bakûrê Kurdistanê (Bakûr)

^{۵۲} . Başûrê Kurdistanê (Başûr)

پی نوشت‌ها و مراجع

^{۵۳} . Çiyayê Kurd (Kurmanc)

^{۵۴} . Çiyayê Kezwan

^{۵۵} . ANF News (2018.) 'Turkey is Using Water as a Weapon of War' [Online].

Available: <https://cooperativeconomy.info/turkey-is-using-water-as-a-weapon-of-war> [2018, August].

^{۵۶} . New World Academy Readers #5: Stateless Democracy, 2015, P19

^{۵۷} . می توان حدس زد که با آزاد سازی سرزمین های بیشتر و الحاق مناطق عرب نشین رقه و دیرالزور به روزاوا، درصد جمعیت کُردها کاهش یابد. چنانچه فابریس بلانش (Fabrice Balanche) طی مطالعات منتشر شده تحت عنوان 'Sectarianism in Syria's Civil War' در سال ۲۰۱۸، به عدد ۵۵٪ اشاره می کند.

^{۵۸} . James A. Paul, Human Rights in Syria, Human Rights Watch, 1990, P89

^{۵۹} . حزب سوسیالیست بعث، حزب حاکم سوریه است و بشار آسد، پس از مرگ پدرش حافظ آسد در سال ۲۰۰۰، تا زمان نگارش کتاب بعنوان نوزدهمین رئیس جمهور سوریه در مسند قدرت بوده است.

^{۶۰} . برای مطالعه تاریخی بیشتر می توان به کتاب هایی چون: کردهای سوریه، ملت فراموش شده، نوشته کریم یلدرز با ترجمه محمد خوشناو قاضی و همچنین کتاب کردها در سوریه، نوشته ژوردی تزه با ترجمه آزاد حاجی آقایی مراجعه نمود.

^{۶۱} . Martin Chulov & Kareem Shaheen (2018). 'Nothing is ours anymore': Kurds forced out of Afrin after Turkish assault [Online]. Available: <https://www.theguardian.com/world/2018/jun/07/too-many-strange-faces-kurds-fear-forced-demographic-shift-in-afrin> [2018, July].

^{۶۲} . Xoybûn

^{۶۳} . یا قیام آرات، به رهبری ژنرال احسان نوری پاشا، در مقابل جمهوری ترکیه، به قصد تشکیل جمهوری آرات، در سال های ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۰ .

^{۶۴} . در سال ۱۹۴۵، اتحادیه همبستگی و آزادی (Yekbûn û Azadî) جایگزین جمعیت خوبون شد.

^{۶۵}. این تاثیرات نه تنها در روژاوا که در سایر قسمت‌های کردستان نیز به چشم می خورد. چنانکه پرچم فعلی حکومت حریم کردستان (باشور) اصالتاً همان پرچم جمعیت خوبیون است.

^{۶۶}. مقصود، شاعر نویسنده و روزنامه نگار کرد، عثمان صبری (۱۹۰۵-۱۹۹۳م) است.

^{۶۷} . Partiya Demokrat a Kurdistan-Sûriye (El-Partî)

^{۶۸}. از جملهٔ بیشمار نمونه ها، می توان به "نوزاد کومار" و "کمال حسن رمضان" اشاره کرد. نوزاد در سال ۲۰۰۴ در روژهلات به شهادت رسید. کمال نیز در سال ۲۰۱۳ توسط سازمان اطلاعاتی ایران دستگیر و به اعدام محکوم شد.

^{۶۹}. پارامترهایی از قبیل پایبندی به بینش سیاسی اوجالان، داشتن برنامه و مدیریت اجرایی، حضور رهبران و خانوادهٔ آنها در کنار مردم، مشارکت فعال زنان، اعتقاد عملی به برابری تمام هویت ها، ... و نهایتاً اثبات کارایی در عمل (و نه شعار) باعث تمایز این حزب از سایر احزاب روژاوا شده و پ.ی.د را به یکی از بزرگترین احزاب سوریه بدل ساخته است که امروز کمتر حزبی از نظر قدرت و نحوهٔ سازماندهی به پای آن می رسد.

^{۷۰}. یکی از منابع ارزشمند دربارهٔ انقلاب روژاوا کتاب زیر است:

Michael Knapp, Anja Flach, and Ercan Ayboğa, *Revolution in Rojava* (Pluto Press, 2016)

^{۷۱}. این نهاد ابتدا با نام "یگان های مردمی دفاع ذاتی" (Yekîneyên Xweparastina Gel- YXG) شناخته می شد و در سال ۲۰۱۲ به "یگان های مدافع خلق" تغییر نام داد. اگر چه این نیرو بعنوان ارتش کردها شناخته می شود، لیکن داوطلبانی از اعراب سوری، مسیحیان سوریه و رزمندگان آزادیخواه سایر کشورها را نیز در بر می گیرد.

^{۷۲}. جریان آزادیخواهی کردها "خط سوم" (Hêlî Sêyem) نام گرفته است.

^{۷۳} . Hewlêr

^{۷۴}. از این به بعد، "مجلس خلق غرب کردستان" را باختصار "مجلس خلق" می نامیم.

^{۷۵} . Commune

پی نوشت‌ها و مراجع

^{۷۶}. کانتون نوعی تقسیمات اداری کشوری است که از نظر مساحت و جمعیت کوچکتر از تقسیماتی همچون ایالت یا استان است.

^{۷۷}. "بهداشت و درمان" مستقلاً توسط مجلس خلق سازماندهی می شود.

^{۷۸} . Cizîrê

^{۷۹} . Kobanî

^{۸۰} . Efrîn

^{۸۱} . Peymana Civakî

^{۸۲} . Meclîsa Zagon saz

^{۸۳}. در صورتیکه وزیر انتخاب شده مرد بود، یکی از دو معاون وی حتماً باید زن باشد.

^{۸۴} . Komseriya Bilind Ya Hilbjartinan

^{۸۵} . Asayîş

^{۸۶} . Serê Kaniyê

^{۸۷} . Hesîçe

^{۸۸} . Grê Spî

^{۸۹}. در دسامبر ۲۰۱۶، سرهنگ جان دوریان، سخنگوی نیروهای تحت رهبری آمریکا موسوم به CJTF-OIR، تعداد نیروهای سوریه دمکراتیک را چهل و پنج هزار نفر اعلام کرد که اکثر آنها را افراد یگان های مدافع خلق و یگان های مدافع زن تشکیل می دهند. آمار دقیق از چگونگی ترکیب این نیروها در دست نیست، لیکن با توجه به منابع مختلف، مؤلف برآورد می کند که این تعداد مشتمل بر حدوداً ۶۶٪ کُرد، ۲۲٪ عرب و ۱۲٪ آشوری، ترکمن و... باشد.

^{۹۰} . Rimêlan

^{۹۱} . YPG International (2016). 'Final Declaration of the Rojava-Northern Syria Democratic Federal System Constituent Assembly' [Online]. Available: <https://ypginternational.blackblogs.org/2016/07/01/final-declaration-of-the->

rojawa-northern-syria-democratic-federal-system-constituent-assembly
[2018, August].

^{۹۲} . Herê m

^{۹۳} در حال حاضر، قسمت های عمدهٔ اقلیم آفرین تحت اشغال دولت ترکیه است.

^{۹۴} . Delil Souleiman, (2018). 'US Plans to Recognize Kurdish Area in Syria
3x Size of Lebanon Soon' [Online]. Available:
<https://sputniknews.com/middleeast/201801071060574215-us-recognition-kurdish-area-syria-reports> [2018, July].

^{۹۵} به منظور رفع خلل ساختاری ناشی از تفاوت زمانی در تشکیل سازمان های مدنی در مناطق آزاد شده با سایر مناطق فدراسیون، مجلس دموکراتیک سوریه در سپتامبر ۲۰۱۸، خودمدیریتی شمال و شرق سوریه (Rêveberiya Xweser a Bakur û Rojhilatê Sûriyeyê) را ایجاد نمود تا بر روند هماهنگی بین سازمان های مدنی در نقاط مختلف فدراسیون نظارت کند.

^{۹۶} . Gabo d'Ĥuyodo Suryoyo

^{۹۷} . Heval

^{۹۸} در حال حاضر متوسط سنی داوطلبان نیروهای دفاع مدنی بالاتر از چهل سال است و عموم داوطلبان شامل کسانی می شود که فرزندان یا حتی نوه هایشان در ی.پ.گ / ی.پ.ژ می جنگند.

^{۹۹} . Hêzên Antî Teror (HAT)

این نیرو با یگان های ضد ترور (Yekîneyên Antî Teror (YAT) که بخشی از ی.پ.گ می باشند، تفاوت دارد.

^{۱۰۰} . Mawtbo d'Sutoro Suryoyo (Sutoro)

این نیرو با نیروهای آشوری- مسیحی Sootoro که متمایل به رژیم بعث هستند، تفاوت دارد.

^{۱۰۱} . Yekîtiya Star

پی نوشت‌ها و مراجع

^{۱۰۲} در روزهاات نیز بصورت تاسیس جامعه زنان آزاد شرق کردستان Komeleya Jinên Azad ên Rojhilatê Kurdistanê (KJAR) در سال ۲۰۱۴ نمود یافت.

^{۱۰۳} . Kongreya Star

^{۱۰۴} . Jineolojî، به معنی لغوی "علم زنان"، توسط اوجالان در سال ۲۰۰۸ مطرح شد و از سال ۲۰۱۲ به بعد از طریق جنبش زنان کرد توسعه یافت. ژنولوژی را می توان باز سازی علوم اجتماعی از دیدگاه زن دانست.

^{۱۰۵} برای اطلاعات کاملتر به مطلب منتشر شده توسط کمیته دیپلماسی کنگره ستار مراجعه نمایید:

The Committee of Diplomacy of Kongreya Star, About the work and ideas of Kongreya Star, the Women's Movement in Rojava, (August, 2016)

^{۱۰۶} . Mala Jin

^{۱۰۷} . Malên Parastina Jinan

^{۱۰۸} . همچنین مسئولیت قضاوت تمامی دادگاه های مربوط به زنان بعهده قضات زن است.

^{۱۰۹} . Asayîşa Jin

^{۱۱۰} . Qereçox

^{۱۱۱} . U.S. Department of Agriculture's Office of Global Analysis, 'Syria: Crop Progress Report', 2009.

^{۱۱۲} . Fabrice Balanche (2017). Rojava Seeks to Break Out in Syria [Online]. Available: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/rojava-seeks-to-break-out-in-syria> [2018, September].

^{۱۱۳} . David Butter, 'Slavaging Syria's Economy', March 2016.

^{۱۱۴} . UNICEF, 'Multidimensional Poverty in Syria: A comparative research 2001, 2009', June 2014.

^{۱۱۵} . Plana Aboriya Civakî، این برنامه ابتدا طرح اقتصاد اجتماعی (سوسیال) نام گرفت ولی چون با اقتصاد سوسیالیستی دولتی تفاوت دارد نام آن اصلاح شد.

^{۱۱۶} . Meclîsa Tendurustî

- ^{۱۱۷} از جمله فعالیت های آکادمی مذکور می توان به برگزاری دو دوره کنفرانس بین المللی بهداشت و درمان در می ۲۰۱۷ و جولای ۲۰۱۸ اشاره کرد.
- ^{۱۱۸} تعریف ارائه شده برای "آکادمی"، برگرفته از مصاحبه KurdishQuestion.com با دُرشین عاکف (Dorşin Akif) استاد درس ژنولوژی آکادمی علوم اجتماعی مزوپوتامیا است.
- ^{۱۱۹} فعال و نویسنده کُرد متولد ۱۸۹۴ درسیم، از بنیانگذاران اتحادیه دانشجویان کُرد، که سال ۱۹۷۳ در آفرین وفات یافت.
- ^{۱۲۰} این آکادمی بعداً به نام آکادمی علم و تفکر آزاد تغییر نام داد.
- ^{۱۲۱} معلم، شاعر، روزنامه نگار، فعال حقوق بشر و محیط زیست، متولد ۱۹۷۶ شهر کامیاران که در سال ۲۰۱۰ به همراه علی حیدریان، فرهاد وکیلی، و شیرین علم‌هولی در زندان اوین تهران اعدام شدند.
- ^{۱۲۲} Viyan Amara یا Viyan Kobanê، فعال مبارز و معلم زبان کُردی، با نام سوگی کایا (Sevgî Kaya) متولد ۱۹۸۳ در شهر وان، که در سال ۲۰۱۳ در جنگ گری سپی به شهادت رسید.
- ^{۱۲۳} سیاستمدار، روزنامه نگار، نویسنده و زبان شناس کُرد متولد ۱۸۹۳ استانبول، بنیانگذار جمعیت خوبیون که در سال ۱۹۵۱ در حومه دمشق چشم از جهان فروبست.
- ^{۱۲۴} . Hevalêti
- ^{۱۲۵} . Philip Argeş O'Keeffe (2018). Tekmil: Creating a Culture of Constructive Criticism [Online]. Available: <https://komun-academy.com/2018/08/11/tekmil-creating-a-culture-of-constructive-criticism/> [2019, January].
- ^{۱۲۶} حکومت اسلامی عراق و شام (الدولة الإسلامية في العراق والشام) با نام اختصاری "داعش" که بعداً به "دولت اسلامی" (الدولة الإسلامية) تغییر نام داد.
- ^{۱۲۷} . Maksim Lebsky (2016), The Economy of Rojava [Online]. Available: <http://liva.com.ua/obzor-ekonomiki-rozhavyi.html> [2018, September].
- ^{۱۲۸} روستاییان در انتخاب روش های مبتنی بر اقتصاد سرمایه داری آزاد هستند، لیکن در این صورت از شبکه اقتصادی کمونال خارج می شوند.

پی نوشت‌ها و مراجع

^{۱۲۹} . European Neighbourhood and Partnership Instrument (ENPI), *Syria: National Indicative Programme 2011-2013* (2010), Page 31.

^{۱۳۰} . Wim Zwijnenburg and Kristine te Pas, *Amidst the debris* (PAX Publications, 2015).

^{۱۳۱} . Tevgera Ekolojîya Mezopotamyayê

^{۱۳۲} . Ercan Ayboğa

^{۱۳۳} . در اولین کنفرانس جنبش که آوریل ۲۰۱۶ در شهر وان برگزار شد، "انجمن سبز چیا" از روژهلات نیز حضور داشت.

^{۱۳۴} . Slow Food International

^{۱۳۵} . <http://eco-rojava.dk>

^{۱۳۶} . Internationalist Commune of Rojava

^{۱۳۷} . Make Rojava Green Again (<https://makerojavagreenagain.org>)

^{۱۳۸} . Human Rights Watch (2009), Group Denial: Repression of Kurdish Political and Cultural Rights in Syria [online]. Available: <https://www.hrw.org/report/2009/11/26/group-denial/repression-kurdish-political-and-cultural-rights-syria> [2018, October].

^{۱۳۹} . Amnesty International, 'We Had Nowhere Else to Go: Forced Displacement and Demolitions in Northern Syria' (2015).

^{۱۴۰} . Patrick Martin and Christopher Kozak, *The Pitfalls of Relying on Kurdish Forces to Counter ISIS* (Institute for the Study of War, 2016).

^{۱۴۱} . United Nations Human Rights Council, *Report No. A/HRC/34/CRP.3*, (2017).

^{۱۴۲} . برای اطلاعات جامع تر در این خصوص می توان به ویکی پدیا مراجعه نمود:

https://en.wikipedia.org/wiki/Human_rights_in_the_Democratic_Federation_of_Northern_Syria

^{۱۴۳} . The Arab Weekly (2016), Syria Kurdish militia to prosecute fighters accused of property damage [online]. Available: <https://thearabweekly.com/syria-kurdish-militia-prosecute-fighters-accused-property-damage> [2018, October].

^{۱۴۴} . Human Rights Watch (2014), Syria: Abuses in Kurdish-run Enclaves [online]. Available: <https://www.hrw.org/report/2014/06/19/under-kurdish-rule/abuses-pyd-run-enclaves-syria> [2018, October].

^{۱۴۵} . Geneva Call. یک سازمان بین‌المللی غیر دولتی بی طرف، مستقر در ژنو سوئیس است که خود را متعهد می‌داند تا "احترام به معیارهای بین‌المللی بشردوستانه در منازعات مسلحانه، بخصوص حفاظت از غیر نظامیان" را در میان گروه‌های مسلح غیر دولتی ترویج دهد.

^{۱۴۶} . Geneva Call, *Annual Repor* 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, &2017.

^{۱۴۷} . Fred Abrahams

^{۱۴۸} . Mutlu Civioglu (2014), Rights Official Speaks of Situation in Rojava, PYD Challenges [online]. Available: <http://www.rudaw.net/english/interview/02032014> [2018, October].

^{۱۴۹} حضور فراگیر (تو-دم)، آن را در مظان قدرت طلبی و تهدید برای آزادی مشارکت سیاسی قرار داده است. لذا صالح مسلم، عضو کمیته روابط خارجی (تو-دم)، طی مصاحبه مطبوعاتی پس از کنگره سوم، در آگوست ۲۰۱۸ توضیح داد که (تو-دم) در پی قدرت نبوده و فلسفه ایجاد آن، سازماندهی دموکراتیک جامعه است و اگر تا امروز در تمامی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی دخالت داشته به دلیل عدم وجود سازمان‌هایی بوده که بتوانند وظایف و مسئولیت‌ها را تقبل کنند. لیکن امروز سازمانهای سیاسی بسیاری در حال بلوغ هستند و (تو-دم) می‌خواهد، به فلسفه وجودی خود بازگشته و تنها به سازماندهی جامعه بپردازد.

منبع:

<https://ansforani.com/> رۆژئاوا-وسووریا/سالح-موسلیم-ته-م-ده-گه-رێته-سه-سه-ر-ئه-رکی- ریکستی-کۆمملگه-۰۲۱

^{۱۵۰} . منطقه خودمختار تبت در سال ۱۹۵۰ به اشغال ارتش خلق چین درآمد. حاکمیت بر این منطقه، با جمعیتی کمتر از ۳.۵ میلیون نفر، موضوع اختلاف میان دولت چین و دولت در تبعید تبت است. نقطه اوج حوادث خبرساز این منطقه، شورش سال ۲۰۰۸ لهاسا و خودسوزی‌های متعاقب آن بود.

پی نوشت‌ها و مراجع

^{۱۵۱} . نوار غزه در سال ۱۹۶۷ به اشغال نظامی اسرائیل در آمد و از سال ۲۰۰۷، تحت کنترل جنبش فلسطینی حماس قرار دارد. نوار غزه با جمعیتی کمتر از دو میلیون نفر و مساحتی بالغ بر ۳۶۰ کیلومتر مربع، در اواخر سال ۲۰۱۴ شاهد سه جنگ پیاپی با ارتش اسرائیل بوده است.

^{۱۵۲} . ANF News (2018), Little Sara killed by Turkish attack laid to rest in Gire Spi [Online]. Available: <https://anfenglishmobile.com/rojavanorthern-syria/little-sara-killed-by-turkish-attack-laid-to-rest-in-gire-spi-30591>

^{۱۵۳} . The New York Times (2018), Yemen Girl Who Turned World's Eyes to Famine Is Dead [Online]. Available: <https://www.nytimes.com/2018/11/01/world/middleeast/yemen-starvation-amal-hussain.html>

^{۱۵۴} . <https://www.farsnews.com/news/13970615000768>

^{۱۵۵} . اواخر سال ۲۰۱۵ دولت ترکیه آتش بس با پ.ک.ک را نقض کرد و دور سوم درگیری های فیما بین آغاز شد. ارتش ترکیه در حملات به مناطق شهری و روستایی باکور از هیچ جنایتی (بکار بردن گاز فسفر، شکنجه غیر نظامیان و...) فروگذار نکرد. عکس های هوایی قبل و بعد از حملات هوایی و سلاح های سنگین ارتش ترکیه به مناطقی همچون ناحیه سورِ ثامد و نسبین (نصیبین) شدت ویرانی ها را نشان می دهد.

^{۱۵۶} . Institute of Development Studies (2016), The 'Rojava Revolution' in Syrian Kurdistan: A Model of Development for the Middle East? [Online]. Available: <http://bulletin.ids.ac.uk/idsbo/article/view/2730/HTML> [2018, October].

^{۱۵۷} . Sêmalka

^{۱۵۸} . <https://docs.house.gov/meetings/FA/FA14/20170405/105842/HHRG-115-FA14-Wstate-PhillipsD-20170405-SD001.pdf>

^{۱۵۹} . HuffPost (2014), American Anti-Tank Weapons Appear in Syrian Rebel Hands [Online]. Available: https://www.huffingtonpost.com/charles-lister/american-anti-tank-weapon_b_5119255.html?guccounter=1

^{۱۶۰} . داعش در ۲۰۱۴/۹/۱۵ حمله گسترده خود به کوبانی را آغاز کرد و اولین حمله هوایی ائتلاف به مواضع داعش در کانتون کوبانی تاریخ ۲۰۱۴/۹/۲۷ انجام شد.

^{۱۶۱} . CNN (2015), Syria: Obama authorizes boots on ground to fight ISIS [Online]. Available: <https://edition.cnn.com/2015/10/30/politics/syria-troops-special-operations-forces/index.html>

^{۱۶۲} . The National (2018), Trump decided to leave Syria after call with Erdogan, says US defence official [Online]. Available: <https://www.thenational.ae/world/the-americas/trump-decided-to-leave-syria-after-call-with-erdogan-says-us-defence-official-1.804906>

^{۱۶۳} . NBC News (2018), Trump administration has new plan to drive Iran out of Syria [Online]. Available: <https://www.nbcnews.com/news/investigations/trump-administration-has-new-plan-drive-iran-out-syria-n919596>

^{۱۶۴} . در سال ۲۰۰۴ دولت قبایل العدوان، الجبوری، العقیقات و طیء را به منظور سرکوب شورش کردهای جزیره، مسلح نمود.

^{۱۶۵} . Alfredo Camposga (2017). 'Tribalismo en el conflicto de Siria: el contrato tribal' [Online]. Available: <http://www.descifrandolaguerra.es/tribalismo-en-el-conflicto-de-siria-el-contrato-tribal> [2019, January]

^{۱۶۶} . Kheder Khaddour, Kevin Mazur, (2017). 'Eastern Expectations: The Changing Dynamics in Syria's Tribal Regions' [Online]. Available: <http://carnegie-mec.org/2017/02/28/eastern-expectations-changing-dynamics-in-syria-s-tribal-regions-pub-68008> [2019, January].

^{۱۶۷} . ترکمن ها از سالها پیش با ترکیه مرادات اطلاعاتی داشته اند. چنانچه عمر عبدالله فرمانده تیپ سلطان عبدالحمید طی مصاحبه ای با رسانه های ترکیه اعلام کرد که آنها در سال ۱۹۹۲ موضوع استقرار پ.ک.ک در کوهستان ترکمن را به اطلاع ترکیه رسانده اند.
منبع:

<https://www.trthaber.com/haber/dunya/bayirbucaki-onlar-koruyor-179390.html>

^{۱۶۸} . ترکمن های روژاوا عموماً در روستاهای اطراف أعزاز، الباب، جرابلس و شهر الرامی مسکن گزیده اند.

^{۱۶۹} . این احزاب به اپوزیونی پیوستند که حتی حاضر نشد واژه "عربی" را از "جمهوری عربی سوریه" حذف کند.

پی نوشت‌ها و مراجع

^{۱۷۰} . Middle East Eye (2018), Turkey sends 'Kurdish Falcon' force to Afrin to counter anti-Kurd image [Online]. Available: <https://www.middleeasteye.net/news/turkey-sends-kurdish-falcon-force-afrin-counter-anti-kurd-image-1507200569>

^{۱۷۱} . منظور نیروهای سوتورو (با املاى Sootoro) یا نیروی حفاظت جزیره (Gozarto Protection Force) است.

^{۱۷۲} . George Woodcock, "Anarchism: A History of Libertarian Ideas and Movements," 1962, P13.

^{۱۷۳} . جهت اطلاع و بعنوان مثال می توان به وبسایت زیر مراجعه نمود:

<https://www.historic-newspapers.co.uk>

^{۱۷۴} . کتاب "درود بر کاتالونیا" نوشته جورج اورول، ترجمه تورج آرامش، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۶۱.

^{۱۷۵} . اریک آرتور بلر (Eric Arthur Blair) با نام مستعار جرج اورول (George Orwell) داستان نویس، روزنامه‌نگار، منتقد ادبی و شاعر انگلیسی (۱۹۵۰ - ۱۹۰۳م)

^{۱۷۶} . Hugh Thomas, "The Spanish Civil War," (Revised Edition) 2001.

^{۱۷۷} . <https://www.rt.com/usa/345269-40000-foreign-terrorists-syria>

^{۱۷۸} . مؤلف به منبع معتبری که نشاندهنده تعداد داوطلبان خارجی روزاوا باشد، دست نیافت.

^{۱۷۹} . Ya Basta

^{۱۸۰} . کتاب "آتش و کلام، تاریخچه ای از ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی" نوشته گلوریا مونیوز رامیرز، ترجمه بهرام قدیمی، انتشارات اندیشه و پیکار، فرانکفورت ۱۳۸۹.

^{۱۸۱} . Aguascalientes

^{۱۸۲} . Caracol

^{۱۸۳} . طبق رتبه بندی سال ۲۰۱۸ در وبسایت <https://www.globalfirepower.com> ترکیه نهمین و ایران سیزدهمین قدرت نظامی جهان برآورد شده اند. در حالیکه مکزیک در رتبه سی و دوم قرار دارد.

^{۱۸۴}. نلسون رولیهلاهما ماندلا (Nelson Rolihlahla Mandela) از مبارزان برجستهٔ مخالف آپارتاید در آفریقای جنوبی و رهبر کنگره ملی آفریقا و نخستین رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی بود. (۲۰۱۳ - ۱۹۱۸ م)

^{۱۸۵}. واژهٔ ناپوچی یا ناپوچی به پیروان فکری فلسفهٔ عبدالله اوجالان اطلاق می‌شود.

^{۱۸۶} . BBC News (2013). "Guide to the Syrian rebels" [Online]. Available: <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-24403003> [2018, Jul]